

قوله‌تغیر رویا

بیا رویکرد قرآن و روایات

دکتر علی شمعانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قواعد تعبیر رویا با رویکرد قرآن و روایات

نویسنده:

علی شعبانی

ناشر چاپی:

سبط اکبر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
قواعد تعبیر رویا با رویکرد قرآن و روایات	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
فهرست	۱۳
مقدمه	۱۸
قاعده اول: معناشناسی رؤیا و أحلام	۲۲
قاعده دوم: تاریخچه و ارزش رؤیا	۲۳
قاعده سوم: فوائد رؤیا	۲۵
قاعده چهارم: انواع رؤیاها	۲۸
قاعده پنجم: اقسام رؤیای صادق	۵۹
قاعده ششم: علائم انواع رؤیاها	۵۹
قاعده هفتم: توضیح حدیث نبوی (صل الله علیه و آله و سلم)	۶۹
قاعده هشتم: اختلاط رؤیاها	۷۰
قاعده نهم: فلسفه آمیختگی خواب ها	۷۳
قاعده دهم: ارزش علم تعبیر خواب	۷۴
قاعده یازدهم: علم تعبیر رؤیا مثل علم فتوا	۷۵
قاعده دوازدهم: روش های معتبر شدن	۷۶
قاعده سیزدهم: شرایط اخلاقی معتبر	۷۸
قاعده چهاردهم: شیوه های تعبیر خواب	۸۴
۲. تعبیر روایی	۹۳
۵. تعبیر به ضد و قلب	۱۰۱
قاعده پانزدهم: نقش اولین معتبر	۱۰۶
قاعده شانزدهم: یک رؤیا و چندین تعبیر	۱۰۸

۱۰۹	قاعده هفدهم: تعبیر رؤیای ندیده
۱۱۱	قاعده هجدهم: وسعت وجودی خواب بیننده
۱۱۲	قاعده نوزدهم: تناسب تعبیر با خواب بیننده
۱۱۶	قاعده بیستم: عدم تحقق قبل تعبیر
۱۱۷	قاعده بیست و یکم: تأخیر تعبیر
۱۱۹	قاعده بیست و دوم: رؤیای مُخبر از حال یا آینده
۱۲۱	قاعده بیست و سوم: لزوم تعبیر رؤیا به بهترین وجه
۱۲۴	قاعده بیست و چهارم: نقش زمان رؤیا در کیفیت تعبیر
۱۲۷	قاعده بیست و پنجم: نقش زمان در صدق و کذب رؤیا
۱۲۸	قاعده بیست و ششم: وحشت از رؤیا
۱۳۲	قاعده بیست و هفتم: نقش کیفیت رؤیا در تعبیر
۱۳۳	قاعده بیست و هشتم: تعبیر در حق دیگران
۱۳۵	قاعده بیست و نهم: جزئیات رؤیا
۱۳۶	قاعده سیّم: اعداد در رؤیا
۱۳۹	قاعده سی و یکم: تجسّم انسان ها در رؤیا
۱۴۲	قاعده سی و دوم: بهره گیری از نکات جانبی
۱۴۳	قاعده سی و سوم: یک رؤیا و چندین پیام
۱۴۴	قاعده سی و چهارم: علّت کابوس ها
۱۴۶	قاعده سی و پنجم: دفع شر رؤیای مکروه
۱۴۹	قاعده سی و ششم: آداب رؤیای حسنه
۱۵۰	قاعده سی و هفتم: کاهش رؤیا با قوت علم و ایمان
۱۵۲	قاعده سی و هشتم: عدم تمثّل شیاطین به شکل انبیاء (علیهم السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام)
۱۵۳	قاعده سی و نهم: رؤیای انبیاء (علیهم السلام)
۱۵۵	قاعده چهلم: حجّیت یا عدم حجّیت خواب
۱۵۶	قاعده چهل و یکم: فریب با رؤیا
۱۵۷	قاعده چهل و دوم: فراموشی رؤیا

۱۵۸ قاعده چهل و سوم: دروغ‌گویی در خواب

۱۵۹ قاعده چهل و چهارم: خواندن قصص معتبرین

۱۶۰ ۱. تعبیر معصومین (انبیاء و ائمه) (علیهم السلام)

۱۹۷ منابع

۲۱۰ درباره مرکز

قواعد تعبیر رویا با رویکرد قرآن و روایات

مشخصات کتاب

سرشناسه: شعبانی، علی، 1363-

عنوان و نام پدیدآور: قواعد تعبیر رویا با رویکرد قرآن و روایات/علی شعبانی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات سبط اکبر (علیه السلام)، 1401.

مشخصات ظاهری: 199 ص.؛ 20/5×14/5 س م.

شابک: 9-82-7248-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [187] - 199؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: خوابگزاری -- جنبه های مذهبی -- اسلام -- Religious aspects -- Dream interpretation خوابگزاری --

جنبه های قرآنی *Qur'anic teaching -- Dream interpretation

رده بندی کنگره: BP232/65

رده بندی دیویی: 297/485

شماره کتابشناسی ملی: 8814506

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

قواعد تعبیر رؤیا

با رویکرد قرآن و روایات

دکتر علی شعبانی

ص: 3

سرشناسه: شعبانی، علی، 1363-

عنوان و نام پدیدآور: قواعد تعبیر رویا با رویکرد قرآن و روایات/علی شعبانی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات سبط اکبر (علیه السلام)، 1401.

مشخصات ظاهری: 199 ص.؛ 14/5×20/5 س.م.

شابک: 9-82-7248-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [187] - 199؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: خوابگزاری -- جنبه های مذهبی -- اسلام -- Dream interpretation -- Religious aspects -- خوابگزاری --

جنبه های قرآنی Qur'anic teaching * -- Dream interpretation

رده بندی کنگره: BP232/65

رده بندی دیویی: 297/485

شماره کتابشناسی ملی: 8814506

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

قواعد تعبیر رؤیا

تألیف: دکتر علی شعبانی

انتشارات سبط اکبر

چاپ اول: 1401 تعداد 500 نسخه

طراح جلد: ابوالفضل حیدری

شابک: 978-600-7248-83-6

تماس با نویسنده : 09371426057

دفتر مرکزی ناشر: قم خیابان معلم کوچه 12 نشر سبط اکبر ما

تلفن و دورنگار: 02537737306

هر گونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر خلاف قانون شرع و اخلاق است.

موارد تخلف را به دفتر مرکزی «سبط اکبر» گزارش فرمایید.

حق چاپ محفوظ و منحصر «نشر سبط اکبر» است.

ص: 4

مقدمه..... 9

قاعده اول: معناشناسی رؤیا و أحلام..... 13

قاعده دوم: تاریخچه و ارزش رؤیا..... 14

قاعده سوم: فوائد رؤیا..... 16

قاعده چهارم: انواع رؤیاها..... 19

قاعده پنجم: اقسام رؤیای صادق..... 49

قاعده ششم: علائم انواع رؤیاها..... 49

قاعده هفتم: توضیح حدیث نبوی (صل الله علیه و آله و سلم)..... 3259

قاعده هشتم: اختلاط رؤیاها..... 60

قاعده نهم: فلسفه آمیختگی خوابها..... 63

قاعده دهم: ارزش علم تعبیر خواب..... 64

قاعده یازدهم: علم تعبیر رؤیا مثل علم فتوا..... 65

قاعده دوازدهم: روشهای معبر شدن..... 66

قاعده سیزدهم: شرایط اخلاقی معبر..... 68

قاعده چهاردهم: شیوه های تعبیر خواب..... 74

ص: 5

- قاعده پانزدهم: نقش اولین معبر..... 96
- قاعده شانزدهم: یک رؤیا و چندین تعبیر..... 98
- قاعده هفدهم: تعبیر رؤیای ندیده..... 99
- قاعده هجدهم: وسعت وجودی خواب بیننده..... 101
- قاعده نوزدهم: تناسب تعبیر با خواب بیننده..... 102
- قاعده بیستم: عدم تحقق قبل تعبیر..... 106
- قاعده بیست و یکم: تأخیر تعبیر..... 107
- قاعده بیست و دوم: رؤیای مُخبر از حال یا آینده..... 109
- قاعده بیست و سوم: لزوم تعبیر رؤیا به بهترین وجه..... 111
- قاعده بیست و چهارم: نقش زمان رؤیا در کیفیت تعبیر..... 114
- قاعده بیست و پنجم: نقش زمان در صدق و کذب رؤیا..... 117
- قاعده بیست و ششم: وحشت از رؤیا..... 118
- قاعده بیست و هفتم: نقش کیفیت رؤیا در تعبیر..... 122
- قاعده بیست و هشتم: تعبیر در حق دیگران..... 123
- قاعده بیست و نهم: جزئیات رؤیا..... 125
- قاعده سیّم: اعداد در رؤیا..... 126
- قاعده سی و یکم: تجسم انسانها در رؤیا..... 129
- قاعده سی و دوم: بهره گیری از نکات جانبی..... 132
- قاعده سی و سوم: یک رؤیا و چندین پیام..... 133
- قاعده سی و چهارم: علّت کابوسها..... 134
- قاعده سی و پنجم: دفع شر رؤیای مکروه..... 136

قاعده سی و هشتم: آداب رؤیای حسنه..... 139

قاعده سی و هفتم: کاهش رؤیا با قوت علم و ایمان..... 140

قاعده سی و هشتم: عدم تمثّل شیاطین به شکل انبیاء (علیهم السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام)..... 142

قاعده سی و نهم: رؤیای انبیاء..... 143

قاعده چهلّم: حجّیت یا عدم حجّیت خواب..... 145

قاعده چهل و یکم: فریب با رؤیا..... 146

قاعده چهل و دوم: فراموشی رؤیا..... 147

قاعده چهل و سوم: دروغگویی در خواب..... 148

قاعده چهل و چهارم: خواندن قصص معبّرین..... 149

منابع..... 187

ص: 7

در زمینه تعبیر رؤیا کتاب‌های زیادی نوشته شده (1)، اما از برخی از آثار جز نامی نمانده است. در آثار به جا مانده از شیعیان کتابی که قواعد کلی تعبیر رؤیا را به صورت منسجم بیان کند نیافتیم، در حالی که برخی از اهل تسنن کتاب‌هایی درباره قواعد تعبیر رؤیا نوشته‌اند، از این لازم دانستم در زمینه قواعد کلی رؤیا بر مبنای قرآن و روایات شیعه تحقیقی کنم. تحقیق پیش رو تلاشی علمی است که در آن سعی کرده‌ام با رویکرد قرآنی و با بهره‌گیری از روایات شیعه قواعد علم تعبیر خواب را مورد بررسی قرار داده و به صورت منسجم و مستدلّ و ساده و روان ارائه دهم تا مورد استفاده قرار گیرد. البته از روایات مقبول اهل تسنن نیز بهره‌جسته‌ام، اما از روایاتی که علم به جعل و نادرستی آنها داشتم پرهیز کردم. جهت نوشتن این اثر، (علاوه بر رجوع و مطالعه کتب متعدّدی در زمینه‌های تفسیری و حدیثی و تاریخی و لغوی و غیره) به کتاب‌های ذیل - که مرتبط با «رؤیا» و «تعبیر رؤیا» هستند - دسترسی داشته و مورد مطالعه قرار دادم:

1. الآداب الشرعیّة فی تعبیر الرؤی و الأحلام، نوشته: أبی حمود هادی بن قادری.

ص: 9

1- . رجوع: بحوث فی الرؤیا و الأحلام، ص 67 الی 70، المدخل لعلم تعبیر الرؤیا، ص 170 الی 174

2. آیات بینات فی حقیقة بعض المنامات، نوشته: محمد تقی تستری.
3. أخطاء الأنام حول الرؤى و الأحلام، نوشته: احمد بن عبدالله بن فريح ناصر.
4. اصول و قواعد تعبیر خواب، نوشته: محمد رضا نكونام.
5. الألفیة الوردیة فی تعبیر الرؤیا، نوشته: ابی حفص عمر بن مظفر بن وردی.
6. بانک جامع تعبیر خواب، نوشته: واحد تحقیقات مركز يارانہ ای قائمیہ اصفهان.
7. بحوث فی الرؤیا و الأحلام، نوشته: محمد جواد طبسی.
8. بلغة الشيعة الكرام فی تعبیر الرؤیا و المنام، نوشته: ميرزا محسن عصفور.
9. تعبیر خواب روانشناسی بیماریها، نوشته: زهرا رئيسی.
10. تعبیر خواب علامه مجلسی، نوشته: حيدر قنبری.
11. تعبیر خواب قرآنی، نوشته: مجتبی رضایی.
12. تعبیر خواب و بیماریهای روانی، نوشته: زیگموند فروید، ترجمه: ایرج پورباقر.
13. تعبیر الرؤیا و الأحلام عند الأئمة الأعلام، نوشته: علی أحمد عبدالعال طهطاوی.
14. تعبیر الرؤیا و الأحلام فی ضوء سنة خير الأنام، نوشته: سيد احمد محد سحلؤل.
15. تعجيل السقيا فی تعبیر الرؤیا، نوشته: احمد فريد.
16. تعطير الأنام فی تعبیر المنام، نوشته: عبد الغنى نابلسی.

17. تفسیر الأحلام، منسوب به: محمد بن سیرین.
18. تفسیر الأحلام بالقرآن، نوشته: ابو الفداء محمد عزت محمد عارف.
19. خواب پریشان (نگاهی به نقش خواب و رؤیا در جریان های انحرافی)، نوشته: محمد شهبازیان.
20. دار السلام في ما يتعلق بالرؤيا و المنام، نوشته: حسین بن محمد تقی نوری.
21. رؤیا (چهل حدیث)، نوشته: عبدالرحیم سیفی نژاد.
22. رؤیا از نظر دین و روانشناسی، نوشته: محمد رضا رضوان طلب.
23. الرؤیا فی الإسلام و المنامات، نوشته: صادق حسینی شیرازی.
24. رؤیاهای، نوشته: کارل گوستاو یونگ، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور.
25. رؤیاهای صادق، نوشته: علی کرمی.
26. رؤیاهای صادق، نوشته: علی نظری منفرد.
27. الرؤی و الأحلام، نوشته: عبد العزیز بن مرزوق طریفی.
28. الرؤی و الأحلام فی ضوء الكتاب و السنة، نوشته: حافظ بن حجر عسقلانی.
29. الرؤی و الأحلام فی سنة هادی الأنام، نوشته: أحمد بن سلیمان عرینی.
30. ضوابط الرؤیا، نوشته: محمد بن فهد بن ابراهیم ودعان.
31. طريقة الأعلام فی تعبیر الرؤی و الأحلام، نوشته: فیصل یوسف جعفری.
32. فرهنگ جامع تعبیر خواب، نوشته: هانس کورت، ترجمه: سید محمد علی شجاعی.

33. قواعد تفسیر الأحلام المسمّی «البدر المنیر فی علم التعبير» و شرحه، نوشته: احمد بن عبدالرحمن (شهاب عابر).

34. قواعد ناب در تعبیر خواب (ترجمه: القواعد الحسنی فی تأویل الرؤی)، نوشته: عبد الله بن محمد سدحان، ترجمه: اسحاق بن عبد الله دبیری عوضی.

35. کتاب تعبیر الرؤیا، نوشته: ابن قتیبہ دینوری.

36. کلیّات تعبیر خواب، نوشته: حبیش بن ابراهیم قفلسی.

37. المدخل لعلم تعبیر الرؤیا، نوشته: فهد بن جبیر سفیانی.

38. ینابیع الشذی فی الأحلام و الرؤیا، نوشته: ناصر بن سعید بن سیف السیف.

ناگفته نماند که تمام مباحث «علم تعبیر خواب» بر دو بخش است؛

1. قواعد کلیّه و ضوابط عامّه، که این کتاب درباره آن بحث می کند.

2. مفاهیم جزئیّه که در کتاب های تعبیر خواب برای هر خوابی ذکر شده است. مثلاً دیدن «کلاغ» به چه معنی است.

ماده «رأى» در اصل به معنای «دیدن» است (1).

«رؤیا» چیزی است که در خواب می‌بینی و جمع آن «رؤی» است (2). واژه «حُلُم» هم به معنای رؤیا است، وقتی کسی در خواب چیزی ببیند، عرب می‌گوید: «حَلَمَ يَحْلُمُ»، اما «حُلُم» (به سکون لام) به معنای «إِحْتِلَام: جنب شدن در خواب» است و جمع آن «أَحْلَام» است (3).

البته «حُلُم» هم به معنای «رؤیا» می‌آید و جمعش «أَحْلَام» است (4). بنابراین «رؤیا» و «حلم» هر دو به معنای چیزی است که انسان در خوابش می‌بیند، اما غالباً «رؤیا» برای خواب‌های خیر و نیک و «حُلُم» برای خواب‌های شر و زشت استفاده می‌شود (5).

چنانچه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «الرُّؤْيَا مِنَ اللَّهِ وَالْحُلُمُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (6) «رؤیا از خدا و حلم از شیطان است». و چنانچه معبران عزیز مصر وقتی از تعبیر رؤیای عزیز مصر عاجز شدند، رؤیای وی را از «أَحْلَام» دانستند:

ص: 13

1- . معجم المقاييس اللغة، ج 2، ص: 472

2- . لسان العرب، ج 14، ص: 297

3- . كتاب العين، ج 3، ص: 246

4- . كتاب الماء، ج 1، ص: 341

5- . النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 1، ص: 434

6- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 191

«قَالُوا أَضْءُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ» (1) «گفتند: خواب‌های پریشان است، و ما به تعبیر خواب‌های آشفته دانا نیستیم.»

قاعده دوم: تاریخچه و ارزش رؤیا

خواب بیننده و همچنین تعبیر نباید خواب را کم ارزش تلقی کنند، چرا که رؤیا حقایق و راهنمایی‌های زیادی در زندگی انسان ارائه می‌دهد، ارزش رؤیا زمانی بر انسان روشن می‌شود که بداند «رؤیا» معجزه یکی از انبیاء الهی (علیهم السلام) بوده است، چنانچه امام کاظم (علیه السلام) درباره تاریخچه آغاز خواب دیدن فرموده: «إِنَّ الْأَحْلَامَ لَمْ تَكُنْ فِيمَا مَضَى فِي أَوَّلِ الْخَلْقِ، وَإِنَّمَا حَدَّثْتُ» فَقُلْتُ: وَ مَا الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ؟ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ بَعَثَ رَسُولًا إِلَى أَهْلِ زَمَانِهِ فَدَعَاهُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ، فَقَالُوا: إِنْ فَعَلْنَا ذَلِكَ فَمَا لَنَا؟ فَوَاللَّهِ مَا أَنْتَ بِأَكْثَرِنَا مَالًا وَ لَا بِأَعَزَّنَا عِشِيرَةً، فَقَالَ: إِنْ أَطَعْتُمُونِي أَدْخَلَكُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ عَصَيْتُمُونِي أَدْخَلَكُمُ اللَّهُ النَّارَ، فَقَالُوا: وَ مَا الْجَنَّةُ وَ النَّارُ؟ فَوَصَفَ لَهُمْ ذَلِكَ، فَقَالُوا: مَتَى نَصِيرُ إِلَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِذَا مِتُّمْ، فَقَالُوا: لَقَدْ رَأَيْنَا أَمْوَاتَنَا صَارُوا عِظَامًا وَ زُفَاتًا فَارْزُدَاؤُا لَهُ تَكْذِيبًا وَ بِهِ اسْتِخْفَافًا، فَأَحْدَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِمُ الْأَحْلَامَ فَتَأَنَّهُ فَاخْبَرُوهُ بِمَا رَأَوْا وَ مَا أَنْكَرُوا مِنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَرَادَ أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِهِ ذَا، هَكَذَا تَكُونُ أَرْوَاحُكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ إِنْ بُلِيتْ أَبْدَانُكُمْ تَصِيرُ الْأَرْوَاحُ إِلَى عِقَابٍ حَتَّى

ص: 14

تُبْعَثَ الْأَبْدَانُ»⁽¹⁾. «خواب دیدن در اول خلقت نبود (و مردم خواب نمی دیدند) و بعدها پیدا شد»، راوی گوید: من عرض کردم: علت پیدایشش چه بود؟ فرمود: «خدای که یادش گرمی باد، پیامبری را به سوی مردم زمانش فرستاد و او ایشان را به پرستش و فرمانبرداری خدا دعوت فرمود، مردم گفتند: اگر ما چنین کنیم پاداشمان چیست؟ زیرا که به خدا سوگند نه تو مالت بیش از ما است و نه قبیله ات عزتمندتر است؟ آن پیغمبر (علیه السلام) فرمود: اگر اطاعت مرا بکنید خدا شما را به بهشت می برد، و اگر نافرمانیم کنید خدا شما را به دوزخ می برد، گفتند: بهشت و جهنم چیست؟ آن پیغمبر (علیه السلام) برای آنها، آن دورا توصیف کرد، گفتند: چه وقت ما به آنجا خواهیم رفت؟ فرمود: هر گاه بمیرید، گفتند: ما مرده هایمان را دیده ایم که استخوان پوسیده و خاك می شوند، و (به دنبال این سخن) بیشتر از قبل پیامبر (علیه السلام) را تکذیب کرده و خوار شمردند، پس خدای عزّ و جلّ خواب دیدن را در ایشان پدید آورد، پس به نزد آن پیغمبر (علیه السلام) آمدند و آنچه را در خواب دیده بودند به او گزارش داده و تعجب خود را از این جریان اظهار

ص: 15

1- . الکافی، ج 8، ص: 90، ح 57؛ در قرآن اولین رؤیایی (از لحاظ زمانی) که مطرح می شود، خواب حضرت ابراهیم (علیه السلام) است، اما از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که حضرت آدم (علیه السلام) حواری در خواب دید: «... فَلَمَّا خَلَقَهَا اللَّهُ تَعَالَى، أَجْلَسَهَا عِنْدَ رَأْسِ آدَمَ وَقَدْ رَأَاهَا فِي نَوْمِهِ، وَقَدْ تَمَكَّنَ حُبُّهَا فِي قَلْبِهِ فَأَنْتَبَهَ آدَمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ نَوْمَتِهِ فَقَالَ: يَا رَبِّ، مَنْ هَذِهِ؟...» (البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص: 347، ح 5841) این حدیث شریف بدین معنی است عموم مردم از ابتدا رؤیا نمی دیدند، ولی انبیاء (علیهم السلام) از ابتداء رؤیا می دیدند و رؤیا برای آنها نوعی وحی است، و این تاریخچه حدوث رؤیا دیدن برای غیر انبیاء (علیهم السلام) است. احتمال دیگری نیز وجود دارد که رؤیا در اول بوده و سپس قطع شده و دوباره مجدداً حادث شده است.

کردند. آن پیغمبر (علیه السلام) به ایشان فرمود: همانا خدای عزیز و جلیل خواست تا بدین وسیله برای شما حجت آورد، چون مُردید ارواح شما نیز این چنین است، اگرچه بدن هایتان پوسیده می شود ولی جان هایتان در عقاب (یا ثواب) به سر می برند تا دوباره بدن ها برانگیخته شوند».

همچنین در ارزش خواب و خواب گذاری همین بس که روایت شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحابشان می فرمودند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ رُؤْيَا فَلْيَقْصِّهَا أَعْبَرُهَا لَهُ» (1) «هر کس از شما رؤیایی دیده بازگو کند، برایش تعبیر می کنم».

قاعده سوم: فوائد رؤیا

هر رؤیای صادقه ای پیام یا پیام های مخصوص به خود را دارد، علاوه بر آن، اصل رؤیا دیدن (فارغ از رؤیای خاص) فوائد و ثمرات متعددی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

1. رؤیا راهی برای اثبات خدا است، چرا که رؤیا یکی از آیات الهی بوده و همچنین خدا در رؤیا حوادثی را نشان می دهد که دلالت بر خالق هستی می کنند.

2. رؤیا راهی روشن برای اثبات نبوت انبیاء (علیهم السلام) و وصایت اوصیاء (علیهم السلام) است، و اساساً رؤیا به عنوان معجزه پیامبری از پیامبران (علیهم السلام) نشان داده شده است، و باقی مانده از نبوت است، چنانچه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده

ص: 16

1- . صحیح مسلم، کتاب الرؤیا، ب، 3، ح 2269 [5824]

است: «لم يبق من النبوة بعدي إلا المبشرات» «از نبوت بعد از منچیزی نمانده جز بشارت دهنده‌ها» و وقتی معنای مبشرات را پرسیدند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به «رویای صالحه» تفسیر نمودند. (1)

3. رؤیا دلیلی روشن بر وجود قیامت و عالم پس از مرگ دارد.

4. رؤیا نشان می‌دهد که اولاً: غیب وجود دارد، و ثانیاً: می‌توان بر غیب دسترسی پیدا کرد، چنانچه اخبار غیبی در رؤیا به انسان داده می‌شود.

5. رؤیا نشان می‌دهد که انسان فقط جسم نیست، بلکه مرکب از جسم و روح است، و روح از جسم اشرف است، چرا که بعد از از کار افتادن موقت جسم در عالم سیر می‌کند. (2)

6. رؤیا دلالت می‌کند که اجسام زائل شده و از کار می‌افتند ولی ارواح بعد از مرگ اجسام همچنان باقی خواهند ماند.

7. رؤیا دلالت می‌کند که عالمی فراتر و بزرگ‌تر از دنیا وجود دارد که روح در رؤیا در آن سیر می‌کند.

ص: 17

1- . التفسير الكبير للطبرانی، ج 3، ص: 399

2- . چنانچه امام صادق (علیه السلام) در «رساله اهللبجه» می‌فرماید: «فَهَلْ رَأَيْتَ فِي الْمَنَامِ أَنَّكَ تَأْكُلُ وَتَشْرَبُ حَتَّى وَصَلْتَ لَذَّةَ ذَلِكَ إِلَى قَلْبِكَ؟ ... فَهَلْ رَأَيْتَ أَنَّكَ تَصْهَحُ وَتَبْكِي وَتَجُولُ فِي الْبُلْدَانِ الَّتِي لَمْ تَرَهَا وَ الَّتِي قَدْ رَأَيْتَهَا حَتَّى تَعْلَمَ مَعَالِمَ مَا رَأَيْتَ مِنْهَا؟ ... فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَقَارِبِكَ مِنْ أَخٍ أَوْ أَبٍ أَوْ ذِي رَحِمٍ قَدْ مَاتَ قَبْلَ ذَلِكَ حَتَّى تَعْلَمَهُ وَ تَعْرِفَهُ كَمَعْرِفَتِكَ إِيَّاهُ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ؟ ... فَأَخْبِرْنِي أَيُّ حَوَاسِّكَ أَذْرَكَ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ فِي مَنَامِكَ حَتَّى دَلَّتْ قَلْبَكَ عَلَى مُعَايَنَةِ الْمَوْتَى وَ كَلَامِهِمْ وَ أَكْلِ طَعَامِهِمْ وَ الْجَوْلَانِ فِي الْبُلْدَانِ وَ الضَّحِكِ وَ الْبُكَاءِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ ... أَفَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَعْلَمَ حَيْثُ بَطَلَتِ الْحَوَاسُّ فِي هَذَا أَنَّ الَّذِي عَايَنَ تِلْكَ الْأَشْيَاءَ وَ حَفِظَهَا فِي مَنَامِكَ قَلْبُكَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ الْعَقْلَ الَّذِي احْتَجَّ بِهِ عَلَى الْعِبَادِ» (بحار الأنوار، ج 58، ص: 60 و 61)

8. رؤیا نشان می‌دهد که عذاب روح بدون عذاب جسم، و لذت روح بدون لذت جسم امکان‌پذیر است، بنابراین عذاب و نعمت‌های قبر وجود دارند.

9. رؤیا راهی برای کسب اطلاع از احوال مردگان است.

10. رؤیا راهی برای معرفت شخصیت درونی انسان و نشان‌دهنده سعادت و شقاوت انسان است.

11. رؤیا راهی برای آموزش و اطلاع از منافع و مفسدات امور و کشف اسرار و آموزش معارف الهی است.

12. انسان می‌تواند در عالم بزرگ رؤیا به بسیاری از خواسته‌های خود رسیده و امیال سرکوفته شده التیام یابد و از این رو رؤیا مایه آرامش روانی گردد.

13. در خواب پیام‌های فراوانی ارائه شده و انسان راهنمایی می‌شود.

14. رؤیا راهی برای عبرت‌گیری از اتفاقات گذشته، و راهی برای آماده شدن جهت اتفاقات پیش‌رو است.

15. رؤیا راهی برای هدایت و جلوگیری از مفسدات و انحرافات است. (1) 16. رؤیا از اختلالات روانی و عصبی جلوگیری می‌کند.

17. خواب انبیاء (علیهم السلام) یکی از راه‌های وحی بوده و یکی از روش‌های ارتباط خدا با انبیاءش (علیهم السلام) بوده و تمام آثار و ثمرات وحی (مثل: تلقی تکالیف، تنظیم امور و ...) را دارد.

ص: 18

1- . چنانچه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِذَا كَانَ الْعَبْدُ عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَأَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا أَرَاهُ فِي مَنَامِهِ رُؤْيَا تُرَوِّعُهُ فَيَنْزَجِرُ بِهَا عَنْ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ» (الإختصاص، ص: 241)

18. رؤیا نشان دهنده ناپایداری نعمت‌ها و سختی‌های دنیا است، چرا که چه بسا لذت یک رؤیای شیرین با بیدار شدن از بین برود.

19. خوابیدن مثال مرگ و رؤیا دیدن مثال نعمت یا عذاب قبر و بیدار شدن مثال برانگیخته شدن فردای قیامت است. (1)

قاعده چهارم: انواع رؤیاها

رؤیا به اعتبارات مختلف به اقسام مختلفی قابل تقسیم است، مثلاً در یک تقسیم بندی، رویای یا «صادقه» است و یا «کاذبه»، و از لحاظ کیفیت به دو قسم «شفاف و روشن» و «مبهم و تاریک» تقسیم می‌شوند، چنانچه «محمد بن کعب» و «عایشه» گویند: رؤیای صادقه اولین بخش وحی بود که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آغاز شد، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواب (شفاف) می‌دید و خوابش چون سپیده صبح آشکار می‌شد. (2)

همچنین رؤیا با توجه به اینکه در محتوای آن گفتگویی رخ داده یا نه به دو قسم تقسیم می‌شود؛

1. فاقد گفتگو در متن رؤیا، مثل رؤیای هفت گاو توسط عزیز مصر.

2. دارای گفتگو، یعنی خوابی که در آن گفتگویی رخ داده است. (3)

اما زیباترین و ارزشمندترین تقسیم بندی رؤیا، در روایات اسلامی ارائه

ص: 19

1- درباره فوائد رؤیا رجوع شود به: دار السلام للنوری، ج 1، ص 22 الی 45؛ بلغة الشیعة الکرام، ص 12 الی 15؛ رؤیا از نظر دین و روانشناسی، ص 183 الی 204؛

2- رجوع: العدد القویة، ص: 341

3- رجوع: ضوابط الرؤیا، ص 242 الی 245

شده است، طبق نصوص دینی رؤیاهای انسان از لحاظ ریشه بر سه قسم است، چرا که یا خواب از خداست یا از شیطان یا از خود انسان. چنانچه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «الرُّؤْيَا ثَلَاثَةٌ؛ بُشْرَى مِنَ اللَّهِ، وَ تَحْزِينٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ الَّذِي يُحَدِّثُ بِهِ الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ فَيَرَاهُ فِي مَنَامِهِ»⁽¹⁾ «خواب دیدن بر سه قسم است؛

1. بشارتی از طرف خدا،

2. ناراحت کردنی از طرف شیطان،

3. خوابی که انسان با خود حدیث نفس کرده و در خواب می بیند».

و امام صادق (علیه السلام) هم فرمودند: «الرُّؤْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ؛ بَشَارَةٌ مِنَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ، وَ تَحْذِيرٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ أَصَدُّ غَاثِ أَحْلَامٍ»⁽²⁾ «خواب بر سه گونه است:

1. مژده ای از جانب خدا برای مؤمن،

2. بیم دادنی از طرف شیطان،

3. خواب های آشفته».

و بنده حقیر با تأمل در ریشه و کیفیت و اهداف رؤیا، برای هر کدام از این سه قسم، پنج قسم احصاء کردم، و برای هر یک اسمی گذاشتم، و جمعاً پانزده قسم شد.⁽³⁾

ص: 20

1- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 191؛ و ص: 193، ح 73

2- . الکافی، ج 8، ص: 90، ح 61

3- . گرچه اندیشمندان درباره انواع رؤیا تقسیمات مختلفی دارند، اما هیچکدام به جامعیت و دقت تقسیم پانزده قسمی ارائه شده در فوق نیست. مثلاً در (کنز الفوائد، ج 2، ص: 60 و 61) به نقل از شیخ مفید رؤیا بر چهار قسم تقسیم شده است: 1. حدیث نفس (برخاسته از تفکر)، 2. طبائع (برخواستۀ از غلبه مزاجها)، 3. الطاف الهی (تنبيه و تيسير و اعداء و انذار الهی)، 4. أسباب شیطانی (وسوسه و تحزین شیطانی). و در (بحار الأنوار، ج 58، ص: 213 و 214) به نقل از بغوی خواب به دو قسم صحیح (از طرف خدا) و اضغاث احلام تقسیم شده و اضغاث احلام به سه قسم تقسیم شده است: 1. برخواسته از شیطان، 2. برخواسته از حدیث نفس (مثل: فکر و حرفه)، 3. برخواسته از مزاج. و در (رؤیا از نظر دین و روانشناسی، ص 62 و 63) رؤیا بر شش قسم تقسیم شده است: 1. حکائی (برخاسته از درون انسان، مثل: تجسم خشم و نفرت در خواب)، 2. ارضائی (برخاسته از غرائز انسانی، مثل: غریزه جنسی و جاه طلبی)، 3. غیبی (معلول ارتباط روح با عالم بالا و مجردات)، 4. شیطانی (ناشی از وسواس شیطانی و ارتباط روح با شیطان)، 5. مزاجی (برخاسته از مزاج افراد)، 6. ذهنی (بر اثر ارتباط و کاربرد ذهن بر روی یک واقعه). همچنین در (رؤیا از نظر دین و روانشناسی، ص 146 تا 165) رؤیا به نه قسم تقسیم می شود: 1. فعالیت ذهنی یا تداعی معانی، 2. جریانات روز، 3. وجدان پنهانی یا حس ششم، 4. حوادث اطراف، 5. خاطرات دور، 6. وضعیت جسمانی، 7. آرزوها، 8. القانات شیطانی، 9. اشراق ربّانی. در (تعطیر الأنام، ص 11 و 12) ابتداء رؤیا به دو قسم

«باطله» و «حق» تقسیم شده و سپس رؤیای باطله را به هفت قسم تقسیم می‌کند؛ 1. حدیث نفس و اندوه و آرزو، 2. خواب احتلام، 3. تحذیر و تخویف شیطان، 4. خوابی که جادوگران جن و انس به انسان نشان می‌دهند، 5. خوابی که شیطان به انسان نشان می‌دهد، 6. برگرفته از طبائع انسان، 7. خوابی برگرفته از بیماری و درد. و سپس خواب حق را به پنج قسم تقسیم می‌کند؛ 1. رؤیای صادقه ظاهره که جزئی از نبوت است، 2. رؤیای صالحه که بشارت از خداست، 3. خوابی که فرشته رؤیا به نام «صدیقون» آن را به انسان نشان دهد، 4. رؤیای مرموزه که از ارواح است، 5. رؤیای صادقه که بعداً محقق می‌شود.

خدا با اهدافی نظیر «بشارت» به انسان خواب‌هایی را نشان می‌دهد، چنانچه شخصی از تفسیر «بشری» در آیه شریفه: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (1) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) سوال پرسید، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ» (2) «آن رؤیای نیکو است که مومن آن را دیده و در دنیای خود به آن بشارت داده می‌شود».

همچنین یکی دیگر از اهداف خدا از این خواب‌ها «هدایت» و «انذار» است، چنانچه امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِذَا كَانَ الْعَبْدُ عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا أَرَاهُ فِي مَنَامِهِ رُؤْيَا تُرَوِّعُهُ فَيَنْزِلُ بِهَا عَنْ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ، وَإِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ التُّبُّوَّةِ» (3) «وقتی بنده گرفتار گناهی باشد و خداخوبی آن شخص را بخواهد، در خوابش چیزی به او نشان می‌دهد که او را به وحشت انداخته و به این وسیله او را از گناه باز می‌دارد، و همانا رؤیای صادقه یک جزء از هفتاد جزء پیامبری است».

همچنین یکی دیگر از اهداف رؤیاهای الهی «آزمایش» است، چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ» (4) «و آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم، جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم».

ص: 23

1- . یونس : 64

2- . الکافی، ج 8، ص: 90، ح 60

3- . الإختصاص، ص: 241

4- . الإسراء : 60

همچنین یکی دیگر از اهداف این خواب‌ها «حمایت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مومنان راستین» است، چنانچه قرآن می‌فرماید: «إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشَسْتَهُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ» (1) «آنگاه را که خدا تعداد آنان (یعنی سپاه دشمن در جنگ بدر) را در خواب (به خاطر اندک بودن توان جنگی و شجاعت و باورشان) به تو اندک نشان داد؛ و اگر ایشان را (با توجه به تعدادشان) به تو بسیار نشان می‌داد قطعاً سست می‌شدید و حتماً در کار (جهاد) منازعه می‌کردید».

همچنین خواب‌های الهی اهداف مقدس دیگری نظیر «تعلیم» و ... را دنبال می‌کنند. چنین خوابی به منزله گفتار خدا است، چنانچه حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَجْرِي مَجْرَى كَلَامٍ تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ عِنْدَهُ» (2) «خواب مومن جاری مجرای سخنی است که خدا با او گفته است».

چنین خوابی نوعی وحی بوده و یک جزء از هفتاد جزء نبوت است (3).

ص: 24

1- . الأنفال : 43

2- . كنز الفوائد، ج 2، ص: 61

3- . درباره اینکه «رؤیای صادق» چند جزء از نبوت است، در برخی احادیث یک جزء از هفتاد و هفت جزء نبوت مطرح شده: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: «رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سَبْعَةٍ وَسَبْعِينَ جُزْءاً مِنَ النَّبُوءَةِ» (كنز الفوائد، ج 2، ص: 61)؛ در برخی دیگر یک جزء از چهل و شش جزء نبوت مطرح شده است: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: «الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ الرَّجُلِ الصَّالِحِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءاً مِنَ النَّبُوءَةِ» (عدة الداعي، ص: 278)؛ و در منابع اهل تسنن روایات بسیار مختلفی از رسول مکرم اسلام نقل شده است؛ 1. یک جزء از بیست و شش جزء [ابن عبد البر]، 2. یک جزء از چهل جزء [ترمذی]، 3. یک جزء از چهل و چهار جزء [طبری]، 4. یک جزء از چهل و پنج جزء [مسلم]، 5. یک جزء از چهل و شش [مسلم و بخاری و ابن ماجه]، 6. یک جزء از چهل و نه جزء [طبری]، 7. یک جزء از پنجاه جزء [مسند أحمد]، 8. یک جزء از هفتاد جزء [أبی شیبہ و مسلم و ابن ماجه]، 9. یک جزء از هفتاد و شش جزء [طبرانی]. اما قولی که در منابع شیعه و سنی مطرح شده همان هفتاد جزء است، و در (الجامع لأحكام القرآن، ج 9، ص: 122) بعد از ذکر اقوال آمده: «الصحيح منها حديث الستة والأربعين، و يتلوه في الصحة حديث السبعين». برخی از علمای اهل تسنن خواسته‌اند با وجوهی بین این اقوال جمع کنند، درباره وجوه جمع، رجوع: الرؤى والأحلام فى سنة هادى الأنام، ص 29 و 30؛ الرؤى والأحلام فى ضوء الكتاب والسنة، ص 17 الى 44؛ الرؤى والأحلام، ص 13؛ ضوابط الرؤيا، ص 170 الى 178.

چنانچه امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ رُؤْيَاهُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنَ النَّبُوءَةِ»⁽¹⁾ «همانا خواب مؤمن یک بخش از هفتاد بخش پیامبری است».

اما با توجه به اینکه روح انسان در کدام عالم سیر کرده، خواب های الهی بر پنج قسم کلی هستند:

1. خواب عینی

رؤیای عینی خوابی است که در آن روح انسان به عالم آینده رفته و از زمان فراتر می رود و آنچه در آینده دور یا نزدیک اتفاق می افتد را به انسان نشان می دهد، گاه بدین گونه است که تمام شخصیت ها هم همان افراد هستند که می توان «عینی محض» نامید، و گاه شخصیت ها عوض شده و در صورت تغییر شخصیت ها، معمولاً شخصی که منزلت بالاتری دارد در رؤیا نشان داده شده و در بیداری شخصیت پایین جای او قرار می گیرد، ولی شخصیت ها در خوب و بد بودن و ویژگی های کلی مشترکند، خواب عینی تعبیرش همان وقوعش در عالم خارج بوده و هیچ گونه تفسیر و تأویلی

ص: 25

ندارد. خواب عینی محض مثل: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (1) «حقاً خدا رؤیای پیامبر خود را راستین قرار داد، (که دیده بود: شما بدون شك، به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی (و ناخن) کوتاه کرده اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد. خدا آنچه را که نمی دانستید دانست، و غیر از این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرار داد».

اما خواب عینی غیر محض مثل خواب «حَسَّانَ بْنِ سَدِيرٍ» که گوید: در خواب دیدم که محضر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مشرف شدم و مقابل ایشان طبقی قرار داشت که روی آن دستمالی بود که طبق با آن پوشانده شده بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستمال را از روی طبق برداشتند در طبق خرماى تازه بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شروع به خوردن خرما فرمودند. من گفتم: ای رسول خدا! به من هم خرما بدهید. يك خرما دادند و خوردم و باز گفتم: به من بخورانید ای پیامبر خدا، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باز خرمایی فرمودند. تا اینکه بدین گونه هشت خرما دادند. گفتم: بر من بیفزایید (و خرماى بیشتری بدهید)، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «حَسَّ بُكَ» «برای تو بس است». از خواب بیدار شدم و وقتی صبح شد به حضور مولای خود امام صادق (علیه السلام) رسیدم. مقابل ایشان طبقی بود که روی آن با دستمال پوشیده شده بود. انگار همان طبق (و پارچه و همان

ص: 26

صحنه‌ای) بود که در خواب دیده بودم. امام صادق (علیه السلام) دستمال را از روی طبق برداشتند. در آن خرما بود و شروع به خوردن خرما فرمودند. گفتم: ای پسر رسول خدا! به من یک خرما بدهید. يك خرما داد آن را خوردم، و همچنان (درخواست کردم) تا هشت خرما مرحمت فرمودند. سپس گفتم: ای پسر رسول خدا! بیشتر لطف فرمایید. فرمود: «لَوْ زَادَ جَدِّي لَزِدْنَاكَ وَلَكِنْ حَسْبُكَ» (1) «اگر پدر بزرگم می‌افزود من هم می‌افزودم، ولی برای تو همین اندازه بس است». ممکن است کسی بگوید: وقتی چنین خوابی تعبیری جز وقوعش ندارد، پس چه خاصیتی دارد؟ پاسخش این است که این خواب یک خبر غیبی از آینده است که خدا قبل از تحققش به انسان خبر داده، و در ثانی خدا با تغییر شخصیت‌ها ارزش و مقام افراد را به دیگران معرفی می‌فرماید، چنانچه جایگاه سید مرتضی (رحمه الله) و سید رضی (رحمه الله) از خواب شیخ مفید (رحمه الله) روشن می‌شود: شیخ مفید (رحمه الله) شبی در عالم رؤیا دید که در مسجد خودش در کرخ است، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با دو فرزندش امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) پیش وی آمد، در حالی که حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) کودک بودند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) دو فرزندش را به شیخ مفید سپرد و فرمود: «عَلَّمَهُمَا الْفَقْهَ» «به این دو فقه

ص: 27

1- . روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج 1، ص: 208؛ مشابه همین رؤیا را «ابی حبیب بناجی [بناجی]» هم دیده و در خواب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او هجده خرما داده و در بیداری «امام رضا (علیه السلام)» به او به هجده خرما دادند و فرمودند: «لَوْ زَادَكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَزِدْنَاكَ» (عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص: 210، ح 15)؛ همچنین مشابه همین خواب را «احمد بن عیسی کاتب» هم دیده و در بیداری «امام هادی (علیه السلام)» به همان مقدار خرما به وی داده و فرموده: «لَوْ زَادَكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَزِدْنَاكَ» (الخرائج و الجرائح، ج 1، ص: 411 و 412، ح 16)

بیاموز»، شیخ مفید بیدار شد، و از خوابش تعجب کرد، همین که روز بالا آمد، فاطمه بنت ناصر، با دو پسرش «علی مرتضی» و «محمد رضی» در حالی که کودک بودند خدمت شیخ مفید (رحمه الله) در مسجد رسید، و گفت: ای شیخ، این دو فرزندان من هستند آنها را پیش تو آورده‌ام تا فقه به آنها بیاموزی. شیخ گریه کرده و خواب دیشب خود را برای آنها بازگو کرد. (1)

2. خواب مثالی

وقتی موقع خواب روح انسان در عالم مثال سیر کند، چنین خوابی نیازمند تعبیر است، چرا که در آن عالم برای تمام مفاهیم شکل‌هایی مطرح است، مثلاً حقیقت علم با شیر خوراکی نشان داده می‌شد. از این رو چنین خوابی با زبان سمبلیک و نمادین و رمزی است و نیازمند ترجمه و رمزگشایی است، و خدا چنین خوابی را به عزیز مصر نشان داد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَوِيَّاتٍ يَأْكُلُھُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَ سَبْعُ سُنْبُلَاتٍ خُضَرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ» (2) «و پادشاه (مصر) گفت: من (در خواب) دیدم هفت گاو فربه است که هفت (گاو) لاغر آنها را می‌خورند، و هفت خوشه سبز و (هفت خوشه) خشکیده دیگر. ای گروه حاضر، اگر خواب تعبیر می‌کنید، درباره خواب من، به من نظر دهید.»

چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خواب دیدند که میمون‌های به بالای

ص: 28

1- . خواب شیخ مفید: ادب الطف، ج 2، ص: 268

2- . یوسف: 43

منبرش می‌روند،⁽¹⁾ و تعبیرش حکومت بنی امیه بعد از پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) بود، که قرآن می‌فرماید: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ»⁽²⁾ «و آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم، و (نیز) آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم».

3. خواب ملکوتی

گاهی روح انسان به عوالم دیگر رفته و حقایقی به او نشان داده می‌شود، مثلاً باطن دنیا یا عالم آخرت یا سائر عوالم را به او نشان می‌دهند، در این صورت خواب حق بوده ولی تعبیری ندارد، بلکه انگار مثل آن است که انسان در بیداری عالمی را مشاهده کرده است، چنانچه روایت شده چون پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) بعد از خواندن نماز صبح فرمودند: «مَعَاشِرَ أَصْحَابِي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَمِّي حَمْرَةَ بَنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ أَخِي جَعْفَرَ بَنِ أَبِي طَالِبٍ وَ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا طَبَقٌ مِنْ نَبَقٍ، فَأَكَلَا سَاعَةً ثُمَّ تَحَوَّلَ النَّبِيُّ عِنْبًا، فَأَكَلَا سَاعَةً ثُمَّ تَحَوَّلَ الْعِنْبُ رُطْبًا، فَأَكَلَا سَاعَةً، فَدَنَوْتُ مِنْهُمَا وَقُلْتُ: يَا بِي وَ أُمِّي أَنْتُمَا، أَيُّ الْأَعْمَالِ وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ؟ قَالَا: فَدَيْنَاكَ بِالْأَنْبَاءِ وَ الْأُمِّهَاتِ وَجَدْنَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ؛ الصَّلَاةَ عَلَيْكَ وَ سَقْيَ الْمَاءِ وَ حُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»⁽³⁾ «ای گروه یارانم، من دیشب (در خواب) عمویم حمزه بن عبد المطلب و برادرم جعفر بن ابی طالب را دیدم، و پیش روی

ص: 29

1- . تفسیر القمی، ج 2، ص: 21

2- . الإسراء: 60

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 1، ص: 95

ایشان طبقی از کُنار (میوه درخت سدر) نهاده شده بود، مدتی از آن خوردند، آن کُنار تبدیل به انگور شد، پس از آن زمانی از آن نیز تناول کردند آن انگور خرما شد، از آن نیز مدتی خوردند، پس نزدیک ایشان رفتم و گفتم: پدر و مادرم فدای شما دو نفر، کدام یک از اعمال را بافضیلت تر یافتید؟ گفتند: پدران و مادران ما فدای تو باد، أفضل اعمال را (سه چیز) یافتیم؛ 1. صلوات بر تو، 2. و آب دادن، 3. و دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام)».

در این خواب روح پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ملکوت عالم برزخ رفته و جایگاه بهشتی حمزه سید الشهداء (علیه السلام) و جعفر طیار (علیه السلام) را دیده و از آنها سوال هم پرسیده است. رؤیاهایی که درباره عالم برزخ یا قیامت دیده می شود همگی از این قسم هستند.

4. خواب خطابی

در این خواب هاتقی یا شخص برگزیده ای مطلب حقی را مطرح می فرماید، که چنین خوابی هم حق بوده ولی نیاز به تعبیر ندارد.

خواب خطابی گاه به صورت «اخباری» است و از چیزی خبر می دهد، چنانچه مردی از اهل خراسان به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دیدم که به من می فرمود: چگونه خواهید بود وقتی که پاره تن من در سرزمین شما دفن شود و شما برای نگهداری امانت من گماشته شوید و در خاک شما ستاره من پنهان شود؟ امام رضا (علیه السلام) به او فرمود: «أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَأَنَا بَصُعَّةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ وَأَنَا الْوَدِيعَةُ وَالنَّجْمُ» (1) «من آن

ص: 30

کس هستم که در سرزمین شما دفن می‌شوم، و من پاره تن پیامبران هستم و من امامت و ستاره هستم».

خواب خطایی گاه به صورت «دستوری» است، چنانچه وقتی هارون الرشید، حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را زندانی نمود، بعد از آنکه تاریکی شب عالم را فرا گرفت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) تجدید وضوء نموده و روی خود را به قبله نموده چهار رکعت نماز بجای آورده و این دعا را خواندند: «يَا سَيِّدِي نَجِّنِي مِنْ حَبْسِ هَارُونَ وَ...»، پس وقتی موسی بن جعفر (علیه السلام) این دعا را خواند، مرد سیاهی در خواب هارون آمد که يك دستش شمشیری بود که از نیام کشیده بود و بالای سر هارون ایستاده و می‌گفت: «يَا هَارُونُ أَطْلِقْ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَإِلَّا ضَرَبْتُ عِلَاقَتَكَ بِسَيْفِي هَذَا» «ای هارون، موسی بن جعفر را رها کن و گرنه با این شمشیر گردنت را می‌زنم»، هارون از هیبت آن مرد ترسید، و (بعد از بیداری) حاجب خود را خواست، پس چون حاجب آمد گفت: به زندان برو و موسی بن جعفر را رها کن (ولی در نهایت در زندان سیدندی بن شاهک حضرت (علیه السلام) را به شهادت رساند). (1) همچنین در زمان ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) باران نبارید، و برخی از اطرافیان مأمون گفتند: از وقتی علی رضا (علیه السلام) ولی عهد شده باران قطع شده است، مأمون به امام رضا (علیه السلام) گفت: اگر برای باران دعا کنی خوب است، حضرت (علیه السلام) فرمود: بله، مأمون گفت: کی دعا می‌کنی؟ - و آن روز جمعه بود - حضرت (علیه السلام) فرمود: «يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ، فَإِنْ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَانِي الْبَارِحَةَ فِي

ص: 31

مَدَامِي وَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَقَالَ: يَا بُنَيَّ أَنْتَظِرْ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَابْرُزْ إِلَى الصَّحَرَاءِ وَ اسْتَسْقِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَسْقِيهِمْ، وَ أَخْبَرَهُمْ بِمَا يُرِيكَ اللَّهُ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْ حَالِهِمْ لِيَزِدَّادَ عِلْمُهُمْ بِفَضْلِكَ وَ مَكَانِكَ مِنْ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ» «روز دوشنبه، چون من رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دیدم که امیر مؤمنین علی (علیه السلام) با او بود، به من فرمود: پسر من تا روز دوشنبه صبر کن آنگاه به صحرا رو و از خدا طلب باران کن، خدای متعال برای مردم باران خواهد فرستاد. مردم را خبر بده به آنچه خدا به تو نشان می دهد و مردم از حال خود آگاه نباشند تا اینکه علم مردم به فضل و جایگاه تو در نزد پروردگارت زیاد شود». حضرت رضا (علیه السلام) روز دوشنبه برای طلب باران رفت و خدا باران شدیدی به صورت کاملاً معجزه وار فرو فرستاد. (1)

ناگفته نماند ممکن است در برخی موارد سخن دیگران در رؤیا نیازمند تعبیر باشد، چنانچه زنی در خواب دختر مُرده اش را دیده و از او پرسیده: ای دخترم، کدام عمل را بهترین عمل یافتی؟ دخترش گفته: ای مادر، گردو را بردار و بین فقراء تقسیم کن. از ابن سیرین تعبیرش را پرسیدند، گفت: این زن گنجی را که دارد باید بیرون بیاورد و صدقه بدهد. صاحب خواب گفت: استغفر الله، من گنجی دارم که در زمان طاعون دفن شده بودم. (2)

چنانچه مردی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و گفت: در خواب شما را دیدم و از شما پرسیدم: چه اندازه از عمرم مانده؟ و شما با دست اشاره به پنج کردی و این خواب فکرم را مشغول کرده (که پنج روز یا پنج هفته یا ماه یا

ص: 32

1- . عیون أخبار الرضا، ج 2، ب 41، ص: 168، ح 1

2- . کتاب تعبیر الرؤیا، ص 81، ش 99

پنج سال از عمرم باقی است)، حضرت (علیه السلام) فرمود: «إِنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهِيَ [خَمْسٌ] تَقَرَّدَ اللَّهُ بِهَا: (إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ...)» (1) «(2)» توازن چیزی پرسیدی که جز خدای عز و جل کسی نمی‌داند و آنها پنج چیز هستند که فقط خدا آنها را می‌داند: (راستی خدا که نزد دانش قیامت است...)». یعنی حضرت (علیه السلام) با دستش اشاره فرموده که این سوال از پنج موردی است که فقط خدا می‌داند، نه اینکه بخواهد مدت عمر وی را بفرماید.

5. خواب وقوعی

خوابی که در موقع وقوع همان رویداد انسان آن خواب را دیده و اثر آن رویداد را بعد از بیداری می‌بیند، و فرقی با رؤیای ملکوتی و خطابی در این است که در رؤیای وقوعی، افرادی از عالم دیگر به عالم دنیا می‌آیند، بر خلاف رؤیای ملکوتی و خطابی که روح انسان به عالم دیگر می‌رود، از این رو در خواب وقوعی اثر آن رؤیا بعد از بیداری دیده می‌شود، چنانچه امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «رَأَيْتُ الشَّيْطَانَ فِي النَّوْمِ فَوَائِبِنِي فَرَفَعْتُ يَدَيَّ فَكَسَرْتُ أَنْفَهُ فَأَصَبَ بَحْتُ وَإِنَّ عَلَى ثَوْبِي لَرَشَّ دَمٍ» (3) «در خواب شیطان را دیدم، به من حمله کرد، دستم را بالا بردم و بینی‌اش را شکستم، بیدار شدم و بر روی لباسم خون پاشیده بود». یعنی این شیطان بوده که پیش امام سجاد (علیه السلام) رفته، نه اینکه امام سجاد (علیه السلام) پیش شیطان برود.

ص: 33

1- . لقمان: 34.

2- . الدعوات، ص: 239 و 240، ح 671

3- . الخرائج و الجرائح، ج 2، ص: 584، ح 3

همچنین از امام سجّاد (علیه السلام) روایت شده: «رَأَيْتُ فِي النَّوْمِ كَأَنِّي أَتَيْتُ بِقَعْبٍ مِنْ لَبَنٍ فَشَرِبْتُهُ فَأَصْبَحْتُ مِنَ الْغَدِ فَجَاشَتْ نَفْسِي فَتَقَيَّاتُ لَبَنًا قَلِيلًا، وَمَا لِي بِهِ عَهْدٌ مُنْذُ حِينَ وَ مُنْذُ أَيَّامٍ» (1) «در رؤیا دیدم مثل اینکه کاسه شیری به من دادند و من نیز آن را خوردم، صبح که بیدار شدم، معده ام جوشید و شیر اندکی استفراغ نمودم، در حالی که چند روز بود که شیر نخورده بودم». چنانچه در میان بنی اسرائیل مرد عابدی بود که تهیدست بود، همسرش به او پافشاری می کرد که به دنبال روزی برود. آن مرد درباره روزی در پیشگاه خدا دعا و گریه و زاری کرد. در خواب دید که کسی به او گفت: «أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ دُزْهَمَانٍ مِنْ حِلٍّ أَوْ أَلْفَانٍ مِنْ حَرَامٍ؟» «کدام يك از این دو را بیشتر دوست داری، دو درهم از حلال یا دو هزار درهم از حرام؟» مرد عابد پاسخ داد: دو درهم از حلال. وقتی آن مرد از خواب بیدار شد، دو درهم زیر سرش یافت. آنها را برداشت و با یکی از آنها يك ماهی خرید و به خانه آورد. وقتی همسرش او را دید، شروع به سرزنش کرد و سوگند یاد کرد که به آن ماهی دست نزنند. آن مرد خود به تمیز کردن آن ماهی پرداخت. وقتی شکم ماهی را پاره کرد در درون آن دو ذرّ یافت که به چهل هزار درهم فروخت. (2)

همچنین سُدی گوید: به مردی گفتم: تو «قَطْرَان (3)» می فروشی؟ گفت:

ص: 34

1- . الخرائج و الجرائح، ج 2، ص: 584، ح 2

2- . قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي، ص: 184، ح 224

3- . قطران: ماده روغنی و سیاه رنگ که از برخی درختان مانند صنوبر، عرعر و امثال آن می چکد. فرهنگ فارسی عمید، واژه: قطران

به خدا قسم من اصلاً قطران ندیده‌ام، من در لشکر عمر بن سعد در کربلاء می‌فروختم، در خواب دیدم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی بن ابی طالب (علیه السلام) به شهدای کربلاء آب می‌دهند، من هم از حضرت علی (علیه السلام) آب خواستم، ولی او (از آب دادن) امتناع ورزید، پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدم و آب خواستم، به من نگاه کرد و فرمود: «أَلَسْتَ مِمَّنْ أَعَانَ عَلَيْنَا؟» «آیا تو از کسانی نیستی که (دشمنان ما را) علیه ما یاری کردند؟» گفتم: ای رسول خدا، من از تشنگی می‌سوزم، به خدا قسم من با آنها (یعنی امام حسین (علیه السلام) و یارانش) نجنگیدم (فقط در سپاه عمر سعد بودم)، حضرت پیامبر (علیه السلام) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «اسْقِهِ قَطْرَانًا» «به او قطران بنوشان»، علی (علیه السلام) هم به من جرعه‌ای قطران نوشاند، وقتی از خواب بیدار شدم تا سه روز قطران ادرار می‌کردم، و سپس ادرار قطع شد ولی بوی آن باقی مانده است. (1)

ص: 35

1- . مناقب آل ابی طالب ع، ج 4، ص: 59؛ مشابه این داستان، قصص فراوانی وجود دارد، به عنوان نمونه: «رَوَى ابْنُ رِيَّاحٍ قَالَ: رَأَيْتُ رَجُلًا مَكْفُوفًا قَدْ شَهِدَ قَتْلَ الْحُسَيْنِ ع، فَسَمِعَ بِلَ عَن ذَهَابِ بَصَرِهِ، فَقَالَ: كُنْتُ شَهِدْتُ قَتْلَهُ عَاشِرَ عَشْرِ غَيْرِ أَنِّي لَمْ أَصْرِبْ وَلَمْ أَرَم، فَلَمَّا قُتِلَ (علیه السلام) رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي وَصَلَّيْتُ الْعِشَاءَ الْأَخِيرَةَ وَنَمْتُ، فَأَتَانِي آتٍ فِي مَنْامِي فَقَالَ: أَحَبُّ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِنَّهُ يَدْعُوكَ، فَقُلْتُ: مَا لِي وَلَهُ! فَأَخَذَ بِتَلْبِيسِي وَجَرَّنِي إِلَيْهِ، فَإِذَا النَّبِيُّ ص جَالِسٌ فِي صَحْرَاءٍ، حَاسِرٌ عَنِ ذِرَاعَيْهِ، أَخَذَ بِحَرْبَةٍ، وَمَلَكٌ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَفِي يَدِهِ سَيْفٌ مِنْ نَارٍ، فَقَتَلَ أَصْحَابِي السَّعَةَ، فَكَلَّمَا صَرْبَ صَرْبَةً التَّهَبَتْ أَنْفُسُهُمْ نَارًا، فَدَنَوْتُ مِنْهُ وَجَثَوْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيَّ، وَكَثَّ طَوِيلًا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: يَا عَدُوَّ اللَّهِ ائْتَهَكَ حُرْمَتِي وَقَتَلْتَ عَثْرَتِي وَلَمْ تَرْعَ حَقِّي وَفَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا صَرَبْتُ بِسَيْفٍ وَلَا طَعَنْتُ بِرُمَحٍ وَلَا رَمَيْتُ بِسَهْمٍ، قَالَ: صَدَقْتَ وَلَكِنَّكَ كَثَّرْتَ السَّوَادَ اذْنُ مِنِّي، فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَإِذَا طَسَّتْ مَمْلُوءًا دَمًا، فَقَالَ لِي: هَذَا دَمٌ وَلَدَيَّ الْحُسَيْنِ ع، فَكَحَلَنِي مِنْ ذَلِكَ الدَّمِ فَانْتَبَهْتُ حَتَّى السَّاعَةِ لَا أَبْصِرُ شَيْئًا». (اللهوف على قتلى الطفوف، ص: 136 و 137)

شیطان با سپاهیان⁽¹⁾ در رؤیای مردم (مثل بیداری) اهداف متعدّد شومی را دنبال می‌کنند، که برخی از آنها عبارتند از: 1. توعید: دادن وعده پوچ، چنانچه قرآن می‌فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَ مَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»⁽²⁾ «شیطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوها می‌افکند، و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد».

2. تزیین: آراستن زشتی‌ها، قرآن می‌فرماید: «زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ»⁽³⁾ «شیطان اعمالشان را بر ایشان آراست و آنان را از راه (راست) بازداشت».

3. تبغیض: تولید دشمنی و بغض بین مومنان، قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ»⁽⁴⁾ «همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند».

4. تضلیل: گمراه کردن، قرآن می‌فرماید: «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»⁽⁵⁾ «شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد».

5. تحزین: اندوهگین کردن مومنان، چنانچه قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا

ص: 36

1- . از بین سپاهیان شیطان دو شیطان «هُزَع» و «رِهَاء» در بحث رؤیا نقش بیشتری دارند، چنانچه در روایات آمده است.

2- . النساء : 120

3- . النمل : 24؛ العنكبوت : 38

4- . المائدة : 91

5- . النساء : 60

النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا» (1) «نجوا فقط از شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند اندوهگین گرداند».

خواب‌های شیطانی باطل و دروغ بوده و هیچ تعبیری ندارند. مثلاً از خواب‌های شیطانی این است که وقتی انسان دوچرخه‌اش را دزد می‌برد، شیطان در خواب دوچرخه را در خانه یک دوست نشان می‌دهد تا دشمنی ایجاد کند.

در شأن نزول این آیه شریفه: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (2) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «سبب نزول این آیه این است که فاطمه (سلام الله علیها) در خواب دید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خواست با او و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) را از مدینه بیرون ببرد، پس از مدینه بیرون رفتند، تا از کنار دیوارهای شهر گذشتند، و دوراه در برابرشان بود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از راه سمت راست رفت، تا به جایی رسیدند که درخت خرما و آبی بود، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) يك گوسفندی که دو گوشش نقطه های سفید داشت خرید، و فرمود: سرش را بریدند و چون از آن گوسفند خوردند همگی همانجا مُردند. پس فاطمه (سلام الله علیها) گریان و هراسان بیدار شد ولی خوابش را برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگو نکرد، و چون صبح شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) الاغی آورد و فاطمه (سلام الله علیها) را بر آن سوار کرد و فرمود تا امیر المؤمنین و حسن و حسین (علیهم السلام) هم بیرون بیایند و از مدینه بیرون رفتند، چنانچه فاطمه (سلام الله علیها) در خواب دیده

ص: 37

1- . المجادلة : 10

2- . المجادلة : 10

بود، و بیرون دیوارهای مدینه به دوراهی رسیدند، و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سمت راست رفت تا آنجا که درخت خرما و آب بود، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گوسفندی که گوشش نقطه دار بود، خرید و فرمود تا سرش را بریدند و کبابش کردند، و چون خواستند بخورند فاطمه (سلام الله علیها) برخاست و به گوشه ای رفت و از ترس اینکه بمیرند می گریست، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دنبالش رفت تا پیش روی او ایستاد در حالی که فاطمه (سلام الله علیها) گریه می کرد، فرمود: «مَا شَأْنُكَ يَا بَنِيَّةُ؟» «دختر جانم تو را چه می شود؟» و فاطمه (سلام الله علیها) گفت: من دیشب چنین و چنان در خواب دیدم، و از شما کناره گرفتم تا مردن شما را نبینم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست و دو رکعت نماز خواند و با پروردگارش مناجات کرد و جبرئیل (علیه السلام) فروآمد و گفت: «يَا مُحَمَّدُ هَذَا شَيْطَانٌ يَقَالُ لَهُ الزُّهَى (الرُّهَى) وَ هُوَ الَّذِي أَرَى فَاطِمَةَ هَذِهِ الرُّؤْيَا، وَ يُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ فِي نَوْمِهِمْ مَا يَعْتَمُونَ بِهِ» «ای محمد! این شیطانی است که به آن "زها" ⁽¹⁾ و همو است که این خواب را به فاطمه (سلام الله علیها) نشان داده و مؤمنان را در خوابشان به گونه ای اذیت می کند که اندوهگین می شوند». جبرئیل (علیه السلام) دستور داد تا آن شیطان را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آورند، و آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: «أَنْتَ أَرَيْتَ فَاطِمَةَ هَذِهِ الرُّؤْيَا؟» «تو این خواب را به فاطمه (سلام الله علیها) نشان دادی؟» آن شیطان گفت: آری یا محمد، پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سه بار به او تف انداخت و سه جای سرش را شکاند، و آنگاه جبرئیل (علیه السلام) به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: ای محمد چون خواب بدی دیدی یا یکی از مؤمنان خواب بد دید، بگوید:

ص: 38

1- . در برخی منابع «رهاء» و در برخی دیگر «دها» آمده است.

«أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيََاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ» و سوره حمد و معوذتین (ناس و فلق) و قل هو الله أحد را بخواند و سه بار به سمت چپ تف بیندازد، چرا که (اگر چنین کند) آنچه در خواب دیده به او زیانی نرساند، و (این موقع) خدا به رسولش (صل الله علیه و آله و سلم) این آیه را فرو فرستاد: (إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ ...)» (1)

ص: 39

1- . تفسیر القمی، ج 2، ص: 355 و 356؛ در دلالت این حدیث برای من اشکالاتی چند پیش آمد؛ اولاً؛ چگونه شیطان در خواب صدیقه کبری (سلام الله علیها) تسلط دارد، در حالی که شیطان بر بندگان مخلص تسلطی ندارد، «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (النحل : 99)، البته ممکن است در پاسخ گفته شود، شیطان بر رفتار و شخص فاطمه (سلام الله علیها) تسلط ندارد، بلکه در خواب او تصرف کرده و این تسلط بر فاطمه زهراء (سلام الله علیها) محسوب نمی شود، و این مثل آن است که شخص شیطان صفتی در بیداری با تهمت زدن به حضرت علی (علیه السلام)، مبنی بر خواستگاری از دختر ابوجهل، دل صدیقه کبری را برنجاند چنانچه در (علل الشرائع، ج 1، ب 149، ص: 185 الی 189، ح 2) آمده است. و شیطان در خواب انبیاء و ائمه (علیهم السلام) حق تصرف ندارد چون فقط خواب آنها وحی است. ثانیاً؛ بر فرض صحت این خواب چرا حضرت زهراء (سلام الله علیها) خوابش را به پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) اعلام نکرده و پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) را از خوردن گوسفند نهی کرده است، و شاید گفته شود که فاطمه زهراء (سلام الله علیها) تصور کرده که اراده خدا و تقدیر الهی است و از باب تسلیم نسبت به اراده الهی چنین کرده است. ثالثاً؛ با توجه به شرایط اقتصادی عصر پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم)، آیا تفریحی به چنین شکل (خرید گوسفند و رفتن به باغ) در سیره پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) نقل شده است؟ و ممکن است گفته شود این سفر دستوری از ناحیه خدا بوده است. رابعاً؛ شیطان چگونه توانسته پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) را در خواب به صورت مُرده نشان دهد در حالی که شیاطین و اجنه قدرت تمثّل به شکل انبیاء و اوصیاء (علیهم السلام) را ندارند. شاید گفته شود که پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) بعد از غذا مقداری خوابیدند و شیطان (بدون تمثّل در شکل پیامبر ص) به دروغ به حضرت زهراء (سلام الله علیها) گفت که پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) مرده است. به هر حال صحت این حدیث برای بنده جای تأمل دارد. در نقل مشابهی آمده: عَنْ أَنَسٍ مَاءِ بِنْتِ عُمَيْسٍ، قَالَتْ: أَهْدَيْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنَاقُ مَشْوِيَةٍ فَبَعَثَ إِلَى فَاطِمَةَ، وَعَلِيٍّ، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَأَجْلَسَهُمْ مَعَهُ لِيَأْكُلُوا فَأَوَّلُ مَنْ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا الْحَسَنُ فَجَذَبَتْ فَاطِمَةُ يَدَهُ وَبَكَتْ، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صل الله علیه و آله و سلم): فِدَاكَ أَبُوكَ! مَا شَأْنُكَ لِمَ تَبْكِينَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْتُ فِي مَنَامِي الْبَارِحَةِ كَأَنَّهُ أَهْدَيْ إِلَيْكَ هَذِهِ الْعِنَاقُ وَكَأَنَّكَ جَمَعْتَنَا، فَأَوَّلُ مَنْ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا الْحَسَنُ فَأَكَلَ فَمَاتَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صل الله علیه و آله و سلم)، كُفُّوا، ثُمَّ قَالَ: يَا رُؤْيَا! فَأَجَابَهُ شَيْءٌ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: هَلْ أَرَيْتَ حَبِيبَتِي شَيْئاً؟ قَالَ: لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، فَقَالَ: يَا أَصْغَاثُ! قَالَ شَيْءٌ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: هَلْ أَرَيْتَ حَبِيبَتِي شَيْئاً؟ قَالَ: لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، قَالَ: يَا حَدِيثَ النَّفْسِ! فَأَجَابَهُ شَيْءٌ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: هَلْ أَرَيْتَ حَبِيبَتِي شَيْئاً؟ قَالَ: لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، قَالَ: يَا شَيْطَانَ الْأَحْلَامِ! أَجَابَهُ شَيْءٌ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: هَلْ أَرَيْتَ حَبِيبَتِي شَيْئاً؟ قَالَ: نَعَمْ، أَرَيْتُهَا كَذَا وَكَذَا، قَالَ: مَا حَمَلَكَ عَلَى ذَلِكَ؟ قَالَ: الْعَبَثُ، فَقَالَ: لَا تُعْذِرْ لَهَا، ثُمَّ تَقَلَّ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا، وَقَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، ثُمَّ قَالَ: كُلُّوا بِسْمِ اللَّهِ. (الجلس الصالح الكافي، ص: 292)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: «رَأَتْ فَاطِمَةُ فِي النَّوْمِ كَأَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ذُبَحَا أَوْ قَتِلَا، فَأَحْزَنَهَا ذَلِكَ، قَالَ فَأَخْبَرْتُ بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ: يَا رُؤْيَا فَمَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ، قَالَ: أَرَأَيْتَ فَاطِمَةَ هَذَا الْبَلَاءُ؟ قَالَتْ: لَا، فَقَالَ: يَا أَصْغَاثُ أَنْتِ أَرَأَيْتَ فَاطِمَةَ هَذَا الْبَلَاءُ؟ قَالَتْ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَمَا أَرَدْتَ بِذَلِكَ قَالَتْ: أَرَدْتُ أَنْ أَحْزِنَهَا، فَقَالَ لِفَاطِمَةَ: اسْمَعِي لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ» (تفسير العياشي، ج 2، ص: 178 و 179، ح 31)

خواب‌هایی هستند که برگرفته از روح و روان و افکار و جسم و رفتارهای انسان هستند، چنین خواب‌هایی گرچه تعبیر ندارند ولی دارای «تحلیل روانشناسی و روانکاوانه» بوده و حقایق متعددی از ویژگی‌های شخص و علائق و ترس‌ها و آرزوها و فشارهای روانی و بیماری‌ها و ... ارائه داده و با کشف این حقایق می‌توان به خود خواب بیننده کمک کرد، و

ص: 40

1- . در (الألفیه الوردیه، ص 38) درباره این قسم رؤیا چنین سروده شده است: «و عاشق رأى الحبيب سلما * أو معرضا عنه و لم يكلمها *
و خائف رأى العدو قد نزل * و جائع نام و فى النوم أكل * و مكث الأكل رأى القىء و من * نام ببرد فمن الماء افتتن * و نائم بالشمس بالجمر
رمى * و من يحس يقظة بالألم * من بعد يضرب فى نومته * فلا تؤول فهو من همته».

1. تفکر روزانه

کسی که مدام به چیزی فکر می‌کند بعید نیست که آن چیز را در خواب ببیند. چنانچه نقل شده است: شخصی نزد حکیمی آمد و از او پرسید چه کند که در عالم رؤیا موفق به زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گردد؟ حکیم گفت: آب نخور. این مرد از خوردن آب خودداری کرد، اما ذهنش همواره به مسأله آب و رفع منع از آشامیدن آن مشغول بود و هر گاه به خواب می‌رفت دریاهای بی‌کران از آب می‌دید و می‌دید که در آب زلالی غوطه‌ور است، به کسی آب می‌دهد یا از دست کسی آب می‌نوشد. دوباره به حکیم مراجعه کرد و اظهار نمود که او به جای خواب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آب را در خواب می‌بیند، حکیم که صحنه آموزش را با زمینه سازی از پیش آراسته بود گفت: خواب دیدن پیامبر همانند آب خوردن آسان است، مشروط بر اینکه به همان میزان ذهن خود را به آن مشغول سازی. (1)

چنانچه «پیت» 13 ساله در خواب می‌بیند که: با دوستانش مشغول بازی فوتبال روی چمن است، توپ از روی پرچین به آن طرف افتاد و «پیت» برای آوردن توپ می‌رود، ناگهان می‌بیند که معلمشان آقای «بوک» از خانه‌اش در آن طرف پرچین بیرون آمد، جلوی او سه مرد با شال‌های بلند سیاه ایستاده بودند، «بوک» با آنها صحبتی می‌کرد که «پیت» متوجه

ص: 41

صحبتشان نشد، اما ناگهان آن سه نفر به آقای «بوک» شکلیک کردند و او را کشتند. قبل از رؤیای «پیترا»، آقای «بوک» به اولیاء او اخطار داده بود که اگر بیشتر تلاش نکند ممکن است مردود شود، و پدر و مادر «پیترا» با او صحبت کرده و برای مدتی به او اجازه بازی مورد علاقه‌اش یعنی فوتبال را ندادند و «پیترا» تا مدتی مجبور به در خانه ماندن و نوشتن تکالیف بود. (1)

2. هیجان قوی

هرگاه فشار روانی و هیجان (منفی یا مثبت) به انسان وارد شود، تا مدت‌ها ممکن است آن صحنه در خواب انسان تجلی پیدا کند، به عنوان مثال کسی که در به صورت فجیعی تصادف کرده (و لو اینکه به آن فکر نکند) احتمال دارد تا مدت‌ها آن صحنه یا مشابه آن را ببیند. مثلاً کودکان به خاطر عدم استقلال و عدم توانی در محافظت از خود معمولاً خواب تنهایی و تهاجم حیوانات و موجودات وحشتناک می‌بینند و همچنین در هر سنی با توجه به هیجانات متناسب آن سن، خواب‌های مرتبطی دیده می‌شود. باید دقت کنیم که فشارهای روانی تخلیه شود، چرا که اگر فشار روانی وارد شده تخلیه نشود و «واپس زنی» شود ممکن است به کابوسی همیشگی تبدیل شود.

چنانچه دختری 22 ساله به نام «آنه‌اس» چندین بار این کابوس را می‌دیده که: چیزی دایره‌وار در اطراف صورتش حرکت کرده، و سپس دایره‌ها کوچک‌تر و ترسناک‌تر شده و با سرعت به طرف او نزدیک

ص: 42

می‌شوند، و ناگهان چیزی زوزه کنان بر روی او سقوط می‌کند، در این لحظه «آنه» با فریاد از خواب بیدار می‌شود. و وقتی «آنه» رؤیایش را برای مادرش تعریف می‌کند، مادرش می‌گوید: من همیشه به پدرت می‌گفتم که نباید این کار را انجام دهد. چرا که هنگامی که «آنه» نوزادی چند روزه بوده، پدرش جهت بازی دادن نوزادش و ایجاد عکس العمل در او، کنار تخت «آنه» قرار می‌گرفته و با دست خود، حرکاتی دایره‌وار - که مرتباً از شعاع آن کاسته می‌شده - جلوی صورت نوزاد انجام می‌داده و سپس با صدایی زوزه مانند، ناحیه زیر چانه «آنه» را قلقلک می‌داده، ولی نوزاد هر بار هنگام تکرار این عمل وحشت می‌کرده است. (1)

3. تکرار روزانه

کسی که مدام کاری را تکرار می‌کند یا شغلش چیز خاصی است، بعید نیست که خودش را مشغول آن کار ببیند، حتی ممکن است کارهایی که کمتر تکرار می‌شوند هم توسط شخص در خواب دیده شوند. مثلاً: شخصی در خواب دید یک فرد آکادمیسین (عضو فرهنگستان) وسط چهار راه ایستاده و با یک سوسیس‌بزرگ، اتومبیل‌ها را راهنمایی می‌کند، هر چه قدر فکر کرد معنی این رؤیا چیست؟ حقیقت برایش روشن نشد، برای تحلیل رؤیا پیش «پاولف» رفت، «پاولف» از او خواست تا تمام صحنه‌های که روز قبل دیده و محیط... هایی که از آن عبور کرده دقیقاً برای او توضیح دهد.

«پاولف» دید این خواب تلخیص و ادغامی از رویدادهای روز قبل است، چرا

ص: 43

که شخص دیروز تابلوی پزشکی دیده که به صورت آکادمیسین ظاهر شده و پلیس راهنمایی که وسط خیابان اتومبیل‌ها را راهنمایی می‌... کرد و خوار و بار فروشی که سوسیس‌ها را به داخل مغازه می‌برد. (1)

شخصی در خواب می‌بیند که «دعوت‌نامه‌ای» از کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات به عنوان یک فرد حزبی به او رسیده، چرا که روز قبلش «دعوت‌نامه‌ای» از طرف کمیته انتخاباتی لیبرال و دفتر انجمن خیریه به او رسیده بود که در آن عضو بوده است. همچنین خانمی جامدانی را می‌بیند که از کتاب انباشه شده و به زحمت بسته می‌شود، درست به همان ترتیب که روز قبل در عالم بیداری رخ داده بود. (2)

4. اتفاقات پیرامون

هر اتفاقی که در پیرامون ما موقع خواب برای ما رخ می‌دهد، و هر نوع تحریکات بیرونی، ممکن است در خواب ما انعکاس داده شود، بعید نیست خوابیده‌ای که پتو از روی او کنار رفته و سردش است خود را داخل برف و سرما ببیند، یا خوابیده‌ای که بدنش به بخاری برخورد کرده خود را در آتش ببیند، و یا وقتی که در اتاق شخص خوابیده دود بیاید خوابیده خود را در حال خفگی ببیند، و یا وقتی بوی غلیظی در اتاق بیاید این بو به خواب منتقل شود، و یا صدای در زدن به شکل انفجار در خواب انعکاس یابد، و یا خوابیده‌ای که از هم اتفاقی خود لگد می‌... خورد در خواب ببیند که کسی او را

ص: 44

1- . رؤیا از نظر دین و روانشناسی، ص 151 و 152

2- . تعبیر خواب (فروید)، ص 128 و 143

می‌زند. چنانچه مرحوم شوشتری نقل می‌فرماید: شخصی در خواب دید که یکی از ظالمان شهر (که آنها به نام «خواتین» موسوم بودند) او را با چوب خیزران زد، شخص پرسید: گناهم چیست؟ (و چرا می‌زنی؟) آن ظالم بار دیگر زد، باز پرسید: گناهم چیست؟ باز ظالم (برای بار سوم) او را زد، از خواب بیدار شد دید در لباسش عقربی است که سه بار او را نیش زده است. (1)

«مایر» روزی در خواب دید که عده‌ای به او حمله کرده و او را روی خاک دراز کردند و میخی از چوب میان شست و انگشت وسطی پایش فرو بردند، فوراً از خواب بیدار شد و در محل میخ چوبی، پر کاهی به چشمش خورد. همچنین «هوفرتر» در خواب دید که از فراز دیوار مرتفعی افتاد، به محض بیدار شدن مشاهده کرد که چوب تخت خوابش از جا در رفته و واقعاً بر زمین افتاده است. همچنین «گرگوری» حکایت می‌کند که روزی که یک ظرف آب گرم در تخت خوابش گذاشته بود، در خواب می‌بیند که بر قله آتشفشانی مسافرت می‌کند و حرارت زمین برایش غیر قابل تحمل است. وقتی با پر لب‌ها و بینی انسان خوابیده‌ای را قلقلک دادند شخص خوابیده در رؤیا دید که او را به شکل ترسناکی شکنجه می‌دهند، و قطره آبی روی پیشانیش ریختند او در خواب دید که به شدت عرق می‌کند. «ناپلئون» در کالسکه خود خوابیده بود و خواب دید که نیروی توپخانه اتریشی‌ها مشغول شکلیک است، در همین اثناء با شنیدن صدای «به دادمان برسید، از بین رفتیم» بیدار شد و دید یکی از ماشین‌های حاوی باروت منفجر شده است. همچنین «موری» در حالی که حالش خوب نبود در رؤیا می‌بیند که او را به دادگاه برده و محکوم به اعدام می‌شود و جلاد او

ص: 45

را به تخته اعدام بست و ساطور افتاد و سرش از تنش جدا شد، هراسان از خواب بیدار شد دید که آسمانه تخت خوابش افتاده و چیزی شبیه ساطور روی گردنش فرود آمده است. (1)

از همین باب است خوابی انسانی که عمل زفاف را ببیند و بعد از بیدار شدن ببیند محتلم شده است. و محلق به همین قسم است رؤیای کسی که موقع نماز صبح در خواب ببیند که مشغول نماز است، یا قرار بوده در سر کلاسی حاضر شود و ساعت کلاس خواب مانده و در خواب خود را در کلاس ببیند.

5. حالت جسم

بالا و پایین بودن سر، بیماری، پرخوری، مزاج، و هر نوع تحریکات داخل بدن می تواند در خواب انسان اثر بگذارد. مثلاً افرادی که غلبه گرما دارند، آفتاب و آتش می بینند، اما افرادی که غلبه سردی دارند برف و آب سرد می بینند. همچنین افرادی که «غلبه دم» دارند، خواب... هایی با رنگ سرخ می بینند، همچنین خون و فصد و حجامت و خون دماغ و آواز می بینند، و افرادی که «غلبه صفراء» دارند، آتش و آفتاب سوزان و شمع و چراغ و حمام داغ و نوارهای زرد و جنگ و ستیز و صاعقه و چیزهای زرد در خواب می بینند، و افرادی که «غلبه سوداء» دارند، خواب های تاریکی و ترسناک و سیاه و آشفته و قبر و مردگان می بینند، و افرادی که «غلبه بلغم» دارند، خواب های آب و رود و برف و باران و موج و سرمای لرزه آور و

ص: 46

سفیدی می بینند. (1) و افرادی که سحر شده اند خواب های قفل و اسارت و ناتوانی و گرفتاری می بینند.

محمد باقر مجلسی معروف به علامه مجلسی (صاحب بحار الأنوار) می فرماید: شخصی پیش پدرم (یعنی محمد تقی مجلسی) آمد و گفت: شیر سفیدی که ماری سیاه در گردنش بود را در خواب دیدم که به من حمله می کردند و می خواستند مرا بکشند. محمد تقی مجلسی فرمودند: شاید دیشب کشک با ربّ انار خوردی؟ شخص گفت: آری، محمد تقی فرمود: هیچ مشکلی نیست (و تعبیری ندارد) دو غذای اذیت کننده به شکل (و رنگ خود) در خواب برای تو مجسم شده اند. (2)

چنانچه خانم «تراوته» 38 ساله به علت بیماری دستگاه تنفسی خواب هایی می بیند که معنای واحدی دارند، مثلاً در خواب از کوچه های تنگ عبور می کند یا خانه های اطراف خیابان، آهسته آهسته به هم نزدیک می شوند تا وی را له کنند یا کوه ها به هم نزدیک می شوند. (3)

ص: 47

1- . القانون في الطب، ج 1، ص: 156 الی 162؛ بحار الأنوار، ج 58، ص: 213 و 214؛ تفسیر الأحلام، ص 10

2- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 233

3- . فرهنگ جامع تعبیر خواب، ص 69 و 70؛ از این رو هر نوع خواب پرتکرار را هشدار برای نوع خاصی از بیماری شمرده اند، به عنوان نمونه: خواب تیغ ماهی علامت مشکل مری، ورم روی صورت نشانه سینوزیت، تاب خوردن نشانه تنفس نامنظم یا مشکل گوش میانی، سفر دریایی یا فراگرفته شدن توسط آب نشانه عفونت مثانه، راه پیچ و خم دار نشانه ناراحتی احشاء، غارهای تاریک نشانه دندان های خراب، حمله مورچه ها نشانه خواب رفتن دست یا پا، پایی از سنگ نشانه اختلال در راه رفتن، گاز یک حیوان نشانه تولید دمل در آن قسمت، صدای تیک تیک ساعت مرتبط با قلب، فرو ریختن سقف نشانه التهاب مغزی، خون نشانه فشار یا مشکل خونی، دخل تونل نشانه ناراحتی معده است. رجوع: فرهنگ جامع تعبیر خواب، ص 70 تا 72

و چنانچه زن 43 ساله‌ای بود که ظاهراً سالم بود، اما از سال‌ها پیش دچار کابوس‌های مختلف می‌شد، تا اینکه با یک آزمایش پزشکی کشف شد که وی مبتلا به ناراحتی قلبی است و کمی بعد هم با همان بیماری از دنیا رفت. (1)

و چنانچه شخصی گوید: رؤیایی دیدم که نصف درست و نصفش باطل بود، در خواب دیدم که به من کیسه بزرگی به من داده شد که از سنگینی آن در شلوارم دستشویی کردم، بیدار شدم دیدم دستشویی کرده‌ام ولی کیسه نبود. (2)

«هنینگ» حکایت می‌کند روزی که پیراهنش را بیش از اندازه دور گردنش فشرده بود، خواب دید که به دارش می‌آویزند. شخصی در که موقع خوابیدن داروی سوزاننده‌ای روی سرش گذاشته بود خواب دید که هندی‌ها پوست سرش را کنده‌اند. (3) همچنین یکی از دوستان ما، چند روز به خاطر استفاده از متکای جدید و بلند، خواب آشفته‌ای می‌دید، اما وقتی متکایش جدیدش را کنار گذاشت و از متکای قبلی استفاده کرد، کابوسش رفع شد. چنانچه فردی که مریض بوده یا تب دارد خواب‌های آشفته می‌بیند.

ص: 48

1- . تعبیر خواب (فروید)، ص 40 و 41

2- . اللطائف و الظرائف، ص: 242

3- . تعبیر خواب (فروید)، ص 32 و 33

قاعده پنجم: اقسام رؤیای صادق

رؤیا یا کاذبه است و تعبیر ندارد، و یا صادق است، و رؤیای صادق هم یا روشن و محکم است و بدون نیازمند تعبیر و یا مبهم است و رمزی که در این صورت نیازمند تعبیر است. یعنی رؤیاهای پنج‌گانه شیطان‌کاذبه بوده و رؤیاهای پنج‌گانه نفسانی نیازمند تحلیل هستند نه تعبیر، و از بین رؤیاهای پنج‌گانه الهی فقط «رؤیای مثالی» نیازمند تعبیر است.

بنابراین معبر نباید هر خوابی را تعبیر کند، بلکه فقط باید رؤیای صادق مبهمه را تعبیر کند، و اگر در صدق و کذب رؤیا شک کرد، بگوید: اگر رؤیایت صادق باشد تعبیرش چنین است. از این رو شخصی گوید: من پیش ابن سیرین حاضر بودم و می‌دیدم از هر چهل خواب یکی را تعبیر می‌کرد. (1)

قاعده ششم: علائم انواع رؤیاها

اولین قدم در تعبیر رؤیا شناخت نوع رؤیا است که آیا نفسانی است یا شیطانی یا الهی، از این رو شناخت نوع رؤیا برای معبر ضروری است. برای تشخیص نوع خواب علائمی وجود دارد:

1. تفاوت در منشأ خواب

رؤیاهای صادق از طرف خدا بوده و به وسیله فرشتگان رخ می‌دهد، اما رؤیاهای کاذبه ریشه‌ای جز شیاطین و اجنه کافر ندارد. چنانچه از

ص: 49

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ وَالْحُلُمُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (1) «رؤیای شایسته (و صادق) از طرف خدا است، و خواب‌های آشفته از شیطان است».

وقتی دو نصرانی از حضرت علی (علیه السلام) پرسیدند: فرق رؤیای صادق و کاذب چیست، با اینکه معدن آنها یکی است، حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الرُّوحَ وَ جَعَلَ لَهَا سُلْطَانًا فَسُلْطَانُهَا النَّفْسُ فَإِذَا نَامَ الْعَبْدُ خَرَجَ الرُّوحُ وَ بَقِيَ سُلْطَانُهُ فَيَمُرُّ بِهِ جِيلٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ جِيلٌ مِنَ الْجِنِّ، فَمَهْمَا كَانَ مِنَ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةِ فَمِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَهْمَا كَانَ مِنَ الرُّؤْيَا الْكَاذِبَةِ فَمِنَ الْجِنِّ» (2) «همانا خدا روح را آفرید و سلطانی بر او گماشت که نفس است و وقتی بنده ای می خوابد روحش (از بدنش) بیرون می رود و سلطانش (در بدن) می ماند، و گروهی فرشته و گروهی اجنه به او می گذرند، و هر آنچه خواب راست است از فرشته ها است و هر خواب دروغ از اجنه (کافر) است».

چنانچه از امام باقر (علیه السلام) روایت شده: «إِنَّ لِابْلِيسَ شَيْطَانًا يَقَالُ لَهُ هُزَعٌ، يَمْلَأُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ يَأْتِي النَّاسَ فِي الْمَنَامِ وَ لِهَذَا يُرَى الْأَضْعَاثُ» (3) «برای ابلیس شیطانی است که به آن هُزَع گفته می شود، هر شب بین مشرق و مغرب را (با سپاهیان) پُر می کند، و در خواب مردم می آید و از این رو خواب‌های آشفته دیده می شود».

ص: 50

1- . عدة الداعي، ص: 278

2- . مناقب آل أبي طالب ع، ج 2، ص: 357

3- . الأُمالي للصدوق، ص: 146، مجلس 29، ح 17

راوی از امام صادق (علیه السلام) درباره رؤیای صادقه و کاذبه می‌پرسد، و اینکه با وجود اینکه مخرج آنها یکی است، چرا برخی صادقه و برخی کاذبه هستند، حضرت (علیه السلام) فرمودند: «صَدَقَتْ، أَمَّا الْكَاذِبَةُ الْمُخْتَلِفَةُ فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرَاهَا فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ فِي سُلْطَانِ الْمَرَدَةِ الْفَسَقَةِ وَإِنَّمَا هِيَ شَيْءٌ يُحَيَّلُ إِلَى الرَّجُلِ وَهِيَ كَاذِبَةٌ مُخَالِفَةٌ لَا خَيْرَ فِيهَا، وَأَمَّا الصَّادِقَةُ إِذَا رَأَاهَا بَعْدَ الثُّلُثِينَ مِنَ اللَّيْلِ مَعَ حُلُولِ الْمَلَائِكَةِ وَذَلِكَ قَبْلَ السَّحَرِ فَهِيَ صَادِقَةٌ لَا تَخْلَفُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ جُنُبًا أَوْ يَنَامَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ وَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَقِيقَةَ ذِكْرِهِ فَإِنَّهَا تَخْتَلِفُ وَتُبْطِئُ عَلَى صَاحِبِهَا»⁽¹⁾ «راست گفתי (که مخرج آنها یکی است)، اما خواب‌های دروغ و پریشان آن است که مرد در آغاز شب می‌بیند، در آن وقت که تحت تسلط سرکشان بدکار (از شیاطین و غلبه مزاج‌ها و خستگی) است، و آن خواب‌ها چیزی نیستند جز آنچه در خیال انسان مجسم می‌شود، و آنها دروغ و بر خلاف واقع بوده و خیری در آنها نیست، و اما خواب راست آن است که انسان پس از گذشتن دو سوم از شب هنگام آمدن فرشته‌ها ببیند و آن پیش از سحر است و این رؤیای صادقه است که ان شاء الله تَخْلَفُ (و دروغ) ندارد، مگر آنکه شخص جُنُب باشد یا بدون طهارت (وضوء یا تیمم) خوابیده باشد و خدا را آن طور که باید یاد نکرده باشد که آن خواب تَخْلَفُ دارد و دیر تعبیر شود».

ص: 51

در بین ساعات شب راست‌ترین رؤیا مربوط به سحرگاه است، چنانچه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «أَصْدَقُ الرُّؤْيَا بِالْأَسْحَارِ» (1) «راست‌ترین رؤیا در سحرگاهان است» و در روز راست‌ترین رؤیا مربوط به خواب قیلولة است، چنانچه از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: «أَصْدَقُ الرُّؤْيَا الْقِيلُولَةُ» (2) «راست‌ترین رؤیا، خواب قیلولة (3) است».

امام حسین (علیه السلام) در سفرشان به کربلاء وقتی به «عُذَيْب» رسیدند، خواب قیلولة کرده و وقتی از خواب بیدار شدند، گریه کردند، فرزندشان گفت: چرا گریه می‌کنید؟ امام حسین (علیه السلام) به فرزندشان فرمود: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا سَاعَةٌ لَا تَكْذِبُ الرُّؤْيَا فِيهَا، وَإِنَّهُ عَرَضٌ لِي فِي مَنَامِي عَارِضٌ، فَقَالَ: تُسَدُّ رِعُونَ السَّيْرِ وَالْمَنَآيَا تَسِيرُ بِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ» (4) «ای پسر، این زمانی است که خواب در آن دروغ نمی‌شود، در خواب کسی به من برخورد و گفت: شما در رفتن شتاب می‌کنید و مرگ شما را به بهشت سیر می‌دهد».

ص: 52

1- سنن الترمذی، کتاب الرؤیا، ب3، ح2274

2- دار السلام للنوری، ج: 3، ص: 66

3- از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «ان النوم في النهار على خمسة أقسام؛ نوم العيلولة (بالعين المهملة و هو بين الطلوعين) و نوم الفيلولة (بالفاء المعجمة اي الفتور و الضعف، و هو نور بعد طلوع الشمس في صدر النهار) و نوم القيلولة (و هو نوم قبل الزوال) و نوم الحيلولة (و هو نوم بعد الزوال او حينه) و نوم الغيلولة (بالغين المعجمة بمعنى الهلاك، و هو النوم في آخر النهار)» (دار السلام للنوری، ج: 3، ص: 55) «خواب در روز بر پنج قسم است؛ 1. عیلولة (خواب بین الطلوعین)، 2. 2. فیلوله (خواب بعد از طلوع آفتاب تا اول وسط)، 3. قیلولة (خواب قبل از ظهر)، 4. حیلولة (خواب بعد از ظهر یا موقع ظهر)، 5. غیلولة (خواب آخر روز)». به جز خواب قیلولة بقیه خواب‌های روزانه مذموم هستند.

4- الأُمالي للصدوق، ص: 153، مجلس 30، ح1

شاید بتوان گفت که از بین رؤیای سحر و قیلوله رؤیای قیلوله صادق تر است، چنانچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «اصدق الرؤیا ما کان بالنهار»⁽¹⁾ «راست ترین رؤیاها رؤیایی است که در روز دیده شود».

3. تفاوت در محل دیدن رؤیا

وقتی انسان می خوابد و روحش از بدن خارج می شود، مهم است که روح به چه عالمی برود و در کدام عالم سیر کند، اگر روح انسان در زمین سیر کند، چون شیاطین و اجنه در زمین سیر دارند پس ممکن است انسان را دچار رؤیای کاذبه کرده و چیزی به انسان نشان دهند که دروغ است، اما اگر روح انسان به آسمان ها سیر کند، چون اجنه و شیاطین اجازه نفوذ در آسمان ندارند، پس آنچه می بیند، از طرف فرشتگان و به دستور الهی بوده و یقیناً رؤیای صادقه است، چنانچه وقتی حضرت علی (علیه السلام) درباره حق بودن برخی خواب ها و باطل بودن برخی دیگر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سوال کردند، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «يَا عَلِيُّ مَا مِنْ عَبْدٍ يَنَامُ إِلَّا عُرِجَ بِرُوحِهِ إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَمَا رَأَى عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَهُوَ حَقٌّ، ثُمَّ إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ بِرَدِّ رُوحِهِ إِلَى جَسَدِهِ فَصَارَتِ الرُّوحُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَمَا رَأَتْهُ فَهُوَ أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ»⁽²⁾ «ای علی هیچ بنده ای نمی خوابد مگر اینکه روحش به سوی پروردگار برده می شود، هر چه را نزد پروردگار بیند حق است، و چون خدای عزیز جبار دستور دهد که روح به

ص: 53

1- . دار السلام للنوری، ج: 3، ص: 66

2- . الأُمالي للصدوق، ص: 146، مجلس 29، ح 17

بدن برگردد، روح در میان آسمان و زمین سیر می‌کند و آنچه را در راه (یعنی بین آسمان و زمین) ببیند خواب آشفته است».

چنانچه راوی از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد: چرا برخی از خواب همانگونه که دیدیم اتفاق می‌افتند ولی برخی خواب هیچ چیزی نبوده (و دروغ هستند)؟ امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَامَ خَرَجَتْ مِنْ رُوحِهِ حَرَكَةٌ مَمْدُودَةٌ صَاعِدَةً إِلَى السَّمَاءِ، فَكُلَّمَا رَأَتْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ فِي مَوْضِعِ التَّكْدِيرِ وَالتَّيْدِيرِ فَهُوَ الْحَقُّ، وَكُلَّمَا رَأَتْ فِي الْأَرْضِ فَهُوَ أَصَدُّ عَاثُ أَحْلَامٍ» (1) «چون مؤمن بخوابد از روحش حرکتی پیوسته‌ها آسمان خارج می‌شود، و هر چیزی را که روح مؤمن در آسمان در محل تقدیر و تدبیر است ببیند حق است، و هر چه را در زمین ببیند خواب‌های آشفته است» (2).

امام باقر (علیه السلام) هم فرمودند: «إِنَّ الْعِبَادَ إِذَا نَامُوا خَرَجَتْ أَرْوَاحُهُمْ إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا رَأَتْ الرُّوحُ فِي السَّمَاءِ فَهُوَ الْحَقُّ، وَمَا رَأَتْ فِي الْهَوَاءِ فَهُوَ الْأَضْغَاثُ» (3) «همانا بندگان وقتی می‌خوابند روحانشان به طرف آسمان می‌رود، پس آنچه روح در آسمان ببیند حق است، و آنچه در هوا ببیند خواب‌های آشفته است».

ص: 54

1- . الأُمالي للصدوق، ص: 145، مجلس 29، ح 15

2- . نکته دقیقی که طرح آن لازم است این است که اگر در خواب دیدید در خانه و شهر و محل زندگی خودتان هستید، به این معنی نخواهد بود که رؤیای کاذبه است، چون زمین را دیده‌اید، چرا که گاه چهره زمین را در آسمان نشان می‌دهند، به عبارت دیگر تمثیلی از کل زمین در آسمان وجود دارد، بنابراین اینکه روح شخص خواب بیننده در زمین بوده و خانه خود را دیده یا در آسمان مثال خانه خود را دیده دو چیز کاملاً متفاوت هستند.

3- . الأُمالي للصدوق، ص: 145، مجلس 29، ح 16

وقتی عمر بن خطاب از عَلت صادق و کاذبه بودن رؤیایها از حضرت علی (علیه السلام) پرسیدند، حضرت علی فرمودند: «... فليس عبد يرقد إلا وفيه شبه من الميت، فما رآه في مرقدته في تحليل روحه من بدنه فهو حقّ و هو من الملكوت، و ما رآه في رجوع روحه فهو باطل و تهاويل الشيطان».(1)

«هیچ بنده‌ای نمی‌خوابد مگر اینکه در او شباهتی به مُرده است، پس آنچه را که انسان به هنگام جدا شدن روح از بدن ببیند راست و از ملکوت است. و آنچه را که در موقع بازگشت روح ببیند باطل و از رنگ‌های شیطان است».

4. تفاوت در اوصاف اخلاقی و جسمانی شخص خواب‌بیننده

فردی که پر خواب است، در واقع در پر خوابی خود دستور شیطان را اطاعت کرده است، و طبیعی است که خواب‌هایش عمدتاً آشفته و دروغ

ص: 55

1- . قضاء علي بن أبي طالب (عليه السلام)، ص: 98؛ اما در (الرؤى والأحلام، ص 9) آمده که حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ عمر فرمودند: «فتلك الأرواح تغرق في نومها، فإن وصلت العرش قبل أن يستيقظ صدقت الرؤيا، وإن استيقظ قبل العرش كذبت الرؤيا» و در نقل دیگر آمده: «إذا اجتالها الشياطين قبل أن تصل إلى العرش كذبت الرؤيا، وإن وصلت العرش قبل أن تجتالها الشياطين صدقت الرؤيا». و در (الرؤى والأحلام في ضوء الكتاب والسنة، ص 10) جواب حضرت علی (علیه السلام) چنین آمده: «ما من عبد ولا أمة ينام فيمتملىء نوماً إلا تخرج روحه إلى العرش، فالذى لا يستيقظ دون العرش فتلك الرؤيا التي تصدق، و الذى يستيقظ دون العرش فتلك الرؤيا التي تكذب». و در (بحار الأنوار، ج 58، ص: 193) جواب حضرت (علیه السلام) چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى) فَاللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ كُلَّهَا فَمَا رَأَتْ وَهِيَ عِنْدَهُ فِي السَّمَاءِ فَهِيَ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةُ وَ مَا رَأَتْ إِذَا أُرْسِلَتْ إِلَىٰ أَجْسَادِهِمَا تَلَقَّتْهَا الشَّيَاطِينُ فِي الْهَوَاءِ فَكَذَبَتْهَا وَ أَخْبَرَتْهَا بِالْبَاطِلِ فَكُذِّبَتْ».

باشد، امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ أَكْثَرَ الْمَنَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ» (1) «کسی که زیاد بخوابد خواب‌های شیطانی زیاد می‌بیند». از این رو فردی که زیاد رؤیا می‌بیند خواب‌های آشفته‌اش بیشتر از فردی است که گاه به گاه خواب می‌بیند.

همچنین انسانی که پرخوری کرده طبیعتاً پرخوری و هجوم غذا و لزوم دفع آن در خواب‌هایش انعکاس یافته و رؤیاهایش در بسیاری از موارد کاذبه و تباه خواهند بود، چنانچه از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده: «إِيَّاكَ وَ الْبُطْنَةَ فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ أَسْمَاءُهَا وَ فَسَدَتْ أَحْلَامُهَا» (2) «از پرخوری پرهیز که کسی که پیوسته پرخوری کند، بیماری‌هایش زیاد و خواب‌هایش تباه می‌شود». همچنین از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده: «الْمُسْتَقِيلُ النَّائِمُ تُكْذِّبُهُ أَحْلَامُهُ» (3) «خوابیده سنگین شده (از پرخوری) خواب‌هایش دروغ می‌گویند».

همچنین کسی که شخصیتی دروغگو یا فاسق دارد، شخصیتش در خواب‌هایش اثر دارد، چنانچه به امام علی (علیه السلام) منسوب است: «لا- يكاد يصح رؤيا الكذاب لأنه يخبر في اليقظة بما لم يكن فأحر به أن يرى في المنام ما لا يكون». (4) «خواب انسان دروغگو نزدیک نیست که راست باشد، چرا که او در بیداری به چیزی خبر می‌دهد که وجود ندارد، پس

ص: 56

-
- 1- . الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، ص: 46، ح 13
 - 2- . عيون الحكم و المواعظ، ص: 96، ح 2212
 - 3- . تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص: 360، ح 8171
 - 4- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج 20، ص: 345، ح 962

شایسته است در خواب هم چیزی را ببیند که وجود نخواهد داشت».(1)

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكْذُرُ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَكْذِيبُ، وَ أَصْدَقُهُمْ رُؤْيَا أَصْدَقُهُمْ حَدِيثًا».(2) «وقتی زمان نزدیک شود، خواب مومن دروغ نباشد، راستگوترین مومنان صادق‌ترین آنها از لحاظ خواب دیدن هستند». از این رو افراد اندیشمند، خواب‌های صادقه‌ای دارند، چنانچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «خَيَاظُكُمْ أَوْلُو النَّهْيِ» «بهترین شما صاحبان خرد هستند»، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سوال شد: صاحبان خرد چه کسانی هستند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جواب فرمودند: «أَوْلُو النَّهْيِ أَوْلُو الْأَحْلَامِ الصَّادِقَةِ»(3) «صاحبان خرد صاحبان رؤیاهای صادقه هستند».

و در روایت از ائمه معصومین (علیهم السلام) آمده است که: «أَنَّ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِينَ صَحِيحَةٌ، لِأَنَّ نَفْسَهُ طَيِّبَةٌ وَ يَقِينَةٌ صَحِيحٌ، وَ يَخْرُجُ رُوحُهُ فَيَتَلَقَّى مَعَ الْمَلَائِكَةِ فَهِيَ وَحْيٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ»(4) «رؤیای مومنان درست است، چرا که مومن روحش پاکیزه بوده و یقینش درست است، و روحش از بدن جدا شده و با فرشتگان دیدار می‌کند، پس خوابش وحیی از طرف خدای عزیز جبرانگر است».

از این رو است که گفته شده: رؤیای دانشمندان صحیح‌تر است از

ص: 57

1- . البته رؤیای انسان کذاب (بسیار دروغ‌گو) هم گاهی صادق خواهد بود، از باب: الكذب قد يصدق.

2- . الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص: 386، مجلس 13، ح 94

3- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 190، ح 57

4- . جامع الأخبار، ص: 172

رؤیای نادانان، رؤیای پیرها راست‌تر است از رؤیای جوانان، رؤیای اغنیاء معتدل در خوراک صحیح‌تر است از رؤیای فقرائی که گرفتار غم و اندوه دنیا هستند، رؤیای مسلمان صحیح‌تر است از رؤیای کافر، رؤیای انسان صالح صحیح‌تر است از رؤیای انسان فاسق، رؤیای پادشاهان صحیح‌تر است از رؤیای غیر ایشان، رؤیای مردان صحیح‌تر است از رؤیای زنان، اما درباره رؤیای کودکان نابالغ برخی معبرین رؤیای آنها را ضعیف می‌دانند، چرا که عقلشان کاملنگشته و برخی گویند رؤیایشان صحیح‌تر از دیگران است چرا که قلب آنها رنگ گناه و اندوه دنیا نگرفته است. (1) خواب شخص در حال مستی صحیح نیست، چرا که عقل از او زائل شده باشد و همچنین خواب شخص مسلمان جنب و حائض غالباً صحیح نیست. (2)

پس هرچقدر انسان به تقوا نزدیک‌تر باشد و با حالت معنوی بخوابد رؤیایش به صحت نزدیک‌تر خواهد بود، چنانچه از معصوم (علیه السلام) آمده است: «انْقَطَعَ الْوَحْيُ وَبَقِيَ الْمُبَشِّرَاتُ أَلَا وَهِيَ نَوْمُ الصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ» (3) «وحی قطع شد و بشارت دهنده‌ها باقی ماند و آن خواب مردان صالح و زنان صالح است». از این حدیث این نکته هم استفاده می‌شود که در صحت رؤیا فرقی بین زن و مرد وجود ندارد.

همچنین علماء نشانه‌های دیگری هم برای صادقه بودن رؤیا مطرح کرده‌اند: 1. «شفاف و روشن بودن رؤیا»، 2. «قداست مکان خوابیدن»،

ص: 58

1- . کلیات تعبیر خواب، ص 12 و 13؛ آیات بیّنات (مقدمه التحقيق)، ص 20

2- . کلیات تعبیر خواب، ص 12 و 13

3- . جامع الأخبار، ص: 172

3. «وقوع در زمان‌های مقدس»، 4. «تکرار یک رؤیا (به یک شکل یا اشکال مختلف، توسط یک یا چند نفر)»، 5. «تحت تأثیر عاطفی قرار گرفتن» 6. «(دقیق به یاد ماندن رؤیا)»⁽¹⁾.

اما مخالف موازین شرعی و بدیهیات عقلی بودن دلیل بر کاذبه بودن است.

قاعده هفتم: توضیح حدیث نبوی (صل الله علیه و آله و سلم)

از پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكُذْ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَكْذِبٌ»⁽²⁾ «وقتی زمان نزدیک شود، خواب مومن نزدیک نیست که دروغ باشد».

اینکه مراد از «تقارب زمان» در این حدیث چیست «شیخ عباس قمی» دو احتمال مطرح فرموده است:

1. قریب و نزدیک شدن زمان شب و روز (یعنی شب و روز هم اندازه شوند و شب طولانی تر یا کوتاه‌تر از روز نباشد) و آن در فصل بهار و پاییز است، یعنی: إذا تقارب زمان الليل والنهار.

2. نزدیک شدن قیامت، یعنی خواب انسان‌های آخر الزمان به صحت نزدیک‌ترند، یعنی: إذا تقارب الزمان الى القيامة⁽³⁾.

ص: 59

1- رجوع: الرؤى والأحلام، ص 10 الى 16؛ ينابيع الشذى فى الأحلام والرؤيا، ص 32 و 41؛ ضوابط الرؤيا، 135 و 136 و 183 و 184

2- . الأملی للطوسی، ص: 386، مجلس 13، ح 94؛ در (بحار الأنوار، ج 58، ص: 172، ح 31) چنین آمده: عَنِ النَّبِيِّ ص: «إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكُذِبْ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ».

3- . سفينة البحار، ج 3، ص: 260

البته دو احتمال دیگر نیز وجود دارد: 3. هر چقدر رؤیا به زمان بیداری نزدیک شود رؤیا از کاذبه بودن فاصله گرفته و صادق خواهد بود، یعنی: اذا تقارب الزمان الى الإستيقاظ.

4. هر چقدر رؤیا به زمان مرگ نزدیک شود رؤیا از کاذبه بودن فاصله گرفته و صادق خواهد بود، خواب‌های آخر عمر هر شخص به صحت نزدیک‌تر است، یعنی: اذا تقارب الزمان الى الموت.

از بین این احتمالات چهار گانه بعید نیست که هر چهار معنی مراد باشد، گرچه احتمال «اقتراب الساعة» اقوی از سه احتمال دیگر است، به دلیل حدیث نبوی (صل الله علیه و آله و سلم): «إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ انْتَفَى الْمَوْتُ خِيَارَ أُمَّتِي كَمَا يَنْتَفِي أَحَدُكُمْ خِيَارَ الرُّطْبِ مِنَ الطَّيِّبِ» (1).

قاعده هشتم: اختلاط رؤیایا

همه رؤیایا از یک نوع و از یک منبع نیستند، بلکه چنانچه اشاره شد خواب سه ریشه کلی دارد (الله، شیطان، نفس) و بر پانزده قسم است، بنابراین در همه رؤیایایی که انسان‌ها می‌بینند دو نوع اختلاط و در هم آمیختگی وجود دارد؛

1. اکثر انسان‌ها - جز انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) - عمدتاً همه انواع رؤیایا را تجربه می‌کنند، بنابراین رؤیایایی که توسط انسان‌ها دیده می‌شود گاه شیطانی و گاه الهی و گاه نفسانی است، پس همه رؤیایا با هم آمیخته هستند.

ص: 60

2. نوع دوم آمیختگی به این معنی است که گاه ممکن است یک رؤیا آمیخته‌ای از چند نوع خواب باشد، مثلاً بخشی از خواب الهی و ملکوتی بوده و بخش دیگر شیطانی و بخش سوم نفسانی برگرفته از حالت جسم باشد، از این رو معبر باید اجزای خواب را بتواند از هم تفکیک کند.

چنانچه محمد بن کثیر کوفی گفت: من قبل و بعد از هر نماز آن دو (یعنی ابوبکر و عمر) را لعنت می‌کردم، در خواب دیدم پرنده‌ای يك ظرف نورانی که داخل آن مایعی سرخ رنگ شبیه عطر بود می‌برد، وارد حرم پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شد. آن دو نفر را از ضریح خارج کرد، گونه‌های آن دو را با همین مایع عطر آگین معطر نمود، باز آنها را به قبرشان برگرداند و بالا رفت. از آنهایی که در آن اطراف بودند پرسیدم: این پرنده کیست و این عطر چیست؟ يك نفر گفت: این پرنده ملکی است که در هر شب جمعه می‌آید آن دو را معطر می‌کند. از دیدن این خواب ناراحت شدم، صبح کردم در حالی از لعن کردن آنها خوشم نمی‌آمد. خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رفتم، همین که مرا دید خندید و فرمود: «رَأَيْتَ الطَّائِرَ؟» «آن پرنده را دیدی؟» عرض کردم: آری ای مولای من، حضرت (علیه السلام) فرمود: «اقْرَأْ: (إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ) (1) فَإِذَا رَأَيْتَ شَيْئًا تَكْرَهُ فَقَارْهَا، وَاللَّهُ مَا هُوَ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِمَا لَا كَرَامِهِمَا، بَلْ هُوَ مُوَكَّلٌ بِمَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، إِذَا قُتِلَ قَتِيلٌ ظَلَمًا أَخَذَ مِنْ دَمِهِ فَطَوَّقَهُمَا بِهِ فِي رِقَابِهِمَا، لِأَنَّهُمَا سَبَبُ

ص: 61

كُلِّ ظَلَمٍ مُّذْ كَانَا» (1) «این آیه را بخوان: (نجوا صرفاً از (القآآت) شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند ناراحت گردانند، و (لكن) جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی رساند) هر وقت چیزی دیدی که خوشت نیامد همین آیه را بخوان. به خدا قسم آن ملکی نیست که برای احترامشان مأمور آن دو باشد، بلکه آن ملك مأمور شرق و غرب زمین است، هر گاه کسی از روی ستم کشته شود، از خون آن مظلوم می گیرد و به گردن آن دو حلقه می اندازد، زیرا آنها سبب هر ظلمی هستند از زمانی که بودند».

در این خواب اصل جریان صحیح بوده، ولی شیطان القاء کرده که آن ظرف عطر و آن فرشته مأمور اکرام آن دو است. همچنین بنده حقیر روزی بسیار خسته بود و ساعت زنگی را کوک کرده و خواب دیدم در روستا بوده (و این قسمت رؤیا صحیح بود) و ساعت زنگی زنگ می زند، دکمه خاموش را فشار دادم اما صدایش قطع نشد، باطری آن را در آوردم صدایش قطع نشد، آن را شکاندم صدایش قطع نشد، بیدار شدم دیدم مدتی است ساعت زنگی مشغول زنگ زدن است، و صدای پیرامون جسم بنده به خواب بنده سرایت کرده است (این قسمت خواب نفسانی برگرفته از اتفاقات پیرامون بود).

ص: 62

به غیر از انبیاء و ائمه (علیهم السلام) که همه خوابشان الهی و وحی است، بقیه مردم گاهی رؤیای صادقه و گاهی رؤیای کاذبه می بینند، امام صادق (علیه السلام) درباره فلسفه آمیختگی خواب ها می فرماید: «فَكُرِّ يَا مُفَضَّلُ فِي الْأَحْلَامِ كَيْفَ دَبَّرَ الْأَمْرَ فِيهَا فَمَزَجَ صَادِقَهَا بِكَاذِبِهَا، فَإِنَّهَا لَوْ كَانَتْ كُلُّهَا تَصَدِّقُ لَكَانَ النَّاسُ كُلُّهُمْ أَنْبِيَاءَ، وَلَوْ كَانَتْ كُلُّهَا تَكْذِبُ لَمْ يَكُنْ فِيهَا مَنَفَعَةٌ بَلْ كَانَتْ فَضْلًا لَا مَعْنَى لَهُ، فَصَارَتْ تَصَدِّقُ أَحْيَانًا فَيَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ فِي مَصْلَحَةٍ يَهْتَدِي لَهَا أَوْ مَضَرَّةٍ يَتَحَذَّرُ مِنْهَا، وَتَكْذِبُ كَثِيرًا لِّئَلَّا يَعْتَمِدَ عَلَيْهَا كُلُّ الْإِعْتِمَادِ» (1)

«ای مفصّل! درباره خواب ها بیندیش که خدا چگونه راست و دروغ را در هم آمیخته است، چرا که اگر تمام خواب ها راست و صادق بود همه مردم پیامبر (و از اخبار غیب آگاه) بودند و اگر تمام آنها نادرست و کاذب بود، چیزی زاید و بی معنی بود و سودی نداشت. از این رو گاه راست است و مردم از آن سود می برند و با آن به سوی نیکی می روند و از بدی پرهیز می نمایند و بسیاری از آنها نیز دروغ است تا بر خواب ها اعتماد کامل نشود».

ص: 63

در ارزش علم تعبیر رؤیا هم بس که در قرآن رؤیاهای متعدّدی مطرح شده است، مثل:

1. رؤیای ابراهیم (علیه السلام) (الصافات: 102 - 105)

2. رؤیای یوسف (علیه السلام) و تعبیر آن (یوسف: 4 و 100).

3 و 4. رؤیای دو هم زندانی یوسف و تعبیر آن دو رؤیا (یوسف: 36 و 46).

5. رؤیای عزیز مصر و تعبیر آن (یوسف: 43 - 49).

6. رؤیای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره بنی امیه (إسراء: 60).

7. رؤیای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره حجّ (الفتح: 27).

8. رؤیای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره جنگ بدر (أنفال: 43).

همچنین آیات متعدّدی درباره رؤیا آمده است، مثل: یونس: 64؛ یوسف: 5؛ یوسف: 101. و در روایات اسلامی هم بحث رؤیا بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

علم تعبیر رؤیا از ارزشمندترین علوم الهی است که خدا به بندگان برگزیده خدا عنایت می‌فرماید، چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ» [\(1\)](#) «و این چنین، پروردگارت تو را برمی‌گزیند، و از تعبیر

ص: 64

خواب‌ها به تو می آموزد، و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می کند».

این علم از طرف خدا به انبیاء و ائمه و اولیاء الهی (علیهم السلام) داده شده است، و به غیر از اینها اگر افرادی تعبیر رؤیا می کنند از روی اکتساب است. «علامه مجلسی» (رحمه الله) درباره علم تعبیر خواب می نویسد: «این علم از معجزات پیامبران و اولیاء (علیهم السلام) است، و برای غیر آنها جز بهره اندکی از این علم وجود ندارد، بهره اندکی که (لَا يُسَمِّنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ) چاغ نکرده و گرسنگی را بر طرف نمی کند».(1)

قاعده یازدهم: علم تعبیر رؤیا مثل علم فتوا

گفته شده: علم تعبیر رؤیا مثل فتوا دادن است.(2) چنانچه قرآن تعبیر رریا را در برخی موارد با واژه «فتوا» آورده است، عزیز مصر گفت: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ»(3) «ای گروه حاضر، اگر خواب تعبیر می کنید، در باره خواب من، به من نظر دهید.» به یوسف گفتند: «يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ»(4) «ای یوسف، ای مرد راستگوی، در باره هفت گاو فربه حکم کن» و حضرت یوسف بعد از تعبیر رؤیای دو زندانی فرمودند: «قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ»(5)

ص: 65

1- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 233

2- . ضوابط الرؤيا، ص 33 الی 36

3- . یوسف : 43

4- . یوسف : 46

5- . یوسف : 41

«امری که شما دو تن از من استفتاء کردید تحقق یافت».

بنابراین معبر نباید بدون علم تعبیر کند، چنانچه مفتی نمی تواند بدون علم فتوا بدهد، معبر اگر تعبیر را نمی داند اعتراف به جهل خود کند، تا اینکه با تعبیر اشتباه عواقب شومی برای صاحب خود و خودش به دنبال نکشاند.

قاعده دوازدهم: روش های معبر شدن

عالم شدن به علم تعبیر خواب دو روش کلی دارد؛

1. اعطائی: این نوع تعبیر خواب صحیح ترین نوع تعبیر خواب است، چنانچه خدا به یوسف (علیه السلام) علم تعبیر خواب آموخت، بدون اینکه از کسی آموزش ببیند: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (1) «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (2) «ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي» (3) «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (4). امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند: «لَمَّا أَمَرَ الْمَلِكُ بِحَبْسِ يُوسُفَ (علیه السلام) فِي السِّجْنِ أَلْهَمَهُ اللَّهُ عِلْمَ تَأْوِيلِ الرُّؤْيَا فَكَانَ يُعَبِّرُ لِأَهْلِ السِّجْنِ رُؤْيَاهُمْ» (5) «وقتی پادشاه دستور زندانی کردن

ص: 66

1- . یوسف : 6

2- . یوسف : 21

3- . یوسف : 37

4- . یوسف : 101

5- . تفسیر العیاشی، ج 2، ص: 176، ح 23

یوسف (علیه السلام) را داد، خدا دانش تعبیر خواب را به یوسف (علیه السلام) الهام فرمود و او برای اهل زندان خواب‌هایشان را تعبیر می‌کرد». راوی از امام باقر (علیه السلام) پرسید: آیا تعبیر خواب دانیال (علیه السلام) صحیح است؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: «نَعَمْ، كَانَ يُوحَى إِلَيْهِ وَ كَانَ نَبِيًّا، وَ كَانَ مِمَّنْ عَلَّمَهُ اللَّهُ تَأْوِيلَ الْأَحَادِيثِ»⁽¹⁾ «بله، به او وحی می‌شد و او پیامبر بود، و از کسانی بود که خدا به او تعبیر خواب آموخته بود». البته این نوع تعبیر خواب نیازمند طهارت باطنی است، چنانچه در انبیاء عظام و ائمه معصومین و اولیاء الهی (علیهم السلام) مشاهده شده است. چنانچه «محمد بن سیرین» (33 - 110 ق) و همچنین «ابراهیم بن عبد الله کرمانی» هر کدام یوسف نبی (علیه السلام) را در خواب دیده و از وی در خواست علم تعبیر خواب کردند و یوسف نبی (علیه السلام) در رؤیا به آنها علم تعبیر خواب اعطاء می‌فرماید.⁽²⁾

2. اکتسابی: در این روش شخص با رجوع به کتب تعبیر خواب، و تسلط بر قواعد کلی و تعابیر جزئی و فراست و زیرکی می‌تواند خواب را تعبیر کند، و در این روش احتمال خطا وجود دارد، و من این کتاب و این قواعد را برای چنین افرادی نوشته‌ام. «ابوبکر محمد بن قاسم بغدادی لغوی» معروف به «ابن انباری» (271 - 328 یا 327 هـ - ق)، از این دسته بود. چنانچه نقل شده: روزی کنیز خلیفه راضی بالله از ابن انباری تعبیر خوابی را که دیده بود پرسید. ابن انباری گفت: اکنون گرفتار بول هستم (دستشویی دارم)، آن روز رفت و کتاب کرمانی را در تعبیر خواب،

ص: 67

1- . قصص الأنبياء (علیه السلام) للراوندي، ص: 230، ح 272

2- . المدخل لعلم تعبیر الرؤيا، ص 55

قاعده سیزدهم: شرایط اخلاقی معتبر

اگر کسی خواب شیطانی ببیند و بداند شیطانی است، بهتر است برای کسی (معیّر و غیر معیّر) بازگو نکند، چنانچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که درباره آیه شریفه: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» فرمودند: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يُبَشِّرُ بِهَا الْمُؤْمِنُ جُزْءَ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ، فَمَنْ رَأَى ذَلِكَ فَلْيُخْبِرْ بِهَا وَادًّا، وَمَنْ رَأَى سِوَى ذَلِكَ فَإِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَهُ فَلْيَنْفُثْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا، وَلْيَسْكُتْ وَلَا يُخْبِرْهَا أَحَدًا» (2) «رؤیای نیکو که مؤمن با آن بشارت داده می شود یک جزء از چهل و شش جزء پیامبر است، پس هر کس چنین رؤیایی ببیند به دوستش خبر دهد، و هر کس غیر از این رؤیا را ببیند پس آن از شیطان است تا او را ناراحت کند، پس به طرف چپ سه بار تف کند و ساکت بماند و به کسی خبر ندهد». همچنین از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةَ فَلْيُفَسِّرْهَا وَلْيُخْبِرْ بِهَا، وَإِذَا رَأَى الرُّؤْيَا الْقَبِيحَةَ فَلَا يُفَسِّرْهَا وَلَا يُخْبِرْ بِهَا» (3) «هر گاه یکی از شما خواب خوبی دید، آن را تعبیر کند و برای دیگران بازگو کند و اگر خواب بدی دید، آن را تعبیر نکند و به کسی هم نگوید».

ص: 68

1- . معجم الأدباء، ج 6، ص: 2615، ش 1101؛ تاریخ بغداد، ج 3، ص: 401 و 402، ش 1540

2- . الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ج 3، ص: 311

3- . كنز العمال: ج 15 ص 364 ح 41392

وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حال سخنرانی بود مردی آمد و عرض کرد: دیشب در خواب دیدم که گردنم زده شده، پس سرم از بدنم افتاد و من دنبال سرم گشتم آن را پیدا کرده و بر سر جایش گذاشتم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِذَا لَعِبَ الشَّيْطَانُ بِأَحَدِكُمْ فِي مَنَامِهِ فَلَا يُحَدِّثَنَّ بِهِ النَّاسَ» (1) «وقتی شیطان با یکی از شما در خوابش بازی کرد، آن را به مردم نگویند».

اما اگر کسی خواب الهی دید، می تواند جهت تعبیر پیش معبر (یعنی: عالم به علم تعبیر خواب) و یا به خاطر جهات شرعی دیگر (مثل: عبر آموزی، هدایت، بیان نکته علمی و...) پیش غیر معبر بازگو کند، اما نباید خواب خود را نزد هر شخصی بازگو کرد، بنابراین کسی که خواب خود را (برای تعبیر یا غیر تعبیر) برای او بازگو می کنیم، باید حداقل دارای برخی از این شرایط ذیل باشد:

1. خیر خواه و نیکوکار: دوزندانی رو به یوسف کرده و گفتند: «بَنَيْنَا بُتًا وَابْنًا لَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (2) «ما را از تعبیر خوابمان آگاه کن که تو را نیکوکار می بینیم».

2. خالی از حسادت و نیرنگ: «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا» (3) «[يعقوب (عليه السلام) به يوسف (عليه السلام)] گفت: ای پسر من

ص: 69

1- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 174

2- . يوسف : 36؛ گرچه برخی از مفسران «محسنین» را به معنای خواب گذار خوب تعبیر کردند. «إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ مِنَ الَّذِينَ يَحْسَنُونَ تَأْوِيلَ الرُّؤْيَا» (أنوار التنزيل و أسرار التأويل، ج 3، ص: 163)

3- . يوسف : 5

خوابت را برای برادرانت بازگو نکن چرا که بر تو نیرنگ می کنند». و چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «الرُّؤْيَا لَا تُقْصُّ إِلَّا عَلَى مُؤْمِنٍ خَلَا مِنَ الْحَسَدِ وَ الْبَغْيِ» (1) «خواب جز بر مومن خالی از حسادت و ستم بازگو نمی شود».

3. دوست و حبیب: چنانچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «الرُّؤْيَا ... لَا تُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا حَبِيبًا أَوْ لَيْبِيًّا» (2) «رؤیا را بازگو نکن مگر برای دوست یا عاقل». همچنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى رُؤْيَا مَكْرُوهًا فَلْيَتَّقِ عَنْ يَسَارِهِ، وَلْيَتَّعِزَّ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّهَا، وَلَا يُحَدِّثُ بِهَا أَحَدًا فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ» (3) «خواب های نیک از جانب خداست، پس هر گاه کسی خواب محبوبی دید آن را بازگو نکند مگر برای انسان محبوبی، و اگر خواب بدی دید به جانب چپش آب دهانی بیندازد و از شرّ شیطان و شرّ آن خواب، به خدا پناه ببرد و آن را برای کسی نقل نکند که ضرری به او نخواهد رساند».

4. اهل علم (دانشمند): چنانچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «لَا تُقْصُّ الرُّؤْيَا إِلَّا عَلَى عَالِمٍ أَوْ نَاصِحٍ» (4) «رؤیا جز برای شخص دانشمند یا خیر خواه، بازگو نمی شود».

ص: 70

1- . الکافی، ج 8، ص: 336، ح 530

2- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 175

3- . عدة الداعي، ص: 277 و 278

4- . كنز العمال: ج 15 ص 365 ح 41395

5. عاقل و صاحب اندیشه (اندیشمند): پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «فَلَا تَقْصُوا رُؤْيَاكُمْ إِلَّا عَلَى مَنْ يَعْقِلُ» (1) «خوابتان را جز بر انسان عاقل بازگو نکنید». و همچنین از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «الرُّؤْيَا عَلَى رَجُلٍ طَائِرٍ، فَإِذَا عُبِّرَتْ وَقَعَتْ، فَلَا تَقْصُهَا إِلَّا عَلَى وَادٍّ، أَوْ ذِي رَأْيٍ» (2) «رؤیا بر پای پرنده است (و در هوا معلق است)، پس وقتی تعبیر شود اتفاق می افتد، پس خواب را نگویند مگر بر دوست دار یا صاحب اندیشه».

نکته مهم: معبر باید مرد پاک طینت و اهل خیر باشد، تا:

اولاً: قبل از شنیدن رؤیا، در دل بر فال نیک بگیرد، چنانچه روایت شده وقتی حضرت یوسف (علیه السلام) به یعقوب پیامبر (علیه السلام) گفت: ای پدر رؤیایی دیدم که مرا ترسانده است، یعقوب (علیه السلام) فرمود: «یا بنی خیرا رأیت، ما الذی رأیت؟» «ای پسرم خیر باشد، چه دیدی؟» (3)، وقتی حضرت علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) فرمود: خوابی دیده ام، امام حسن (علیه السلام) عرض کرد: «خَيْرًا رَأَيْتَ وَ خَيْرًا يَكُونُ» «خیر دیدی، و خیر است» و سپس امام علی (علیه السلام) خوابش را بیان فرمودند. (4) همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از رؤیا خوششان می آمد و رو به مردم کرده و می فرمودند: «هل رأى أحد منكم شيئاً؟» «آیا کسی از شما خواب دیده است؟» شخصی به نام «ابن زمل» گفت: من دیدم ای

ص: 71

-
- 1- . الکافی، ج 8، ص: 336، ح 529
 - 2- . تاج العروس من جواهر القاموس، ج 7، ص: 177؛ البته در (بحار الأنوار، ج 58، ص: 175) چنین آمده است: وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: «الرُّؤْيَا عَلَى رَجُلٍ طَائِرٍ مَا لَمْ يُعَبَّرْ فَإِذَا عُبِّرَتْ وَقَعَتْ» قَالَ: وَ أَحْسَبُهُ قَالَ: «وَلَا تَقْصُهَا إِلَّا عَلَى وَادٍّ أَوْ ذِي رَأْيٍ».
 - 3- . دار السلام للنوری، ج: 1، ص: 136
 - 4- . بحار الأنوار، ج 42، ص: 278 و 279

پیامبر خدا، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خیر تلقاه، و شر توقاه، و خیر لنا، و شرّ لأعدائنا، و الحمد لله رب العالمین، اقصص رؤیاءك»⁽¹⁾ «خیر دریافت کردی، و از بدی نگه داشته شدی، برای ما خوب و برای دشمنانمان بد است، و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است، رؤیایت را بازگو کن».

ثانیاً: به بهترین شکل تعبیر کند، چنانچه شخصی رؤیای زنی را بد تعبیر کرد، وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعبیر بد وی را شنید، فرمود: «أَلَا كَانَ عَبَّرَ لَهَا خَيْرًا»⁽²⁾ «چرا این مرد خواب آن زن را خوب تعبیر نکرد؟».

ثالثاً: اگر در تعبیر خوابی عاجز ماند اعتراف به عجز کند، نه اینکه خواب را آشفته دانسته و خود را از جهل تبرئه کند.

رابعاً: معبر در بیان تعبیر مصالح و مفاسد را باید لحاظ کند، چرا که گاهی مصلحت در این است که تعبیر خواب گفته نشود، یا با تأخیر گفته شود، چنانچه شخصی به ابن سیرین گفت: در خواب دیدم در پشت بام خانه‌ام دانه‌های جو بود که خروسی آمد و آن دانه‌ها را برداشت، ابن سیرین گفت: اگر در این روزها چیزی از تو دزدیده شد پیش من بیا. بعد از چند روز آن شخص آمد و گفت که فرشان روی پشت بام گذاشته بودیم که دزدیده شده است، ابن سیرین گفت: پیش مؤذن محله خودت برو و فرش را از او بگیر (او دزدیده). آن شخص پیش مؤذن رفت و فرشش را پس گرفت.⁽³⁾ در

ص: 72

1- . سبل الهدی، ج 7، ص: 261

2- . الکافی، ج 8، ص: 336، ح 528

3- . البداية و النهایة، ج 9، ص: 275

این داستان ابن سیرین برای حفظ آبروی مؤذن، و عدم ایجاد بدبینی، قبل از انجام جرم، خواب را کامل تعبیر نکرد.

همچنین شخصی پیش ابن سیرین آمد و گفت: ای ابوبکر، مردی در خواب دیده تخم مرغ‌ها را از بالای آنها سوراخ کرده و سفیدی آنها را برداشته و با زردیشان کار ندارد، ابن سیرین گفت: بگو خود خواب بیننده بیايد، آن شخص گفت: (تو تعبیر کن) من تعبیر را به او می‌رسانم، ابن سیرین گفت: نه، آن شخص چند بار رفت و برگشت و هر بار جواب ابن سیرین همان بود، تا اینکه آن شخص گفت: من خودم این خواب را دیدم، ابن سیرین او را قسم داد، آن شخص قسم خورد (که صاحب خواب خودم هستم)، ابن سیرین گفت: اگر راست می‌گویی پس تو نباش (گور کن و دفن دزد) هستی، کفن مردم را دزدیده و بدن آنها را رها می‌کنی. آن شخص گفت: به خدا دیگر تکرار نخواهم کرد. (1) در این حکایت هم «ابن سیرین» راضی نمی‌شود آبروی کسی نزد دیگری از بین برود.

خامساً: اگر درست تعبیر کرد دچار عجب و غرور نشود، «ابن وردی» در این باره چنین می‌سراید:

«واکتُم عوار الناس إن عبرت * واحذر من الإعجاب إن أصبت» (2)

ص: 73

1- . کتاب تعبیر الرؤیا، ص 93 و 94، ش 132؛ در (حیة الحيوان الكبرى، ج 1، ص: 465) چنین آمده است: «عن ابن سیرین أنه أتاه رجل، فقال: إني رأيت كأنني أقشر بيضة وأرمني صفارها و آكل بياضها. فقال ابن سیرین: هذا رجل نباش للقبور. فقليل له: من أين أخذت هذا؟ فقال: البيضة القبر، و الصفار الجسد، و البياض الكفن. فيلقى الميت و يأكل ثمن الكفن، و هو البياض».

2- . الألفیة الوردیة، ص 34، بیت 21

«و عیب مردم را مخفی کن اگر رؤیا را تعبیر کردی * و از عجب بر حذر باش اگر درست تعبیر کردی».

قاعده چهاردهم: شیوه های تعبیر خواب

خواب از منابع مختلفی و به شیوه های گوناگونی قابل تعبیر است، که برخی از آنها عبارتند از:

1. تعبیر قرآنی

بهترین منبع تأویل رؤیا قرآن کریم است، (1)

به عنوان نمونه «متوکل عباسی» حضرت علی (علیه السلام) را در خواب داخل آتش دید، و چون با حضرت (علیه السلام) دشمنی داشت از خوابش خوشحال شد، از معبری (بدون نام بردن از حضرت علی ع) تعبیر خواست، معبر گفت: شخصی که در آتش دیدید باید یا پیامبر یا جانشین پیامبر باشد، متوکل گفت: از کجا می گویی؟ معبر گفت: از این آیه: «بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا» (2) «خجسته و مبارک گردید آن که در کنار این آتش و آن که پیرامون آن است». (3)

همچنین «مهدی عباسی» در خواب دید که صورتش سیاه شده است، از معبرین خودش تعبیر را پرسید، همگی عاجز شدند، جز «ابراهیم کرمانی» که

ص: 74

1- . چنانچه درباره تعبیر قرآنی کتاب هایی هم نوشته شده است، مثل: «تفسیر الأحلام بالقرآن» نوشته: ابو الفداء محمد عزت محمد عارف. «تعبیر خواب قرآنی» نوشته: مجتبی رضایی.

2- . النمل : 8

3- . مناقب آل أبي طالب ع، ج 3، ص: 271

گفت: برای تو دختری به دنیا خواهد آمد. مهدی گفت: از کجا دانستی؟ کرمانی گفت: از این آیه: «إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا» (1) «هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد». (2)

چنانچه زنی پیش «ابن سیرین» آمد و گفت: در رؤیا دیدم که تخم مرغ را در زیر چوب می گذارم و (بعد از مدتی تخم مرغ جوجه می شود و) جوجه در می آید، ابن سیرین گفت: وای بر تو، تقوای الهی پیشه کن، تو زنی هستی که بین زنان و مردان در آنچه خدا دوست ندارد (یعنی عمل زنا) جمع می کنی، همشینیان ابن سیرین به وی گفتند: ای ابامحمد، به این زن تهمت زدی، از کجا می گویی؟ ابن سیرین گفت: از سخن خدا که زنان را تشبیه به تخم مرغ کرده: «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (3) و منافقین را تشبیه به چوب کرده: «كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسْنَدَةٌ» (4) پس تخم مرغ زنان هستند و چوب مردان فاسد و جوجه ها اولاد زنا هستند. (5)

همچنین «ابراهیم بن مهدی» از محبت و پذیرش ولایت حضرت علی (علیه السلام) به دور بود، وی روزی به مأمون گفت: علی (علیه السلام) را در خواب دیدم، گفتم: کیستی؟ گفت: علی بن ابی طالب، من با او در مسیری راه رفتیم تا اینکه به پلی رسیدیم، علی (علیه السلام) جلوتر از من راه افتاد تا از پل عبور کند، من او را نگه

ص: 75

1- . النحل : 58

2- . آیات یتّات، ص 252 (این حکایت نشان دهنده این است که «مهدی عباسی» دارای تفکر جاهلیت بوده، چرا که آیه فوق فرهنگ جاهلی را نشان می دهد).

3- . الصافات : 49

4- . المنافقون : 4

5- . حیاة الحیوان الکبری، ج 1، ص: 465

داشتیم و گفتم: تو شخصی هستی که مدّعی خلافت هستی در حالی که ما (یعنی بنی عباس) از تو به خلافت شایسته‌تریم، آنگونه که علی را (به بلاغت و علم) توصیف می‌کنند، من ندیدم جواب بلیغی بدهد. مأمون گفت: علی (علیه السلام) چه جوابی به تو داد؟ ابراهیم گفت: بیشتر از سلام چیزی به من نگفت. مأمون گفت: به خدا قسم بلیغ‌ترین جواب را به تو گفته است. ابراهیم گفت: چطور؟ مأمون گفت: به تو فهمانده که تو نادانی و شایسته جوابینستی، خدا می‌فرماید: «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»⁽¹⁾ «چون نادانان ایشان را مخاطب سازند، بگویند: سلام»، پس ابراهیم شرمسار شد.⁽²⁾

همچنین شخصی چند ماه مریض بود، شبی در خواب دید که به او گفتند: «لا» بخور و «لا» بیاشام تا خوب شوی. شخصی را پیش «ابو علی خیاط» فرستادند، او گفت: اکنون تعبیرش را نمی‌دانم، (خواب‌ها با قرآن و حدیث تفسیر می‌شود) من هر شب نصف قرآن را می‌خوانم، صبر کن تا امشب قرآنم را بخوانم و فکر کنم، چون فردا شد، ابوعلی گفت: دیشب به این آیه رسیدم: «زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»⁽³⁾ به او زیتون و روغن زیتون بدهید بخورد، چنین کردند خوب شد.⁽⁴⁾

ص: 76

1- . الفرقان : 63

2- . الأغاني، ج: 10، ص: 329

3- النور: 35.

4- . تاریخ بغداد، ج 8، ص: 24 و 25، ش 4070؛ الدعوات، ص: 147 و 148، ح 387؛ مشابه همین از ابن سیرین هم نقل شده است: «رأى رجل النبي ص في منامه فشكا إليه علة كانت به، فقال له: عليك بلا ولا، فاستيقظ الرجل و تحير فسأل ابن سيرين، فقال: كل الزيتون فإن الله تعالى يقول: زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» (محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، ج 1، ص: 190)

مردی به «ابن سیرین» گفت: در رؤیا دیدم که چهار قرص نان دارم پس آفتاب بر من طلوع کرد، ابن سیرین گفت: تا چهار روز دیگر می... میری و سپس این آیه را خواند: «ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا * ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا» (1) «آنگاه خورشید را بر آن نشانه‌ای گردانیدیم، سپس آن را به نرمی به سوی خود بازمی گیریم». (چهار نان به معنای داشتن روزی چهار روز است).

همچنین شخص دیگری به «ابن سیرین» گفت: در خواب دیدم که کیسه من پُر از موریانه است، ابن سیرین گفت: تو می میری و سپس این آیه را خواند: «فَلَمَّا قَضَىٰ يَنَّا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ» (2) «پس چون مرگ را بر او مقرر داشتیم، جز جنبنده ای خاکی (موریانه) بر مرگ او دلالت نکرد». (3)

مثلاً: تعبیر «تخم مرغ» به «همسر» است، پس هر کس ببیند تخم مرغ خرید یعنی همسر انتخاب می کند، به دلیل: «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (4).

تعبیر «مروارید» به «غلام» است، به دلیل: «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ» (5).

ص: 77

1- . الفرقان : 45 و 46

2- . سبأ : 14

3- . دو داستان اخیر در: أخطاء الأنام، ص 18

4- . الصافات : 49

5- . الطور : 24

تعبیر «خوردن مردار» به «غیبت کردن» است، به دلیل: «لَا يَتَتَبَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (1).

تعبیر «روشن کردن آتش» به «فتنه جوئی ناموفق» است، به دلیل: «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» (2).

تعبیر «سوار شدن به کشتی» به «نجات یافتن» است، به دلیل: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ» (3).

تعبیر «چوب خشکیده» به «منافق» است، به دلیل: «كَانَهُمْ خُشْبٌ مُمْسَكَةٌ» (4).

تعبیر «مرض» به «نفاق» است، به دلیل: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (5).

تعبیر «سنگ» به «قساوت» است، به دلیل: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ» (6).

تعبیر «لباس» به «همسر» یا «رازداری» است، به دلیل: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ

ص: 78

1- . الحجرات : 12؛ چنانچه «میمون بن شاه» گوید: در خواب دیدم که من کنار مردار سیاه پوستی بودم، کسی به من می‌گفت: بخور، من گفتم: ای بنده خدا، چرا بخورم؟ گفت: چون غیبت فلان بنده را کردی، گفتم: به خدا من درباره او نه بدی و نه خوبی نگفته‌ام، گفت: ولی تو غیبت او را شنیدی و خشنود شدی، میمون بعد از این نه غیبت کسی را می‌کرد و نه اجازه می‌داد کسی پیش او غیبت شود. (الکشف و البیان، ج 9، ص: 84 و 85)

2- . المائدة : 64

3- . العنكبوت : 15

4- . المنافقون : 4

5- . البقرة : 10

6- . البقرة : 74

أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَؤَاتِكُمْ» (1) «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (2) بنابراین کسی در خواب لباسش را در بیاورد یا رازش را فاش می‌کند یا همسرش را طلاق می‌دهد.

تعبیر «کشاورزی» به «زن» است، به دلیل: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ سِتُّمُ» (3).

تعبیر «ساختمان استوار» به «رزمندگان جبهه حق» است، به دلیل: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (4).

تعبیر «ورود پادشاه ظالم» به «فساد آن شهر» است، به دلیل: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (5). تعبیر «کوری و کری» به «گمراهی» است، به دلیل: «مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ» (6).

تعبیر «ال-غ» به «عالم بی عمل» یا «فرمانروایی و بزرگواری و بخت» است، به دلیل: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (7) و «الْحَمِيرَ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً» (8).

ص: 79

1- .الأعراف: 26

2- .البقرة: 187

3- . البقرة : 223؛ چنانچه ابن سیرین با توجه به همین آیه شریفه تعبیر رؤیا کرد، وقتی که شخصی به ابن سیرین گفت: در رؤیا دیدم در زمینی کشاورزی می‌کنم که گیاهی نمی‌رویانند. ابن سیرین گفت: تو نسبت به زنت عزل می‌کنی (و منی را در رحم نمی‌ریزی). (إتحاف السادة المتقين، ج: 10، ص: 647).

4- .الصف: 4

5- . النمل: 34

6- . هود: 24

7- . الجمعة: 5

8- . النحل: 8

- تعبیر «خاکستر در باد» به «کار بی حاصل» است، به دلیل: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ» (1).
- تعبیر «سنبل باربر» به «عمل الهی» است، به دلیل: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» (2).
- تعبیر «خار در باد» به «گفتار زشت» است، به دلیل: «مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (3).
- تعبیر «سگ» به «انسان منحرف و دشمن» است، به دلیل: «كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ» (4).
- تعبیر «عنکبوت» به «انسان گمراه و ضعیف» است، به دلیل: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا» (5).
- تعبیر «چهارپایان» به «انسان های گمراه» است، به دلیل: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (6).
- تعبیر «کف و آب سیل» به «باطل و حق» است، به دلیل: «فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ... كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ

ص: 80

-
- 1- . إبراهيم : 18
 - 2- . البقرة : 261
 - 3- . إبراهيم : 26
 - 4- . الأعراف : 176
 - 5- . العنكبوت : 41
 - 6- . الأعراف : 179

فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمُكِّتُ فِي الْأَرْضِ»(1).

تعبیر «گلستان» به «دنیا» است، به دلیل: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ»(2). تعبیر «گروه ملخان زنده» به «گروه مردم وحشت زده» است، به دلیل: «خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ»(3).

تعبیر «حرم خدا» به «امنیت» است، به دلیل: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»(4).

تعبیر «آب» به «زندگی» یا «پاکیزگی» یا «آزمایش» است، به دلیل: «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»(5) و «يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ»(6) «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ»(7).

تعبیر «صدای الاغ» به «سخن غلط و زشت» است، به دلیل: «إِنَّ أَكْثَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»(8).

تعبیر «درخت» به «پیامبر» یا «عالم» است، به دلیل: «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»(9).

ص: 81

1- . الرعد : 17

2- . يونس : 24

3- . القمر : 7

4- . آل عمران : 97؛ چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ رَأَى أَنَّهُ فِي الْحَرَمِ وَكَانَ خَائِفًا آمِنًا» «هر کس در خواب ببیند که در حرم است و ترسان باشد ایمنی یابد» (قرب الإسناد، ص: 82، ح 271)

5- . الأنبياء : 30

6- . الأنفال : 11

7- . البقرة : 249

8- . لقمان : 19

9- . إبراهيم : 24؛ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» قَالَ: «أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ ص وَفَرْعُهَا عَلِيٌّ (عليه السلام) وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ثَمَرُهَا أَوْلَادُهَا (عليه السلام) وَوَرَقُهَا شِيعَتُنَا» (معاني الأخبار، ص: 400، ح 61)

تعبیر «سنگ پرتاپ کردن به کسی» به معنای «تهمت زدن» است، به دلیل: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» (1).

تعبیر «شراب» به «مال حرام» است، به دلیل: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (2).

تعبیر «سفید شدن چشم» به «ناراحتی و خشم» است، به دلیل: «أَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (3).

تعبیر «رکوع» به «توبه» است، به دلیل: «فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعاً وَأَنَابَ» (4).

تعبیر «به آسمان رفتن» به «رفعت و مقام» است، به دلیل: «رَفَعْنَاهُ مَكَاناً عَلِيًّا» (5). تعبیر «واژگون شدن» به «طول عمر» است، به دلیل: «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ» (6).

تعبیر «ستاره» به «انسان یا کتاب هدایت‌گر» است به دلیل: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (7).

ص: 82

1- . النور : 23

2- . البقرة : 219

3- . يوسف : 84

4- . ص : 24

5- . مريم : 57

6- . يس : 68

7- . النحل : 16

تعبیر «هدیه» به «شادی» است، به دلیل: «بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» (1).

تعبیر «باد گرم» به «آتش و آتش سوزی» است به دلیل: «فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ» (2).

2. تعبیر روایی

در روایات حضرات معصومین (علیهم السلام) مفاهیم و معارف بسیار ژرفی وجود دارد که انسان با غور در آنها می‌تواند در زمینه تعبیر خواب بهره‌بگیرد (از تشبیهات و تفسیر حیوانات مسخ شده و ...). مثلاً در روایات «زن» به «دنده کج» و «خانه عنکبوت» به «خانه شیطان» تشبیه شده، و هزاران تشبیهی که در روایات اسلامی وجود دارد، مثلاً در روایات اسلامی به «کلاغ» «مرد فاسق» گفته شده است، (3) و «مومن» تشبیه به «کعبه» شده است. (4)

«ابن سیرین» از این شیوه هم بهره می‌جسته است، چنانچه از ابن

ص: 83

1- النمل: 36

2- البقرة: 266؛ چنانچه گفته شده: «زنی صالح در خواب دید که موجی از هوای گرم او را دنبال می‌کند تا اینکه در آشپزخانه مستقر شد، از معبری پرسید، گفت: این شیطان است که بر شما مسلط شده است و گفت: باید قرآن بخوانی، زن به این تعبیر مطمئن نشد، از معبر دیگری پرسید، گفت: اجاق گاز را بررسی کن که شما در خطری و این خواب هشدار است، زن اجاق گاز را جستجو (یعنی بررسی) کرد، دید شیلنگ گاز سوراخ است.» (قواعد ناب در تعبیر خواب، ص 83) [در این رؤیا مقصدِ هوای گرم مبدأ آتش سوزی را نشان داده است].

3- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) أَنَّهُ كَرِهَ أَكْلَ لَحْمِ الْغُرَابِ لِأَنَّهُ فَاسِقٌ. (علل الشرائع، ج 2، ص: 485، ب 238، ح 1)

4- عَنْ الْمُعْصُومِ (عليه السلام): «مَثَلُ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ مَثَلُ الْكُعْبَةِ الْحَرَامِ مِنَ الْحَرَمِ» (الكافي، ج 2، ص: 28، ح 2)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكُعْبَةِ». (الخصال، ج 1، ص: 27، ح 95)

سیرین نقل شده که گفته من با حدیث تعبیر خواب می‌کنم چنانچه با قرآن تعبیر خواب می‌کرده است. (1) و از همین باب است وقتی شخصی به «ابن سیرین» گفت که در خواب دیدم که کلاغی بر روی کعبه فرود آمد، ابن سیرین گفت: مرد فاسقی با زن شریفی ازدواج خواهد کرد، و حجاج با دختر عبد الله بن جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد. (2)

همچنین شخصی به «ابن سیرین» گفت: در خواب دیدم که با موشی آمیزش کردم و (بعد از آمیزش) از تهیگاه موش خرمایی بیرون آمد. ابن سیرین گفت: اگر راست بگویی من هم راستش را می‌گویم، آیا زن فاسقی داری؟ آن شخص گفت: آری، ابن سیرین گفت: آیا زنت باردار است؟ آن شخص گفت: آری، ابن سیرین گفت: از همسر فاسقت پسر صالحی به دنیا خواهد آمد، چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) موش را «فویسته: زن فاسق» نامید و فرمود: خرما پاکیزه است. (3)

3. تعبیر به اوصاف و معانی

با توجه به حقیقت و اوصاف و ویژگی‌های ظاهری و باطنی و کارکرد اشیا که در رؤیا دیده می‌شود، می‌توان تعبیر خواب انجام داد، مثلاً از آن جهت که منافق مثل چوب بی‌ثمری است و زمینه‌ای برای آتش افروزی و فتنه جویی است، خواب «چوب خشک» به «منافق» تعبیر می‌شود، و از آنجایی

ص: 84

1- . النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 3، ص: 170

2- . حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص: 247

3- . كتاب تعبیر الرؤيا، ص 83، ش 104

که آتش با سوزاندن همه چیز را نابود می‌کند در بیداری به فتنه‌ای نابود کننده تعبیر می‌شود، همچنین دانشمندان مثل ستارگان هدایت‌گر عالم دین‌داری هستند، پس «ستاره» به «دانشمند هدایت‌گر» تعبیر می‌شود. البته باید فرهنگ جامعه شخص خواب‌بینده را هم لحاظ کرد، چرا که ممکن است چیزی در فرهنگی نماد چیزی باشد و در فرهنگی نماد چیز دیگر، و همچنین در فرهنگی رفتاری صحیح تلقی شود که در فرهنگ دیگر ممنوع و حرام باشد، چرا که تعبیر خواب با توجه به فرهنگ‌ها متغیر است، مثلاً اگر مسلمانی «خوکی» را در خواب ببیند به معنای «انسان پست و پلید» خواهد بود، چرا که در فرهنگ اسلامی خوک نجس است، چنانچه «ابن سیرین» گوید: «خوک در خواب مردی است به قوت و توانگر، لکن دون همت و بی‌خبر است، و خوک خانگی مردی است فراخ دل، لکن پلید و بد فعل باشد، و بی‌دین و بی‌دیانت است».⁽¹⁾ اما در فرهنگ برخی کشورها خوک منبع خوراک بوده و شاید تعبیرش «نعمت و شانس» باشد، چنانچه «هانس کورت» در تعبیر خوک می‌گوید: «دیدن خوک به طور کلی نشانه شانس است».⁽²⁾

به عنوان نمونه در خواب عزیز مصر؛ از آن جهت که گاو حیوانی برای زراعت و کشاورزی و حلال گوشت بوده و گوشت و شیرش مایه ارتزاق مردم مصر بوده است، و چاقی گاو به معنای فراوانی گوشت و شیر بوده و لاغری گاو به معنای کم بودن گوشت و شیر است، و اینکه گاوهای لاغر

ص: 85

1- . کلیات تعبیر خواب، ص 153

2- . فرهنگ جامع تعبیر خواب، ص 286

گاوهای چاق را خورده‌اند، و خوردن به معنای از بین بردن غذا است، و از آنجا که مدت رشد گاو (از بین حیوانات دارای مصرف گوشتی در مصر) در شکم مادرش نزدیک یک سال (متوسط 286 روز) است، پس گاو به معنای سال خواهد بود، بنابراین دقیق‌ترین تعبیر خواب عزیز مصر را یوسف نبی (علیه السلام) ارائه فرموده است: «قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَيِّئَاتٍ يَأْكُلْنَ سَبْعَ عَجَافٍ... قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ» (1) «پادشاه (مصر) گفت: من (در خواب) دیدم هفت گاو فربه است که هفت (گاو) لاغر آنها را می‌خورند، (یوسف) گفت: هفت سال پی در پی می‌کارید، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می‌خورید - در خوشه‌اش واگذارید. آنگاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن (سال‌ها) از پیش نهاده‌اید - جز اندکی را که ذخیره می‌کنید - همه را خواهند خورد».

به عنوان نمونه دیگر؛ از آن جهت که «مار» حیوانی مژذی بوده و با نیش زدن به دیگران آسیب می‌رساند بنابراین به «دشمن و شرور» تعبیر می‌شود، چنانچه کسی در خواب دید که در خانه‌اش مارهای زیادی است، از ابن سیرین تعبیرش را پرسند وی گفت: او مردی است که دشمنان خدا در منزلش وارد می‌شوند، (و همین گونه بود) و خوارج در خانه وی جمع می‌شدند. (2)

ص: 86

1- . یوسف : 43 و 47 و 48

2- . الحیوان، ج 4، ص: 391

اسامی افراد و اماکن و اشیاء و اسم هر چیزی که در رؤیا دیده شده، در تعبیر خواب نقش دارند،⁽¹⁾ و از این رو یکی از روش‌های تعبیر خواب را تعبیر بر اساس «اسامی» مطرح کرده‌اند که نسبت به تعبیر قرآنی و روایی از درجه پایین‌تری از ارزش تعبیر برخوردار است، و از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْكَ الرُّؤْيَا فَخَذُوا بِالْأَسْمَاءِ»⁽²⁾ «وقتی تعبیر رؤیا بر شما سخت شد، اسامی را بگیرید (و بر اساس آن تعبیر کنید)». و همچنین از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «إِنَّ لِلرُّؤْيَا كُنًى وَلَهَا أَسْمَاءٌ؛ فَكُنُوهَا بِكُنَاهَا، وَاعْتَبِرُوهَا بِأَسْمَائِهَا، وَالرُّؤْيَا لِأَوَّلِ عَابِرٍ»⁽³⁾ «برای رؤیا کنیه‌ها و نام‌هایی است، با کنیه‌اش آن را بخوانید و با نام... هایش لحاظ کنید، و رؤیا برای اولین تعبیر کننده است».

چنانچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «رَأَيْتُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ كَأَنَّ فِي دَارِ عُقْبَةَ بْنِ زَافِعٍ فَأَتَيْنَا بِرُطَبٍ مِنْ رُطَبِ ابْنِ طَابٍ، فَأَوَّلْتُ الرَّفْعَةَ لَنَا فِي الدُّنْيَا وَالْعَافِيَةَ فِي الْآخِرَةِ

ص: 87

1- . «ابن وردی» در این باره چنین می‌سراید: «وَالِإِشْتِقَاقُ فِي الْأَسْمَاءِ أَصْلٌ * عَنْ ابْنِ سِيرِينَ وَصَحَّ النُّقْلُ * فَاعْمَلْ بِهِ إِنْ غَابَتِ الْأَصُولُ * أَوْ قَصُرَتْ رُؤْيَاهُ وَالدَّلِيلُ * كَقَوْلِنَا سَوْسَنَةً سَوْسَنَةً * وَفِي النِّعَامِ نِعْمَةٌ مَبِينَةٌ» (الألفیة الوردیة، ص 34، بیت 26 تا 29)

2- . تفسیر الأحلام، ص 30

3- . الفائق فی غریب الحدیث، ج 3، ص: 172؛ البته در (سنن ابن ماجه، کتاب تعبیر الرؤیا، ب 7، ح 3915) چنین نقل شده: «اعتبروها بأسمائها وكنوها بكنائها، و الرؤیا لأول عابر» و «إن الرؤیا كنى و بها اسماء فكُنُوهَا بِكُنَاهَا و اعبروها بأسمائها».

وَ أَنْ دِينَنَا قَدْ طَابَ» (1). «یک شب آن چنان که خوابیده خواب می‌بیند، در خواب دیدم که در خانه عقبه بن رافع هستم و از خرماهای پسر طاب برای ما آورده شد، و تفسیر کردم به رفعت و بزرگی در دنیا (به خاطر اسم رافع) و سلامتی در آخرت و عقبی (به خاطر اسم عقبه) و اینکه دین ما پاکیزه و طیب است (به خاطر اسم طاب)». همچنین نقل شده که شخصی زمینی خریده بود و در خواب دید که پسر برادرش در آن زمین راه می‌رود و قدمی بر زمین نمی‌گذارد مگر بر روی سر حیّه‌ای (یعنی ماری)، معبر در تعبیرش چنین گفت: اگر خوابت راست باشد، در آن زمین چیزی کاشته نمی‌شود مگر اینکه حیات و زندگی می‌یابد. (حیّة و حیات). (2).

وقتی شخصی به سعید بن مسیب گفت: در خواب دیدم اُسنان من (یعنی دندان‌هایم) افتاد، سعید گفت: اُسنان تو (یعنی همسالان تو) قبل از تو می‌میرند، (با لفظ تعبیر کرده: اُسنان و اُسنان، در حالی که دندان‌ها به معنای خویشاوندان هستند). (3).

رؤیا گاهی با «مقلوب لفظ» تعبیر شده و تعبیر محقق شده است: شخصی به معبری «یعنی شهاب عابر» گفت: در رؤیا روی پای من غسل قرار گرفت و آن را سوزاند، معبر گفت: پای تو با لسع (یعنی گزش) تلف می‌شود، (لسع مقلوب غسل). همچنین شخصی به همان معبر گفت: در

ص: 88

1- . إعلام الوری بأعلام الهدی، ص: 31

2- . تفسیر الأحلام، ص 12

3- . کتاب تعبیر الرؤیا، ص 34، ش 22

خواب دیدم که دلو خریدم، معبر گفت: خدا ولد روزیت می کند، (ولد مقلوب دلو). همچنین شخصی گفت: در خواب دیدم در چاهی برای سبج (یعنی شنّا) افتادم، معبر گفت: در زندان برای حبس می افتی (حبس مقلوب سبج). و همگی همان گونه که معبر گفته بود تعبیر شدند. و شخصی گفت: در خواب دیدم که لیف خرما (پوست درخت خرما) دستم را (زخمی و) خونی کرد، معبر گفت: از فیل بر تو می ترسم و مدتی بعد فیلی او را زد به گونه ای که نزدیک بود بمیرد (فیل مقلوب لیف). و شخصی گفت: در خواب دیدم حبر (مُرگب) از دریا جمع می کردم، معبر گفت: رُبَح (یعنی سودی) از انسان جلیل القدری به تو می رسد (ربح مقلوب حبر). همچنین شخص گفت: در خواب دیدم با گروهی وداع و خدا حافظی می کنم، معبر گفت: بشارت باد که آنها باز می گردند (عادوا مقلوب وداع). (1)

همچنین اگر اسامی طولانی باشد می توان از بعض حروف کلمه برای تعبیر استفاده کرد، مثلاً: «سوسن» دلالت بر «سوء» (یعنی بدی) می کند، و «سفرجل» (میوه به) به معنای «سفر» است (بخش اول کلمه). (2)

همچنین اگر اسامی طولانی باشد می توان کلمه را بر دو بخش تقسیم کرد و با هم تفسیر کرد، مثل: «سودان» به معنای «سوء دان: شری که نزدیک شده»، و «حبشه» به معنای «حبّ شیء: دوست داشتن چیزی» و «سفرجل» به معنای «سفر جلاء: سفری آشکار». همچنین می ... توان به مشابه آن اسم هم تعبیر کرد، مثل: «سَلَم: نردبام» به معنای «سلامت»، و

ص: 89

1- . تعبیر با مقلوب لفظ: قواعد تفسیر الأحلام، ص 164 و 165

2- . تفسیر الأحلام، ص 12

«صدقه» به معنای «صدق: راستی»، «نعناع» به معنای «نعمت»، «غنم: گوسفند» به معنای «غنیمت»، و «رأس: سر» به معنای «رئیس» باشد و همچنین می‌توان به مُشاکِل نوشتاری کلمه تفسیرکرد، مثل: «ذکر: آلت مردانه» به معنای «ذکر: یاد شدن (در بین مردم)» و «فرج: آلت زنانه» به معنای «فرج: گشایش» باشد. (1)

حتی اگر «تعبیر به اسامی» را به عنوان یک تعبیر مجزاً قبول نداشته باشیم، ولی این امر مسلّم است که اسامی در تعبیر نقش بسزایی دارند، چنانچه «موسی زوّار» به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: ای پسر رسول خدا، دیشب خوابی دیده‌ام که وحشت زده‌ام کرده است، دامادِ مُرده خود را دیدم که مرا به آغوش کشید، می‌ترسم مرگم نزدیک شده باشد، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «يَا مُوسَى تَوَقَّعِ الْمَوْتَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً فَإِنَّهُ مُلَاقِيْنَا، وَ مُعَانِقَةُ الْأَمْوَاتِ لِلْأَحْيَاءِ أَطْوَلُ لِأَعْمَارِهِمْ، فَمَا كَانَ اسْمُ صِهْرِكَ؟» «ای موسی، انتظار مرگ را در صبح و شام داشته باش که مرگ به سراغ ما خواهد آمد، ولی هم آغوش شدن مُرده ها با زنده ها دلیل بر طول عمر زنده ها است (2)، اسم دامادت چه بود؟» موسی عرض کرد: حسین، حضرت (علیه السلام) فرمود: «أَمَّا إِنَّ زَوْيَاكَ تَدُلُّ عَلَى بَقَائِكَ وَ زِيَارَتِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع، فَإِنَّ كُلَّ مَنْ عَانَقَ سَمِيَّ الْحُسَيْنِ يَزُورُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (3). «این

ص: 90

-
- 1- . تعجیل السقیا، ص 66 الی 69
 - 2- . چرا که مُرده‌ها وارد عالم بقاء شده‌اند و به بغل کشیدن شدن توسط آنها به معنای بقاء بیشتر در دنیا خواهد بود.
 - 3- . الکافی، ج 8، ص: 293، ح 447

خواب تو دلالت دارد که تو زنده می‌مانی و ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) را زیارت می‌کنی، زیرا که هر که با هم نام حسین (علیه السلام) معانقه کند آن شاء الله آن حضرت (علیه السلام) را زیارت می‌کند».

5. تعبیر به ضد و قلب

گاهی رؤیا به صورت متضاد و مقلوب تعبیر می‌شود، مثلاً خوف تعبیرش امان است و امان تعبیرش خوف است، گریه بی صدا تعبیرش شادی است و خنده با صدا تعبیرش ناراحتی است، طاعون تعبیرش جنگ است و جنگ تعبیرش طاعون است، عجله تعبیرش ندامت است و ندامت تعبیرش عجله است، عشق تعبیرش جنون است و جنون تعبیرش عشق است، ازدواج تعبیرش تجارت است و تجارت تعبیرش ازدواج است، حجامت تعبیرش نوشتن قباله و قباله تعبیرش حجامت است، عوض کردن منزل تعبیرش سفر است و سفر تعبیرش عوض کردن منزل است، سیل تعبیرش دشمن است و دشمن تعبیرش سیل است، خوردن انجیر تعبیرش پشیمانی است و پشیمانی تعبیرش خوردن انجیر است، ملخ تعبیرش لشگر است و لشگر تعبیرش ملخ است، حکمت تعبیرش کتاب است و کتاب تعبیرش حکمت است، دریا تعبیرش آتش است و آتش تعبیرش دریا است، مشتری تعبیرش بائع است و بائع تعبیرش مشتری است، قبر تعبیرش زندان است و زندان تعبیرش قبر است، سر تعبیرش رئیس است و رئیس تعبیرش سر است، برای زن باردار دختر تعبیرش پسر است و پسر تعبیرش دختر است، زن تعبیرش دنیا است و دنیا تعبیرش زن است

است، سرمایه‌داری تعبیرش فقر است و فقر تعبیرش سرمایه‌داری است، زمین تعبیرش مادر است و مادر تعبیرش زمین است، نزاع تعبیرش صلح است و صلح تعبیرش نزاع است، اگر نزاع کننده‌ها از یک جنس باشند (دو انسان یا دو گاو) غالب و پیروز تعبیرش مغلوب و شکست خورده است و مغلوب تعبیرش غالب است، و هر چیز نو که تعبیر آن نیک است کهنه آن تعبیرش بد است، و هر چیزی که نو آن در خواب بد باشد کهنه آن در خواب نیک است.⁽¹⁾

روش‌های دیگر

علماء روش‌های زیادی برای تعبیر خواب روش‌های زیادی مطرح کرده‌اند، ولی از آن جهت که جز چند مورد از موارد مذکور شیوه تعبیر نیستند، بلکه ضوابط تعبیرند، از این رو ما فقط پنج شیوه برای تعبیر خواب طرح کردیم. و برخی موارد را ذیل ضوابط تعبیر مطرح کردیم. و برخی دیگر به صورت موجه جزئی در تعبیر خواب کارایی دارند، نه موجه کلیه.

مثلاً: «میرزا محسن عصفور» (رحمه الله) دوازده ضابطه برای تأویل رؤیا مطرح فرموده که عبارتند از؛ 1. با قرآن، 2. با سنت، 3. با وجوه حکمیّه، 4. با ضرب المثل، 5. با تشبیه، 6. با لوازم (یا نتایج و آثار، مثل: قرار دادن سر روی زانویه اندوه تأویل شود)، 7. با اسامی، 8. با اقتران (تعبیر شدن برای

ص: 92

1- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 221 و 222؛ تفسیر الأحلام، ص 14؛ کلیّات تعبیر خواب، ص 33؛ قواعد تفسیر الأحلام، ص 165 و 166؛ ضوابط الرؤیا، ص 83 تا 85؛ کتاب تعبیر الرؤیا، ص 43 و 44

خویشان)، 9. با درجه و رتبه، 10. با نوع یا جنس، 11. با صفت، 12. اختلاف احوال (مثلاً میوه در فصلش شفاء و در غیر فصلش بیماری است). (1)

و «علامه مجلسی» (رحمه الله) هشت وجه برای تعبیر رؤیا مطرح فرموده که عبارتند از؛ 1. با دلالت قرآن، 2. با دلالت حدیث، 3. با ضرب المثل ها، 4. با اسامی، 5. با معنی، 6. با ضد، 7. تغییر به زیادی و نقصان، 8. تغییر به اختلاف حال رائی. (2)

و «فهد بن جبیر» ده روش برای تعبیر رؤیا مطرح کرده است: 1. دلالت قرآن، 2. دلالت سنت، 3. تأویل با ضرب المثل، 4. تعبیر با اسامی، 5. تعبیر با معنی، 6. تعبیر با اختلاف حال رائی، 7. تأویل با ضد و قلب، 8. تأویل با فال، 9. تأویل به اعتبار مکان و زمان، 10. تأویل به اعتبار زیادی و نقصان. (3) در «مقدمه الألفیة الوردیة» هشت روش برای تعبیر رؤیا مطرح شده است: 1. قرآن، 2. سنت (راویت)، 3. ضرب المثل رایج بین مردم، 4. اشتقاق اسامی، 5. ضد، 6. اشتراک در خط (مانند «فرج: آلت جنسی» به «فرج: گشایش» تعبیر می شود)، 7. علت جامعه، 8. ضد و قلب. (4)

«أحمد فرید» هفت روش برای تعبیر خواب مطرح کرده است: 1. با دلالت قرآن، 2. با دلالت روایات، 3. با دلالت اسماء، 4. با دلالت

ص: 93

1- . بلغة الشيعة الكرام، ص 155 الى 159

2- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 219 الى 223

3- . المدخل لعلم تعبیر الرؤيا، ص 67 و 68

4- . مقدمه الألفیة الوردیة، ص 14 تا 16

شعر، 5. با دلالت ضرب المثل، 6. با دلالت معنی، 7. با ضد و قلب. (1)

«ابن قتیبه دینوری» هفت اصل برای تعبیر رؤیا مطرح می‌فرماید که عبارتند از: 1. تأویل با اسماء، 2. تأویل با قرآن، 3. تأویل با حدیث، 4. تأویل با ضرب المثل و جملات رایج، 5. تأویل با ضد و مقلوب، 6. تأویل به زیادی و نقصان، 7. تأویل به وقت. (2)

«محمد بن فهد» هفت روش برای تأویل رؤیا مطرح می‌کند: 1. با دلالت قرآن، 2. با دلالت حدیث، 3. با دلالت شعر، 4. با دلالت ضرب المثل، 5. با دلالت معنی، 6. ضد و قلب و عکس و تصحیف، 7. با دلالت قیاس و تشبیه و تمثیل. (3)

تأویل به شعر و ضرب المثل: «تمسک به اشعار معروف و صحیح» و همچنین «ضرب المثل‌های صحیح» می‌تواند در تعبیر خواب مفید باشد، چنانچه زنی در اهواز در خواب دید که شوهرش به او نرجش و به هوی او گل آس داد، معبر گفت: شوهرت تو را طلاق داده و هوی تو را نگه می‌دارد، به دلیل قول شاعر:

«لیس للنرجس عهد *** إنما العهد للآس» (4)

اما علاوه بر موارد مطرح شده توسط علماء، دو مورد دیگر نیز می‌شود بر موارد فوق افزود:

ص: 94

1- . تعجیل السقیا، ص 40 الی 75

2- . کتاب تعبیر الرؤیا، ص 32 الی 58

3- . ضوابط الرؤیا، ص 74 الی 92

4- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 221

1. تعبیر به آثار و نتایج؛ از آنجایی که هر رفتاری دارای نتیجه و آثاری است، می‌توان با توجه به نتیجه و آثار، خواب را تعبیر کرد، مثلاً خوردن انگور سیاه باعث زدودن غم می‌شود، پس کسی که در خواب انگور سیاه خورده می‌توان گفت که غصه‌اش از بین می‌رود، یا دعا کردن موجب اجابت می‌شود، پس می‌توان دعای شخص را به اجابت تعبیر کرد.

2. ادامه فعل؛ می‌توان از نقطه انتهای رؤیای شخص، داستان را در ذهن ادامه داد، و با توجه به ادامه دادن خواب در ذهن رؤیا را تعبیر کرد، مثلاً کسی که در خواب انگور را می‌فشارد و شراب می‌سازد، طبیعی است که در ادامه از آن خودش استفاده کرده و یا به دیگران بنوشاند، و شاید از همین باب باشد: «قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا... أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا» (1)؛ و همچنین اینکه کسی وقتی نانی بر سر دارد و پرندگان از آن می‌خورند، در ادامه وقتی نان رو به اتمام رسید پرندگان (به گمان غذا) به سر شخص نوک خواهند زد، و این بدین معنی است که سرش شخص توسط پرندگان خورده می‌شود، و این یعنی همان صلیب:

«قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ... أَمَّا الْآخَرُ فَيَصَّ لَبٌ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ» (2). البته ناگفته نماند «میرزا محسن عصفور» تعبیر «حمل نان بالای سر» به «صلیب» را از باب «تعبیر به تشبیه» می‌داند، یعنی نان خوردن پرندگان از بالای سر شبیه خوردن سر توسط

ص: 95

1- . یوسف : 36 و 41

2- . یوسف : 36 و 41

همچنین بعد از خوف «امنیت» می‌آید و بعد از امنیت «خوف» می‌آید، پس شاید بتوان گفت تعبیر خوف به امنیت و تعبیر امنیت به خوف از همین باب است، گرچه «علامه مجلسی» این مورد را از باب «تعبیر به ضد» می‌دانند. (2) ولی تعبیر خوف به امنیت را می‌توان تعبیر به قرآن شمرده به دلیل: «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا». (3)

قاعده پانزدهم: نقش اولین معبر

تعبیر خواب برای اولین معبر است، یعنی تعبیر اولین معبر واقع می‌شود، نه تعبیر معبران بعدی، چنانچه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «الرُّؤْيَا لِأَوَّلِ عَابِرٍ» (4) «رؤیا برای اولین معبر است». اما اگر اولین معبر از تعبیر ناتوان بوده و یا بی ربط تعبیر کند، در واقع تعبیر صحیحی رخ نداده، بنابراین تعبیر خواب برای نفر بعدی پابرجا است، چنانچه وقتی معبران عزیز مصر از تعبیر ناتوان شدند و گفتند: «أَصْغَاثُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ» (5) «خوابی پریشان است، و ما به تعبیر خواب‌های آشفته دانا نیستیم»، یوسف نبی (علیه السلام) به عنوان اولین معبر بوده و تعبیرش محقق شد.

همچنین اگر معبر اول بدون اصول و ضوابط تعبیر کند، تعبیر او محقق

ص: 96

1- . بلغة الشيعة الكرام، ص 156

2- . بحار الأنوار، ج 58، ص 221

3- . النور : 55

4- . تفسير القرآن العظيم لابن كثير، ج 4، ص: 334

5- . يوسف : 44

نخواهد شد، و تعبیر معبر بعدی جاری خواهد شد، چنانچه محمد بن مسلم گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و ابو حنیفه هم خدمت او بود، به آن حضرت (علیه السلام) گفتم: قربانت شوم، من يك خواب عجیبی دیدم. حضرت (علیه السلام) به من فرمود: «یا ابْنُ مُسْلِمٍ هَاتِهَا فَإِنَّ الْعَالَمَ بِهَا جَالِسٌ» «یا ابن مسلم آن را بگو زیرا دانای به آن، نشسته است»، و با دستش به ابوحنیفه اشاره کرد. محمد بن مسلم گوید: من گفتم: در خواب دیدم که گویا به خانه ام وارد شدم و ناگاه همسرم از خانه به طرف من بیرون آمد و گردوی بسیاری شکست و آنها را بر سر من ریخت، و من از این خواب شگفت زده شدم، ابو حنیفه گفت: تو مردی هستی که با او باش بر سر میراث خانواده ات ستیز و جدال می کنی و پس از رنج سختی به خواسته ات می رسی. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «أَصَبْتَ وَاللَّهِ يَا أَبَا حَنِيفَةَ» «به خدا قسم، ای ابوحنیفه رسیدی»، سپس ابوحنیفه از نزد آن حضرت (علیه السلام) بیرون رفت، و من به آن حضرت (علیه السلام) گفتم: قربانت شوم، من از تعبیر این دشمن خاندان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدم آمد، حضرت (علیه السلام) فرمود: «یا ابْنُ مُسْلِمٍ لَا يَسْؤُكَ اللَّهُ، فَمَا يُؤَاطِي تَعْبِيرُهُمْ تَعْبِيرَنَا وَلَا تَعْبِيرُنَا تَعْبِيرَهُمْ، وَلَيْسَ التَّعْبِيرُ كَمَا عَبَّرَهُ» «یا ابن مسلم خدا بدی برای تو نیاورد، تعبیر آن ها با تعبیر ما موافق نیست و تعبیر ما با تعبیر آنها یکی نیست، و تعبیر خواب تو چنان نیست که او تعبیر کرد» من به آن حضرت (علیه السلام) گفتم: قربانت شوم، پس شما فرمودید: رسیدی و قسم هم خوردید، در حالی که او اشتباه کرد. حضرت (علیه السلام) فرمود: «نَعَمْ حَلَفْتُ عَلَيْهِ أَنَّهُ أَصَابَ الْخَطَأَ» «آری من برای او سوگند خوردم که به خطا رسیده است (نه به حق)» محمد بن مسلم گوید: به آن حضرت (علیه السلام)

گفتم: پس تأویل خوابم چیست؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: «يَا ابْنَ مُسْلِمٍ إِنَّكَ تَتَمَتَّعُ بِامْرَأَةٍ فَتَعْلَمُ بِهَا أَهْلُكَ فَتَمَزُّقُ عَلَيْكَ ثِيَابًا جُدْدًا فَإِنَّ الْقِسْرَ كِسْوَةُ اللَّبِّ» «ای پسر مسلم تواز زنی (به حلال) بهره جنسی می‌بری و همسرت می‌فهمد و جامه های نوی تو را پاره می‌کند، زیرا پوست لباس مغز است (یعنی پوست گردو به منزله لباس گردو است و شکستن لباس گردو یعنی پاره کردن لباس)» محمد بن مسلم گوید: به خدا قسم میان تعبیر امام (علیه السلام) و درستی خواب جز بامداد روز جمعه فاصله بیشتری نشد، چون بامداد روز جمعه رسید من بر در خانه نشسته بودم که کنیزی بر من گذر کرد و من خوشم آمد و به غلامم فرمان دادم او را نزد من برگردانید و به خانه ام آورد و از او لذت جنسی بردم، و همسرم از جریان با خبر شد، و پیش ما آمد، آن کنیز شتابان به طرف درب رفت و من ماندم، همسرم جامه نوی را که در روزهای عید می‌پوشیدم را پاره پاره کرد. (1)

از این حدیث شریف چنین استشمام می‌شود که زمانی تعبیر معبر محقق می‌شود که صاحب رؤیا به آن تعبیر اطمینان پیدا کند، بنابراین اگر معبر تعبیری بگوید که به ذهن رؤیا بیننده نامناسب بیاید تعبیرش محقق نمی‌شود.

قاعده شانزدهم: یک رؤیا و چندین تعبیر

باید توجه کرد این است که گاه ممکن است یک رؤیا توسط چند نفر به صورت صحیح تعبیر شود و چون تعابیر مختلف تعارضی نداشته باشند،

ص: 98

همگی تعبیرها رخ دهد، چنانچه جلال معبر گوید: شخصی در خواب دید که ذکر (آلت تناسلی) و خایه او را بریده بودند، پیش معبران رفت، گروهی تعبیر کردند که زود بمیرد، گروهی گفتند از اهل بیث جدا شود، گروهی گفتند منزلش کاهش پیدا می کند، گروهی گفتند نسلش بریده و قطع می شود، گروهی گفتند زنش را طلاق می دهد، گروهی گفتند که مال و زندگانش از بین می رود، مدتی نگذشته بود که شخص زنش را طلاق داد و و فرزندانش را برداشت و عازم سفر دریایی شد، و کشتی با باد تندی شکسته شد و خود و فرزندانش و اموالش غرق شد و ماهی کوچکی آمد و خایه و ذکرش را خورد. (1)

قاعده هفدهم: تعبیر رؤیای ندیده

اگر کسی به دروغ رؤیای ندیده ای را برای معبر بگوید و معبر آن را تعبیر کند، آیا تعبیر محقق می شود؟ دلیل قطعی نداریم ولی ظواهر نشان از این دارد که اگر معبر علم اعطائی داشته باشد خدا نمی گذارد تعبیر او غلط در بیاید، بنابراین محقق می شود، چنانچه گفته شده: وقتی یوسف (علیه السلام) خواب زندانی را به صلیب کشیده شدن تعبیر فرمود: «أَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلَّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ» (2)، زندانی صاحب تعبیر گفت: «من چیزی در خواب ندیدم (و به دروغ گفتم که خواب دیدم)»، یوسف (علیه السلام) فرمود: «فُضِنِي الْأَمْرُ

ص: 99

1- . کلیات تعبیر خواب، ص 22

2- . یوسف : 41

الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ» (1) «امری که شما دو تن از من جويا شدید تحقق یافت». (2) احتمال دارد وی واقعاً خوابی ندیده بوده و احتمال دارد که از جهت ترس از تعبیر بد رؤیا به دروغ خواب خود را انکار کرده باشد.

همچنین در تأیید این نکته نقل شده که مردی به «ابن سیرین» گفت: در خواب دیدم در دستم ظرفی از شیشه است که در آن آب است، ظرف شکست ولی آبش (در دستانم) باقی ماند، ابن سیرین گفت: «اتَّقِ اللَّهَ، فَإِنَّكَ لَم تَرَ شَيْئًا» «تقوای الهی پیشه کن، تو چیزی ندیدی (به دروغ رؤیا تعریف نکن)»، آن مرد گفت: سبحان الله، من رؤیایم را بازگو می کنم و تو می گویی چیزی ندیدی؟ ابن سیرین گفت: این رؤیا دروغ است، درباره این دروغ چیزی بر من نیست، اگر این رؤیا را دیدی به زودی زنت فرزندی به دنیا می آورد و زنت می میرد و فرزندت زنده می ماند، آن مرد وقتی از پیش ابن سیرین بیرون آمد گفت: به خدا قسم این رؤیا را ندیده بودم، ولی مدتی نگذشت مگر اینکه همسر آن مرد پسری به دنیا آورد و همسر مُرد و پسرش زنده ماند. (3)

ص: 100

1- . یوسف : 41

2- . التبيان في تفسير القرآن، ج 6، ص: 143

3- . تاريخ مدينة دمشق، ج 53، ص: 232 و 233؛ البته در (تعجيل السقيا، ص 84) چنین آمده است: حکى أنَّ رجلاً أتى ابن سیرین فقال: رأيت كأني استسقيت ماء فأتيت بقدح ماء فوضعت على كفي فانكسر القدح وبقى الماء في كفي، فقال له: ألك امرأة؟ قال: نعم، قال: هل بها حبل؟ قال: نعم، قال: فإنها تلد وتموت ويبقى الولد على يدك، فكان كما قال.

تعبیر خواب هر کس به اندازه وسعت وجودی خودش (از جایگاه و دین و کشور و شخصیت و ...) خواهد بود، چنانچه خواب پادشاه مصر به اندازه مملکت مصر و قحطی آن تعبیر داشت: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَوِيَّاتٍ يَأْكُلْنَ سَبْعَ عِجَافٍ وَ سَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضَرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ * ... قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعَصِرُونَ» (1) اما خواب دوزندانی به اندازه خودشان و نجات و صلیب خودشان تعبیر داشت: «وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجَنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْصِينَ * يَا صَاحِبِي السَّجَنُ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَ أَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ فَصَيِّ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ» (2) بنابراین کسی برای کل یک مملکت نمی تواند خواب ببیند مگر پادشاه آن مملکت، و اگر کسی غیر از پادشاه خوابی مثل رؤیای عزیز مصر (گاو لاغر و چاق) ببیند به اندازه خانه خودش تعبیر می شود، یعنی در خانه خودش فقر می آید.

ص: 101

1- . یوسف : 43 و 47 تا 49

2- . یوسف : 36 و 41

از این رو خواب براندازی امپراطوری فراعنه را فقط فرعون می‌تواند ببیند، چنانچه سدی گوید: «فرعون در خواب دید آتشی از بیت المقدس آمد و خانه‌های مصر را گرفت و فراعنه را سوزاند ولی بنی اسرائیل را در بر نگرفت، فرعون از معبران و کاهنان تعبیر را پرسید، گفتند: مردی از بنی اسرائیل متولد خواهد شد که حکومت مصر را نابود خواهد کرد، از این رو فرعون دستور داد هر فرزندی که از بنی اسرائیل به دنیا بیاید را بکشند» (1).

قاعده نوزدهم: تناسب تعبیر با خواب بیننده

یک خواب تعبیر مختلفی دارد که باید دقت شود که کدام تعبیر به بیننده خواب تناسب دارد، آن تعبیر صحیح است، مثلاً دیدن «خورشید» در خواب تعبیرات گوناگونی چون: «پادشاه»، «همسر»، «کار روشن»، «مأمور بر ارزاق»، «هدایت و روشنایی»، و همچنین «پدر یا مادر» (2) و ... دارد (3).

ص: 102

- 1- . جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج 20، ص: 19
- 2- . درباره اینکه خورشید به معنای پدر است یا مادر اختلاف نظر است، یوسف خواب خود را چنین تعریف می‌کند: «يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (یوسف: 4). عن ابن جریج: «الشمس أمه، والقمر أبوه» (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج 12، ص: 91)؛ قال ابن عباس: «الأحد عشرهم: أخوة يوسف، والشمس أمه، والقمر أبوه» (الهداية إلى بلوغ النهاية، ج 5، ص: 3501)؛ قال قتادة: «الشمس أبوه والقمر خالته، وذلك أن أمه راحيل كانت قد ماتت» (الكشف والبيان، ج 5، ص: 198)؛ قال السدي: «الشمس أبوه والقمر خالته وذلك أن أمه راحيل قد ماتت» (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص: 320)؛ اما در (تفسیر القمي، ج 1، ص: 339) آمده: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: تَأْوِيلُ هَذِهِ الرُّؤْيَا أَنَّهُ سَيَمْلِكُ مِصْرَ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ أَبَوَاهُ وَإِخْوَتُهُ، أَمَّا الشَّمْسُ فَأُمُّ يُوسُفَ رَاحِيلُ وَالْقَمَرُ يَعْقُوبُ وَأَمَّا أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا فَإِخْوَتُهُ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ، سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ وَحْدَهُ حِينَ نَظَرُوا إِلَيْهِ وَكَانَ ذَلِكَ السُّجُودَ لِلَّهِ.
- 3- . چنانچه آمده: «حضرت صادق (عليه السلام) می‌فرمایند که تأویل دیدن آفتاب بر هشت وجه بود، اول: خلیفه، دوم: سلطان بزرگ، سوم: رئیس، چهارم: عاملی بر زاد، پنجم: عدل پادشاه، ششم: منفعت رعیت، هفتم: مرد رازن و زن را شوی، هشتم: کار روشن و نیکو» (کلیات تعبیر خواب، ص 45). از این رو تعبیر خواب منسوب به امام صادق (عليه السلام) بهترین تعبیر خواب است، چرا که در آن برای هر چیزی وجوه مختلفی از تعبیر خواب مطرح شده است.

معتبر باید توجه کند که کدام تعبیر برای خواب بیننده تناسب دارد، چنانچه مردی خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شده و عرض کرد: در خواب دیدم گویا خورشید فقط بر سرم تابیده بدون آنکه بر بدنم بتابد، حضرت (علیه السلام) فرمود: «تَنَالُ أَمْرًا جَسَدِيماً وَ نُورًا سَاطِعاً وَ دِيناً شَامِلاً، فَلَوْ غَطَّتْكَ لَانْغَمَسْتَ فِيهِ وَ لَكِنَّهَا غَطَّتْ رَأْسَكَ، أَمَا قَرَأْتَ: (فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَارِغَةً، قَالَ: هَذَا رَبِّي) (1)»

فَلَمَّا أَفَلَتْ تَبَرَّأَ مِنْهَا إِبْرَاهِيمُ» «توبه مقام بزرگ و نوری درخشان و مذهبی کامل نائل خواهی گشت، و اگر همه بدنت را فرا گرفته بود در آن غرق می شدی ولی تنها سرت را فرا گرفته، آیا این آیه را نخوانده ای: (پس همین که دید خورشید طلوع کرد، (ابراهیم) گفت: این است پروردگار من است) و چون آفتاب غروب کرد ابراهیم از آن بیزاری جست». شخص عرض کرد: قربانت کردم آنها خورشید را به خلافت و سلطنت تعبیر می کند (و شما آن را به دین تعبیر فرمودید)؟ امام فرمود: «مَا أَرَاكَ تَنَالُ الْخِلَافَةَ وَ لَمْ يَكُنْ فِي أَبَائِكَ وَ أَجْدَادِكَ مُلْكٌ، وَ أَيُّ خِلَافَةٍ وَ مُلُوكِيَّةٍ أَكْبَرُ مِنَ الدِّينِ وَ النُّورِ، تَرْجُو بِهِ دُخُولَ الْجَنَّةِ؟ إِنَّهُمْ يَغْلَطُونَ» ((درست است که خلافت یکی از تعابیر دیدن خورشید است ولی) من در سیمای تو نمی بینم که به خلافت برسی، و در پدران و

ص: 103

اجداد تو کسی پادشاه نبوده، و چه خلافت و سلطنتی بالاتر از دین و نور است که به وسیله آن امیدوار به دخول بهشت شوی؟ آنها (برای تو) به اشتباه تعبیر کرده اند»، شخص گفت: راست فرمودی. (1)

همچنین حکایت شده ابن سیرین خواب «سخنرانی کردن بر روی منبر» را برای اهلش به «سلطنت» و برای نا اهلش به «صلیب» تعبیر می کرد، همچنین شخصی از تعبیر خواب «اذان گفتن» پرسید ابن سیرین به «حج رفتن» تعبیر کرد، و شخص دیگری از تعبیر خواب «اذان گفتن» پرسید ابن سیرین به «دزدی» تعبیر کرد، خود ابن سیرین در دلیل این اختلاف تعبیر گفت: در نفر اول علامت نیکوکاری و دینی دیدم و با این آیه تعبیر کردم: «أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» (2) اما نفر دوم را چهره خوبی ندیدم و با این آیه تعبیر کردم: «أَذِّنْ مُؤَذِّنُ أَيْتِهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ» (3). (4)

«علامه مجلسی» با اشاره به قاعده «اختلاف تعبیر با اختلاف خواب بیننده» از ابن سیرین نقل می کند که: درباره رؤیای سخنرانی بر روی منبر اگر شخص اهلّیت داشته باشد می گوئیم به سلطنت می رسد و گرنه می گوئیم به صلیب کشیده می شود. (5)

بنابراین به عنوان نمونه: دیدن «انار» برای «پادشاه» به معنای شهری

ص: 104

1- . الکافی، ج 8، ص: 291 و 292، ح 445

2- . الحج : 27

3- . یوسف : 70

4- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 222

5- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 222

است که حکومت می‌کند و پوست انار دیوارهای شهر و دانه‌های انار افراد آن شهر هستند، و برای «تاجر» دکان یا کیسه پول وی است، و برای «عالم» کتاب وی است که پوست انار جلد کتاب و دانه‌های انار برگه‌های کتاب است، و برای «مجرّد» همسری خواهد بود، و برای «خانم باردار» فرزند داخل شکمش است، برای «فقیر» درهم و دینار است، برای «سوارکار» مرکب است. (1)

از این رو «فرهنگ» و «شغل» و «عادت» و «سلامت و بیماری» و «دین و مذهب» و «جنسیت» و «جایگاه و منزلت» و «محل زندگی» و «همت‌ها و اهداف» خواب بیننده موجب مختلف شدن تعبیر خواب می‌شود. (2)

از همین باب است که خواب «پستان» برای مرد و زن و کودک و پیر تعبیر متفاوتی دارد، و معبران گویند: «اگر مردی ببیند در پستان او شیر جمع شده بود، اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید، و اگر زن دارد غنی شود. و اگر این خواب را عجزوزه ببیند، دلیل است بر درویشی وی. اگر زن جوان این خواب را ببیند، دلیل که عمرش دراز است. و اگر دختری ببیند دلیل که در خوردی بمیرد. ... جابر مغربی گوید: پستان مرد در خواب زن اوست، و پستان زن دختر وی.» (3)

«عبد الله بن محمد سدحان» می‌نویسد: «هر عصری تعبیر مخصوص

ص: 105

1- . تفسیر الأحلام، ص 9؛ قواعد تفسیر الأحلام، ص 146

2- . قواعد تفسیر الأحلام، ص 149 الی 154؛ تعطیر الأنام، ص 13؛ کتاب تعبیر الرؤیا، ص 26؛ ضوابط الرؤیا، ص 52 الی 56

3- . کلیات تعبیر خواب، ص 86

به خود دارد، و تعبیر به حسب عصر و زمان صورت می‌گیرد. ... دیدن خانه‌های گلی در خواب، نزد گذشتگان به معنای پناهگاه است، اما در عصر ما به مسّ شیطانی تعبیر می‌شود، چون به خاطر بی‌نیازی انسان‌ها به خانه‌های گلی در این زمان، به دیار و مسکن شیاطین تبدیل شده است» (1).

قاعده بیستم: عدم تحقق قبل تعبیر

خواب تا تعبیر نشود، محقق نمی‌شود، البته تعبیر لازم نیست که توسط معبر رخ دهد، بلکه وقتی انسانی حتی در ذهن خود تعبیر کند، موجب تحقق آن می‌شود، چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «إِنَّ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تُرْفُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَلَى رَأْسِ صَاحِبِهَا حَتَّى يُعْبَرْهَا لِنَفْسِهِ أَوْ يُعْبَرْهَا لَهُ مِثْلُهُ، فَإِذَا عَبَّرْتَ لِمَتِ الْأَرْضُ، فَلَا تَقْصُوا رُؤْيَاكُمْ إِلَّا عَلَى مَنْ يَعْقِلُ» (2) «همانا خواب مؤمن (چون پرنده ای) میان زمین و آسمان بر سر صاحبش بال بگشاید تا وقتی که خودش آن را تعبیر کند یا دیگری مانند خودش آن را برایش تعبیر کند، و چون تعبیر شد به زمین آید (و محقق شود)، پس خواب خود را جز برای شخص خردمند باز نگوئید».

و چنانچه از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده است: «رُبَّمَا رَأَيْتُ الرُّؤْيَا فَأُعْبَرْهَا وَ الرُّؤْيَا عَلَى مَا تُعْبَرُ» (3) «چه بسا که من خوابی می‌بینم و خودم آن را تعبیر می‌کنم، و خواب به هر طور تعبیر شود همان طور می‌شود.» و از

ص: 106

1- . قواعد ناب در تعبیر خواب، ص 71، قاعده: سی و هشتم

2- . الکافی، ج 8، ص: 336، ح 529

3- . الکافی، ج 8، ص: 335، ح 527

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «الرُّؤْيَا عَلَى رَجُلٍ طَائِرٍ مَا لَمْ تُعَبَّرْ، فَإِذَا عُبِّرَتْ وَقَعَتْ» (1) «رؤیا تا تعبیر نشود بر پای پرنده است (و معلق است)، وقتی تعبیر شود اتفاق می افتد» و در حدیث دیگری آمده: «لَا يَزَالُ الْمَنَامُ طَائِرًا حَتَّى يَقْصَّ، فَإِذَا قُصَّ وَقَعَ» (2) «رؤیا پیوسته در حال پرواز است تا اینکه بازگو شد، وقتی بازگو شد اتفاق می افتد».

قاعده بیست و یکم: تأخیر تعبیر

خواب وابسته به عواملی ممکن است، زود یا دیر تعبیر شود، از امام صادق (علیه السلام) سوال شد: تَحَقَّقْ تَعْبِيرَ خَوَابِ حَدَاكْثَرِ چقدر طول می کشد؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند: «خَمْسِينَ سَنَةً، لِأَنَّ النَّبِيَّ ص رَأَى كَأَنَّ كَلْبًا أَبْقَعَ وَلَغَ فِي دَمِهِ فَأَوَّلَهُ بِأَنَّ رَجُلًا يَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَ بَنِيهِ فَكَانَ الشُّمْرُ بْنُ ذِي الْجَوْشَنِ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَكَانَ أَبْرَصَ فَتَأَخَّرَتْ الرُّؤْيَا بَعْدَ خَمْسِينَ سَنَةً» (3) «پنجاه سال، چرا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سگ دورنگی را دید

ص: 107

- 1- . عوالي اللئالي، ج 1، ص: 79، ح 165
- 2- . مجمع البحرين، ج 6، ص: 181
- 3- . بحار الأنوار، ج 62، ص: 60 و 61؛ البته در (بحار الأنوار، ج 45، ص: 31) شصد سال آمده است: «قِيلَ لِلصَّادِقِ ع: كَمْ تَتَأَخَّرُ الرُّؤْيَا؟ فَذَكَرَ مَنَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَكَانَ التَّأْوِيلُ بَعْدَ سِتِّينَ سَنَةً». بستگی دارد اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اواخر عمر شریفشان این خواب را دیدند تعبیرش پنجاه سال طول کشیده اما اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ده سال قبل از وفاتشان دیده باشند شصت سال تعبیر به طول کشیده است. البته قول بدون مستندی هم نهایت تعبیر را چهل سال می داند: عن عبد الله بن شداد بن الهاد، قال: «كان بين رؤيا يوسف وبين تعبیرها أربعون سنة، وذلك أقصى منتهى الرؤيا». (تفسير القرآن العزيز المسمى تفسير عبدالرزاق، ج 1، ص: 276، ح 1272)، البته در بین مفسرین اختلاف است که بین خواب یوسف و تعبیر آن چند سال فاصله شد؛ 1. هجده سال (ابن إسحاق)، 2. بیست و دو سال (أبو صالح از ابن عباس)، 3. سی و پنج سال (قتاده)، 4. سی و شش سال (سعيد بن جبیر و عكرمة و سدي)، 5. چهل سال (سلمان فارسی و مقاتل و عبد الله بن شداد بن هاد)، 6. هفتاد سال (عبد الله بن شاذب)، 7. هشتاد سال (حسن و فضيل بن عياض)، ولی ظاهراً چهل سال صحیح باشد. رجوع: زاد المسیر فی علم التفسیر، ج 2، ص: 474

که خون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را می‌لیسد، و آن خواب را تعبیر فرمود که مردی فرزند دخترش یعنی حسین (علیه السلام) را می‌کشد، پس شمر بن ذی الجوشن قاتل امام حسین (علیه السلام) شد و برص (یعنی لک و پیسی) داشت، پس تعبیر خواب پنجاه سال به تأخیر افتاد».

یکی از عواملی که در تسریع و تأخیر تعبیر رؤیا اثر دارد، زمان خواب دیدن است، چرا که صبح روشنایی بوده و زمان منتشر شدن و تعبیر است (1)، و هرچقدر خواب به صبح نزدیک باشد به تعبیر نزدیک‌تر است، و زودتر تعبیر می‌شود. (2)

بنابراین رؤیای قیلولة زودتر از بقیه خواب‌ها تعبیر خواهد خود چون در طول روز است، چنانچه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «أسرعها تأويلاً رؤيا القيلولة». (3)

«سریع‌ترین رؤیاها از لحاظ تعبیر خواب قیلولة است».

ص: 108

1- . «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاساً وَ النَّوْمَ سُبَاتاً وَ جَعَلَ النَّهَارَ تُشُوراً» (الفرقان: 47)

2- . چنانچه علماء این حقیقت را مطرح کرده‌اند: قال ابن حجر في فتح الباري: ذكر الدينوري: «انّ رؤيا أول الليل يبطئ تأويلها و من النصف الثاني يسرع و إن أسرعها تأويلاً وقت السحر و لا سيما عند طلوع الفجر» (بحار الأنوار، ج 58، ص: 195)؛ في كتاب القادري: «ان الرؤيا عند المغرب و العتمة لا تصح و لا تقبل و لا تعبّر لأنها من الامتلاء، و في ثلث الليل لانها من البطنة و الغفلة، و في نصف الليل و لم يكن صاحبها ممتلئاً تخرج بعد خمسين سنة، و في الثلث الأخير من الليل تصح من شهر الى سنة؛ و عند طلوع الفجر الاول تخرج من شهر الى جمعة، و في الفجر المعترض تخرج من يوم الى جمعة، و عند طلوع الشمس تخرج في ذلك اليوم؛ و كذلك في الساعات الأقرب فالأقرب من النهار» (دار السلام للنوري، ج: 3، ص: 76)

3- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 195

علاوه بر زمان خواب دیدن، زشت و زیبا بودن تعبیر خواب هم در زمان تعبیر اثر دارد، چنانچه برخی از حکماء گفته‌اند: خوابی که تعبیرش بد باشد زود تعبیرش محقق می‌شود، چرا که رحمت خدا اقتضاء دارد مدت حزن و اندوه (از دیدن خواب تا تعبیر) طول نکشد، بر خلاف رؤیای حسنه که تعبیرش طول می‌کشد تا مدت بیشتری بندگان خدا شادی و منتظر بشارت باشند. (1)

یکی دیگر از عواملی که در زود یا دیر تعبیر شدن رؤیا نقش دارد، حالت شخص خوابیده (از لحاظ طهارت شرعی) است، چنانچه امام صادق (علیه السلام) درباره رؤیای بعد از دو سوم شب فرمودند: «...إِلَّا أَنْ يَكُونَ جُنُبًا أَوْ يَنَامَ عَلَى غَيْرِ طَهْوٍ وَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَقِيقَةَ ذِكْرِهِ فَإِنَّهَا تَخْتَلِفُ وَتُبْطِئُ عَلَى صَاحِبِهَا» (2) «مگر آنکه شخص جنب باشد یا بدون طهارت (وضوء یا تیمم) خوابیده باشد و خدا را آن طور که باید یاد نکرده باشد که آن خواب دگرگونی دارد و دیر تعبیر شود».

قاعده بیست و دوم: رؤیای مُخبر از حال یا آینده

گاهی رؤیا خبر از زمان حال می‌دهد و گاهی خبر از زمان آینده می‌دهد، با توجه به کیفیت خواب باید تشخیص داده شود که تعبیر خواب مربوط به

ص: 109

-
- 1- «قال بعض الحكماء: إنّ الرؤيا الرّديئة يقع تعبیرها عن قريب؛ لأنّ رحمة الله بعباده أن لا يعلمهم بسوء أو شرّ إلا قريبا من وقوعه لئلا تطول مدّة حزنهم، بخلاف الرؤيا الحسنة المبتدّرة، فإنّها تطول مدّة وقوع تعبیرها، ليكون السّرور الحاصل بها أكثر وأتمّ» (نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، ج 3، ص: 368)؛ همین معنی در: ضوابط الرؤیا، ص 124 الی 126
 - 2- . الکافی، ج 8، ص: 91، ح 62

زمان حاضر است یا آینده، یعنی اگر کسی در خواب خودش را مشغول عملی ببیند، تعبیر به زمان حال می‌شود، ولی اگر خودش را از ابتداء مشغول آن کار نبیند، بلکه اول خودش را پیش از آن عمل ببیند و بعد مشغول کاری شود تعبیر به آینده می‌شود، مثلاً اگر کسی خودش را مشغول بول کردن به دست خود ببیند، یعنی همین اکنون با محرمی رابطه زناشویی دارد، چنانچه شخصی به امام سجاد (علیه السلام) عرض کرد: در خواب دیدم که انگار به دست خودم بول می‌کنم، یعنی خود را مشغول ادرار کردن به دستم دیدم، حضرت فرمود: «تحتك محرم» «محرمی در نکاح تو است»، بررسی کردند دیدند که همسرش محرم رضاعی شخص است. (1) ولی اگر کسی اول خودش را ببیند و بعد از مدتی شروع به بول کردن کند، یعنی در آینده با محرم خود عقد نکاح خواهد بست.

از این رو اگر یوسف (علیه السلام) می‌دید خورشید و ماه در حال سجده هستند، معنایش این بود که اکنون دارای حکومت است و بر پدر و برادران ولایت دارد، ولی یوسف (علیه السلام) اول ماه و خورشید و ستارگان را دید در حالی که سجده نکرده بودند و بعد از آن دید که سجده می‌کنند، (2) چنانچه قرآن

ص: 110

1- . ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، ج 5، ص: 295، ح 44

2- . این نکته دقیق، یکی از دلیل‌های تکرار فعل «رأیت» در آیه شریفه است، که نحوی‌ها با دانش کم خود آن را تأکید محض می‌دانند، در حالی که حذفی یکی از دو فعل «رأیت» معنای خواب را دگرگون خواهد کرد. یعنی یوسف اول شمس و قمر را قبل از سجده می‌بیند و بعد سجده آنها را می‌بیند. عبارت «رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ» اشاره به دیدن خورشید و ماه قبل از سجده داشته و عبارت «رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» اشاره به حالت سجده خورشید و ماه دارد. یعنی یوسف نبی (علیه السلام) خورشید و ماه را دو بار دیده، یک بار در حالت عادی و بدون سجده و بار دوم در حال سجده.

می‌فرماید: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (1) «زمانی که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، من (در خواب) یازده ستاره و خورشید و ماه را (قبل از سجده کردن) دیدم، (سپس) دیدم که آنها برای من سجده می‌کنند.»

رؤیای صادقه از طرف خدا برای هدایت و بشارت و نظائر آن می‌باشد، بنابراین یا از آینده خبر می‌دهد یا از زمان حال و هرگز از گذشته خبر نمی‌دهد مگر برای منفعت و استفاده‌ای در زمان حال یا آینده، و کسانی که می‌گویند: «رؤیایها برای امور گذشته یا حال یا آینده هستند» (2)، شاید مرادشان همین باشد که گاه رؤیای صادقه از گذشته‌ای برای استفاده در آینده خبر می‌دهد.

قاعده بیست و سوم: لزوم تعبیر رؤیا به بهترین وجه

رؤیاهای صادقه از لحاظ تعبیر بر دو قسم هستند:

1. خوابی که خبر از یک رویدادی در زمان حاضر می‌دهد، که در اینجا معبر باید دقت کند «صحیح‌ترین تعبیر» را برگزیند، و اگر در برخی تعابیر شک دارد از صاحب خواب پرسیده و راهنمایی بخواهد، چون رویداد رخ داده است و صاحب رؤیا از گذشته و حال خود باخبر است (3).

چنانچه وقتی شخصی به «ابن سیرین» می‌گوید: در خواب دیدم که در نماز نوعی حلوا

ص: 111

1- . یوسف : 4

2- . ینابیع الشدی فی الأحلام و الرؤیا، ص 34؛ ضوابط الرؤیا، ص 139 الی 144

3- . «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (القیامة : 14) «بلکه انسان خود بر نفس خویشتن بیناست».

می‌خوردم. ابن سیرین گفت: حلوا حلال است ولی در موقع نماز جایز نیست بخوری، بعد از شخص پرسید: آیا وقتی روزه هستی همسرت را می‌بوسی؟ آن شخص گفت: آری، ابن سیرین گفت: (تعبیر خوابت این است) چنین کاری را (بعد از این) انجام نده. [\(1\)](#)

در اینجا ابن سیرین برای یقین از صحت تعبیر رریا از شخص سوال پرسید.

2. خوابی که خبر از رویدادی در آینده می‌دهد که در اینجا معبر تا حد امکان باید خواب را به «بهترین و نیکوترین وجه» تعبیر کند، چرا که ممکن است یک خواب تعبیرهای مختلفی داشته باشد که هر کدام تعبیر ارائه شود همان محقق خواهد شد. «حسن بن جهم» گوید: از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: «الرُّؤْيَا عَلَى مَا تُعَبَّرُ» «خواب مطابق تعبیر واقع می‌شود»، من عرض کردم: برخی از اصحاب ما روایت کرده‌اند که خواب پادشاه (مصر که خدا داستانش را در سوره یوسف (علیه السلام) بیان فرموده) از خواب‌های پریشان (و بی تعبیر) بوده (و به خاطر تعبیری که حضرت یوسف (علیه السلام) کرد واقعیت پیدا کرد)؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ امْرَأَةً رَأَتْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّ جِذْعَ بَيْتِهَا قَدْ انْكَسَرَ، فَاتَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَصَّتْ عَلَيْهِ الرُّؤْيَا، فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص: يَقْدَمُ زَوْجُكَ وَيَأْتِي وَهُوَ صَالِحٌ، وَقَدْ كَانَ زَوْجُهَا غَائِبًا، فَقَدِمَ كَمَا قَالَ النَّبِيُّ ص، ثُمَّ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا غَيْبَةً أُخْرَى، فَرَأَتْ فِي الْمَنَامِ أَنَّ جِذْعَ بَيْتِهَا قَدْ انْكَسَرَ، فَاتَتْ النَّبِيَّ ص فَقَصَّتْ عَلَيْهِ الرُّؤْيَا، فَقَالَ لَهَا: يَقْدَمُ زَوْجُكَ

ص: 112

وَيَأْتِي صَالِحًا، فَقَدِمَ عَلَى مَا قَالَ، ثُمَّ غَابَ زَوْجُهَا ثَالِثَةً فَرَأَتْ فِي مَنَامِهَا أَنَّ جِدْعَ بَيْنَهَا قَدْ انْكَسَرَ، فَلَقِيَتْ رَجُلًا أَعْسَرَ، فَقَصَصَتْ عَلَيْهِ الرُّؤْيَا، فَقَالَ لَهَا الرَّجُلُ السَّوْءُ: يَمُوتُ زَوْجُكَ، فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ص فَقَالَ: أَلَا كَانَ عَبَّرَ لَهَا خَيْرًا؟⁽¹⁾ «همانا زنی در زمان رسول خدا (صل الله علیه و آله و سلم) در خواب دید که ستون خانه اش شکست، پس به نزد رسول خدا (صل الله علیه و آله و سلم) آمد و خواب خود را نقل کرد، رسول خدا (صل الله علیه و آله و سلم) فرمود: شوهرت با حال خوشی از سفر می آید، و شوهر آن زن به سفر رفته بود، و چنانچه پیغمبر (صل الله علیه و آله و سلم) فرموده بود از سفر بازگشت. بار دیگر شوهر آن زن به سفری رفت و آن زن دوباره در خواب دید که ستون خانه اش شکست، باز نزد پیغمبر (صل الله علیه و آله و سلم) آمد و خوابش را گفت و حضرت (صل الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: شوهرت با خوشی از سفر می آید و چنان شد که پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) فرموده بود. برای بار سوم شوهرش به سفر رفت و آن زن (همان طور) در خواب دید که ستون خانه اش شکست، این بار مرد شومی را دیدار کرد و خوابش را برای او گفت، آن مرد بد سرشت به او گفت: شوهرت خواهد مرد، این خبر به گوش پیغمبر (صل الله علیه و آله و سلم) رسید فرمود: چرا این مرد خواب آن زن را خوب تعبیر نکرد!».

نکته: تعبیر نکردن رؤیا بسیار بهتر از شوم تعبیر کردن آن است، چنانچه

ص: 113

1- . الکافی، ج 8، ص: 335 و 336، ح 528؛ در منابع اهل تسنن آمده که آن مرد تعبیر کننده «ابوبکر» بوده است، «أَنَّ امْرَأَةً أَتَتْ النَّبِيَّ ص فَقَالَتْ: إِنِّي رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّ جَائِزَ بَيْتِي قَدْ انْكَسَرَ، فَقَالَ: يَرِدُّ اللَّهُ غَائِبُكَ، فَرَجَعَ زَوْجُهَا ثُمَّ غَابَ، فَرَأَتْ مِثْلَ ذَلِكَ، فَأَتَتْ النَّبِيَّ ص فَلَمْ تَجِدْهُ، وَوَجَدَتْ أَبَا بَكْرٍ فَأَخْبَرَتْهُ فَقَالَ: يَمُوتُ زَوْجُكَ، فَذَكَرْتَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ: هَلْ قَصَصْتَهَا عَلَى أَحَدٍ؟ قَالَتْ: نَعَمْ. قَالَ: هُوَ كَمَا قَالَ لَكَ» (النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 1، ص: 314). البته در برخی منابع اهل تسنن معبر را «عایشه» نام برده اند.

نقل شده که زنی با کودک شیرخوارش به حلقه درس ابن سیرین در مسجد آمد، از او جویا شد، یکی از شاگردان که به کم خردی مشهور بود به او گفت: برای چه آمده‌ای؟ زن گفت: به خاطر خوابی که در مورد این کودک دیده‌ام، گفت: چه دیده‌ای؟ زن گفت: در خواب دیدم که این کودک آب دریا را نوشید، شاگرد فوری تعبیر کرد و گفت: کیسه صفرایش می‌ترکد و می‌میرد، کودک در همان زمان فریاد زد و آخرین نفسش را کشید و مُرد، در حالی که مادرش گریه می‌کرد، ابن سیرین آمد و گفت: اگر او را به حال خود رها می‌کردید (و خوابش را تعبیر نمی‌کردید) به یکی از دانشمندان این مملکت تبدیل می‌شد، چون در دریا یاقوت و دُر و مرجان هست. (1)

قاعده بیست و چهارم: نقش زمان رؤیا در کیفیت تعبیر

هر چیزی که در معنای خواب اثر داشته باشد تعبیر آن را نیز تغییر خواهد داد، از این رو زمان و فصل خواب دیدن و شخص خواب بیننده و منطقه جغرافیایی خواب بیننده در برخی موارد در تعبیر خواب اثر دارد. مثلاً از آن جهت که عمده «میوه‌ها» در تابستان یا بهار هستند، بنابراین دیدن میوه در تابستان با دیدن میوه در زمستان تعبیر متفاوتی دارد. «آتش افروختن» در زمستان مایه گرما و نجات از رنج سرما است و در تابستان موجب رنج می‌شود، از این رو خواب «آتش روشن کردن» در تابستان و زمستان متفاوت است (گرچه برخی از معانی آتش، مثل فتنه متأثر از زمان نیست).

ص: 114

1- . رجوع: قواعد ناب در تعبیر خواب، ص 50

چنانچه نقل شده شخصی نزد «ابن سیرین» آمد و گفت: خواب دیدم در خانه من آتشی است، ابن سیرین گفت: برو در خانه‌ات بگرد گنجی پیدا می‌کنی، آن شخص رفت و گشت و گنج را پیدا کرد. مدتی گذشت شخص دیگری عین همین خواب را دید و تعبیر را از ابن سیرین پرسید، ابن سیرین گفت: سریع برو که خانه‌ات آتش گرفته است، آن شخص با عجله برگشت دید قسمتی از خانه‌اش آتش گرفته است، با زحمت آتش را خاموش کرد و سپس نزد ابن سیرین برگشت و از او دلیل تفاوت تعبیر دو خواب مثل هم را پرسید، ابن سیرین گفت: آن شخص در زمستان خواب دیده بود و آتش در زمستان نعمت است ولی شما در تابستان دیده‌ای که مایه زحمت است. (1)

همچنین شخصی به ابن سیرین گفت: در خواب دیدم هفتاد برگ شمارش شده از درختی به من دادند، ابن سیرین گفت: هفتاد چوب بر بدن تو می‌زنند، در همان هفته آن شخص هفتاد تازیانه خورد، سال دیگر همانمرد باز خواب دید که هفتاد برگ شمرده از باغی به وی دادند، پیش ابن سیرین آمد و خواب خود را گفت، ابن سیرین گفت: هفتاد دینار به تو می‌دهند، آن شخص گفت: من پارسال هم همین خواب را دیده بودم و تو به هفتاد تازیانه تعبیر کردی و امسال به هفتاد دینار تعبیر می‌کنی؟ ابن سیرین گفت: تو پارسال موقع پاییز و خزان آن خواب را دیده بودی که برگ درختان ریخته بود و درختان رو به نقصان بودند، اما امسال در فصل بهار

ص: 115

چنین خوابی دیدی که برگ درختان در حال رشد بوده و درختان رو به کمالند.⁽¹⁾

همچنین از ابراهیم کرمانی نقل شده: «برف به خواب دیدن در سردسیر دلیل بر خیر و نیکی کند، و در گرمسیر دلیل بر غم و اندوه و قحط است. اگر ببند برف به وقت خود می خورد بهتر از آن است که بی وقت بُد». ⁽²⁾ همچنین نقل شده: اگر کسی در روز خواب ببیند که بر روی فیل سوار شده زنش را طلاق می دهد اما اگر شب این خواب را ببیند به کار پر خطر و کم سودی می رسد، همچنین اگر شب ببیند مرغ سنگ خواری گرفت تعبیرش این است که کارش به نامردی بیفتد و اگر روز این خواب را ببیند بیمار می شود.⁽³⁾

ص: 116

1- . رؤیا از نظر دین و روانشناسی، ص 237؛ کَلِّیَّات تعبیر خواب، ص 18؛ البته در کتاب (کَلِّیَّات تعبیر خواب) هفتاد هزار درهم آمده و در کتاب (رؤیا) خواب شخص اینگونه مطرح شده: هفتاد قطعه چوب از درختی بریده و به من دادند. در (بانک جامع تعبیر خواب، ص 1699) داستان مشابهی آمده است: مردی نزد ابن سیرین آمد و گفت: در خواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم، ابن سیرین گفت: فردا تو را بر در سرای سلطان چهل چوب می زنند، روز دیگر وی را چهل چوب زدند، سال دیگر همین مرد به نزد ابن سیرین آمد و گفت: در خواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم، ابن سیرین گفت: چهل هزار درم نقره بیابی، مرد گفت: پارسال این خواب را دیده بودم و به گونه ای دیگر تعبیر کردی و امسال بر خلاف آن تعبیر می کنی؟ ابن سیرین گفت: پارسال درختان خشک بودند و خرما بر درخت نبود و امسال درختان سبزند و خرما بر درخت است، و یک هفته دیگر شخص چهل هزار درهم را یافت.

2- . کَلِّیَّات تعبیر خواب، ص 80

3- . کَلِّیَّات تعبیر خواب، ص 17؛ تفسیر الأحلام، ص 14 و 15

قاعده بیست و پنجم: نقش زمان در صدق و کذب رؤیا

زمان نقش بسزایی در صادقه و کاذبه بودن رؤیاها و همچنین دیر و زود تحقق یافتن رؤیای صادقه دارد، از این رو درباره خواب دیدن در ایام ماه (ظاهراً قمری) از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: اول: باطل است. دوم و سوم: بر عکس تعبیر می‌شود. چهارم و پنجم: با تأخیر تعبیر می‌شود (چند ماهه). ششم و هفتم و هشتم و نهم: صحیح است. دهم: کاذب و باطل است. یازدهم و دوازدهم: حسن (و با تأخیر) است. سیزدهم و چهاردهم: باطل و فاقد خیر و شر است. پانزدهم: صحیح است. شانزدهم و هفدهم: با تأخیر تعبیر می‌شود (سالیانه). هجدهم و نوزدهم: صحیح است. بیستم و بیست و یکم: دروغ است. بیست و دوم و بیست و سوم: سرور و شادی است. بیست و چهارم: برعکس است. بیست و پنجم و بیست و ششم: بر عکس تفسیر می‌شود. بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم و سیم: صحیح است. (1)

ص: 117

1- . دار السلام للنوری، ج 3، ص 76؛ احسن التقویم، ص 285؛ البته نقل شده: خواب در بیست و سوم، و بیست و چهارم، و بیست و نهم، باطله هستند. رجوع: دار السلام للنوری، ج 3، ص 75 و 76، شعر: روی الإمام الصادق ... و همچنین نقل شده: خواب در هفدهم، و بیست و سوم، و بیست و چهارم، کاذبه است. رجوع: العدد القویة، ص: 102 و 270 و 301؛ اما از سلمان فارسی درباره خواب دیدن روایت شده است: ششم: بعد از یک یا دو روز تعبیر می‌شود. نهم: همان روز تعبیر می‌شود. دهم: در مدت بیست روز تعبیر می‌شود. سیزدهم: بعد از نه روز تعبیر می‌شود. چهاردهم: بعد از بیست و شش روز تعبیر می‌شود. پانزدهم: بعد از سه روز تعبیر می‌شود. شانزدهم: بعد از دو روز تعبیر می‌شود. بیست و هشتم: همان روز تعبیر می‌شود. بیست و نهم: همان روز تعبیر می‌شود. (الدروع الواقیة، ص: 93 الی 163؛ بحار الأنوار، ج 56، ص: 60 الی 88)

از جابر مغربی نقل شده: هر گاه اول روز شنبه تعبیر خواب بپرسند تعبیرش شر است، و اگر اول روز یک شنبه بپرسند تعبیرش خیر است، و اگر اول روز دو شنبه بپرسند تعبیرش خیر و خرمی و حصول مراد است، و اگر اول روز سه شنبه بپرسند تعبیرش فتنه و غم است، و اگر اول روز چهار شنبه بپرسند تعبیرش بد است، و اگر اول روز پنج شنبه بپرسند تعبیرش سعادت و نیکویی و خرمی است، و اگر اول روز جمعه بپرسند تعبیرش سعادت است. (1)

قاعده بیست و ششم: وحشت از رؤیا

چه بسا ممکن است رؤیای برای خواب بیننده سنگین و وحشتناک به نظر بیاید، ولی تعبیرش خوب باشد، چنانچه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «إِنَّ الرُّؤْيَا لَيَسْتَعْلَى مَا تُرَى» (2) «تعبیر رؤیا آنگونه نیست که دیده می شود».

چنانچه شخصی پیش امام باقر (علیه السلام) آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تصمیم بر طلاق همسرم گرفتم، زیرا در خواب دیدم: انگار دو قوچ بر سر فرج همسرم به همدیگر شاخ می زنند. حضرت (علیه السلام) فرمود: «لا تطلقها، و ذلك أنها لما سمعت قدومك من السفر عمدت إلى ذلك الموضع فأخذت شعره بالمقراض» (3) «او را طلاق نده، زیرا (تعبیر

ص: 118

-
- 1- . کلیات تعبیر خواب، ص 21 و 22
 - 2- . الأموال للصدوق، ص: 82، مجلس 19، ح 1
 - 3- . دار السلام للنوری، ج: 1، ص: 200؛ مشابه همین خواب و همین تعبیر از ابن سیرین نیز نقل شده است: «من الرؤيا المعبرة أيضا أن رجلا أتى ابن سيرين، فقال: رأيت كلبين يقتتلان على فرج زوجتي، فقال: إنها أخذت المقراض، و جزت شعر فرجها» (حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص: 423)؛ همچنین مشابه همین خواب و تعبیر از کرمانی نقل شده: رأى الرشيد رؤيا فهمته، فوجه في الكرمانى بريدا، فلما أتاه و مثل بين يديه خلا- به و قال: بعثت فيك لرؤيا رأيتها. فقال: و ما هي؟ قال: رأيت كلبين ينهشان قبل جارية من جوارى. فقال له الكرمانى: ما رأيت إلا خيرا يا أمير المؤمنين، فقال له الرشيد: قل ما تراه و هات ما عندك، فقال له: هذه جارية دعوتها لتجامعها، و كان لا عهد لك معها بذلك، و كانت ذات شعر، فكرهت أن تحلق فتجد أثر الموصى، و كرهت أن تبقى على هيئتها، فأخذت جلما فحلقت بعض الشعر و تركت بعضه، فأشار الرشيد إليه بالقعود، و قام فدخل إلى نسائه، و دعا بتلك الجارية فساّرها مستفهما منها عن ذلك، فأقرّت به و صدّقت الكرمانى. (بهجة المجالس و أنس المجالس، ج: 2، ص: 149)

این رؤیا این است که) همسرت زمانی که شنیده تو از سفر باز می‌گرددی موه‌های آن قسمت (یعنی فرج) را با قیچی بریده است».

و چنانچه «ام الفضل بنت حارث» محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد: یا رسول الله، دیشب خواب بدی دیدم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «وَمَا هُوَ؟» «و آن خواب چیست؟» ام فضل گفت: خواب دردناکی است. باز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مَا هُوَ؟» «آن خواب چیست؟» ام الفضل گفت: دیدم انگار تکه‌ای از بدن شما بریده شد و در دامن من نهاده شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خَيْرًا رَأَيْتِ، تَلِدُ فَاطِمَةً غُلَامًا فَيَكُونُ فِي حَجْرِكَ» «خواب خوبی دیدی، فاطمه (سلام الله علیها) پسری به دنیا می‌آورد و (برای پرورش) در دامن تو گذاشته می‌شود». پس امام حسین (علیه السلام) از فاطمه (سلام الله علیها) به دنیا آمد و در دامن ام فضل قرار داده شد. (1)

همچنین از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که همسایگان «ام ایمن» خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و عرض کردند: یا رسول الله همانا ام ایمن دیشب از گریه نخوابیده، و تا صبح می‌گریست، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی را

ص: 119

پیش «ام ایمن» فرستاد، ام ایمن خدمت حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد، حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: «يَا أُمَّ أَيْمَنَ لَا أَبْكِي اللَّهَ عَيْنَيْكَ، إِنَّ جِيرَانِكَ أَنْوْنِي وَ أَخْبُرُونِي أَنَّكَ لَمْ تَزَلِي اللَّيْلَ تَبْكِينَ أَجْمَعُ، فَلَا أَبْكِي اللَّهَ عَيْنُكَ، مَا الَّذِي أَبْكَاكِ؟» «ام ایمن خدا دیده ات را نگریاند، همسایگان آمدند و به من گزارش دادند که تو همه شب را می گریستی، خدا دیده گانت را نگریاند، چرا می گریستی؟» عرض کرد: یا رسول الله، خواب بزرگ و هولناکی دیدم و همه شب را گریستم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فَقُصِّيهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أَعْلَمُ» «پس خوابت را به من بگو که خدا و رسولش بهتر می دانند» عرض کرد: برای من سخت است که آن را بگویم (از بس وحشتناک است)، حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) به وی فرمود: «إِنَّ الرُّؤْيَا لَيَسْتَعَلَى مَا تُرَى، فَقُصِّيهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ» «خواب چنان نیست که دیده می شود، آن را برای رسول خدا بگو» عرض کرد: شب گذشته در خواب دیدم که گویا عضوی از بدنت در خانه من افتاده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «نَامَتْ عَيْنُكَ، يَا أُمَّ أَيْمَنَ تَلِدُ فَاطِمَةُ الْحُسَيْنِ فَتُرِيْنَهُ وَ تَلِينَهُ فَيَكُونُ بَعْضُ أَعْضَائِي فِي بَيْتِكَ» «چشمت آسوده بخوابد، ای ام ایمن، فاطمه (سلام الله علیها) حسین (علیه السلام) را به دنیا می آورد و تو او را پرستاری می کنی و در آغوش می گیری و یکی از اعضای من در خانه تو باشد» چون حضرت فاطمه (سلام الله علیها) امام حسین (صلی الله علیه و آله و سلم) را به دنیا آورد و روز هفتم شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد سرش را تراشیدند و به وزن مویش نقره صدقه داد و عقیقه اش کرد و ام ایمن امام حسین (علیه السلام) را آماده نمود و در بُرد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیچید و نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آورد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مَرْحَبًا بِالْحَامِلِ وَ

الْمَحْمُولِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَاكَ»⁽¹⁾. «مرحبا به آورنده و آورده شده، ای ام ایمن این است تأویل خوابت».

در نقطه مقابل ممکن است شخصی تعبیر خواب خود را نیک بپندارد ولی تعبیرش بد باشد، چنانچه شخصی پیش امام باقر (علیه السلام) آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا، در خواب دیدم که درخت انگورم خریزه بار آورده است (در ظاهر خریزه و انگور تعبیرش نعمت است)، حضرت (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ امْرَأَتَكَ حَمَلَتْ مِنْ غَيْرِكَ» «زنت از غیر تو باردار شده است»، شخص موضوع را بررسی کرد و همانگونه بود که حضرت (علیه السلام) فرموده بود.⁽²⁾ و چنانچه رؤیای هم زندانی یوسف (علیه السلام) در ظاهر خوب بود: «قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ»⁽³⁾ «من خود را (به خواب) دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند.» حمل کردن نان و غذا خوردن پرندگان در ظاهر خوب است، ولی تعبیرش بر خلاف ظاهرش بد بود: «أَمَّا الْآخَرُ فَيَصَبُّ لَبُّهُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ»⁽⁴⁾ «اما دیگری به دار آویخته می شود و پرندگان از (مغز) سرش می خورند.»

از این رو برخی از معتبرین رؤیاهای صادقه را به چهار قسم تقسیم کرده اند: 1. محمود ظاهراً و باطناً، 2. محمود ظاهراً و مذموم باطناً، 3. مذموم ظاهراً و باطناً، 4. مذموم ظاهراً و محمود باطناً.⁽⁵⁾

ص: 121

1- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص: 82 و 83، مجلس 19، ح 1

2- . دار السلام للنوری، ج: 1، ص: 200

3- . یوسف: 36

4- . یوسف: 41

5- . قواعد تفسیر الأحلام، ص 137 و 138

معتبر باید به میزان (کمی و زیادی) و کیفیت اتفاقات رؤیا دقت کند، چرا که کمی و زیادی گاهی معنای خواب را عوض می‌کند، روغن اندک روی سر تعبیرش زینت است ولی روغن زیادی که بر صورت بریزد تعبیرش اندوه است، خنده بی صدا (یعنی تبسم) تعبیرش خوب است، و خنده با صدا تعبیرش اندوه است، زعفران تعبیرش ستایش است اما اگر رنگش در لباس یا بدن نمایان شود تعبیرش بیماری است، بریده شدن دست بدون جدا شدن از بدن تعبیرش بهره مند شدن از خویشان است، افتادن دست تعبیرش جدا شده یا مرگ یکی از خویشان است، ماهی اگر تعدادش مشخص باشد تعبیرش زن است ولی تعداد زیاد باشد تعبیرش غنیمت و مال است، گریه بی صدا تعبیرش شادی است ولی گریه با صدا تعبیرش مصیبت است، مریض اگر در خواب ببیند خوب شده و از خانه بیرون خارج شده و با کسی حرف نمی‌زند تعبیرش این است که می‌میرد ولی اگر ببیند با دیگران حرف می‌زند یعنی تعبیرش این است که سالم می‌شود، موش‌ها اگر یک رنگ باشند تعبیرشان زنان هستند، ولی اگر سیاه و سفید داشته باشند تعبیرشان شب و روز است، گردو تعبیرش مال پنهانی است اما اگر همراه با صدا باشد دشمنی است. ⁽¹⁾

چنانچه وقتی شخصی خواب دیده بود که خورشید بر سرش تابیده،

ص: 122

امام صادق (علیه السلام) تعبیر فرمودند: «تَمَالَ أَمْرًا جَسِيمًا وَذَوْرًا سَاطِعًا وَدِينًا شَامِلًا فَلَوْ غَطَّتْكَ لَا نَغَمَسْتَ فِيهِ وَلَكِنَّهَا عَطَّتْ رَأْسَكَ»⁽¹⁾ «توبه مقام بزرگ و نوری درخشان و مذهبی کامل نائل خواهی گشت، و اگر همه بدنت را فرا گرفته بود در آن غرق می شدی ولی تنها سرت را فرا گرفته بود». اما وقتی کسی در خواب دیده بود که خورشید بر پاهای او تابیده، حضرت (علیه السلام) چنین تعبیر فرمودند: «مَالٌ يَنَالُهُ نَبَاتٌ مِنَ الْأَرْضِ مِنْ بُرٍّ أَوْ تَمَرٍ يَطْوُهُ بِقَدَمَيْهِ وَيَتَّسِعُ فِيهِ وَهُوَ حَالِلٌ إِلَّا أَنَّهُ يَكُودُ فِيهِ كَمَا كَدَّ آدَمُ ع»⁽²⁾ «مالی از ناحیه گیاهان زمینی به او می رسد، مانند گندم یا خرما که (در اثر فراوانی) آن را زیر پای خود ریزد، و در آن توسعه یابد. و آن مال حلال باشد جز آنکه در آن رنج برد چنانچه آدم (علیه السلام) رنج برد».

قاعده بیست و هشتم: تعبیر در حق دیگران

قانون این است که خواب هر کس در حق خودش تعبیر شود، ولی گاهی دیگران در خواب انسان شریک شده⁽³⁾ و گاه فقط در حق دیگران تعبیر می شود، مثلاً خواب کودک در حق والدین و امثال ذلک (خویشاوندان، مثل: برادر و خواهر و والدین و فرزند و زوجین، و همچنین: مربی و ربیب، هم نام، دوست، همسایه، همکار⁽⁴⁾) تعبیر می شود. شاید به

ص: 123

1- . الکافی، ج 8، ص: 291، ح 445

2- . الکافی، ج 8، ص: 292، ح 446

3- . قواعد تفسیر الأحلام، ص 159 و 160

4- . تفسیر الأحلام، ص 9

این قاعده اشعار داشته باشد حدیثی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که در تفسیر «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (1) روایت شده: «هِيَ الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمُؤْمِنُ أَوْ تُرَى لَهُ» (2) «منظور از بشارت، رؤیای خوبی است که مؤمن می بیند، یا کسی دیگر برایش می بیند».

چنانچه از کرمانی نقل شده که گاه ممکن است خواب شخص برای فرزند یا برادرش تعبیر شود، و چه بسا خواب فرزند برای پدر یا مادر یا برادرش باشد، و خواب برده برای اربابش باشد. و از ابن سیرین نقل است که چون کسی خوابی ببیند که سزاوار و اهل آن نیست، تأویلش به کسی از خویشان او باز می گردد. (3)

چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «رَأَيْتَ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّ أَبَا جَهْلٍ أَتَانِي فَبَايَعَنِي» «در خواب دیدم که ابوجهل پیش من آمده و بیعت کرد» و با اسلام «عکرمه بن ابی جهل» تعبیر شد. (4) و وقتی فرزندش «عکرمه» مسلمان شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هو هذا» «ای تعبیر همان خواب است». همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خواب دید که «اسید بن عاص» امیر مکه شده و برای فرزندش «عتاب» تعبیر شد، که پیامبر او را والی مکه قرار داد. (5)

ص: 124

1- . یونس : 64

2- . الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ج 3، ص: 311؛ همین معنی از امام باقر (علیه السلام) در: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص: 182

3- . کلیات تعبیر خواب، ص 8 و 10

4- . إمتاع الأسماع، ج 8، ص: 136

5- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 222

«ابن وردی» در این باره می‌سراید:

«و العبد رؤیاه تخص لمولی * و ما تراه المرأة نال البعلا و انقل إلى الوالد رؤیا الطفل * إن كان هؤلاء غیر أهل» (1)

«و رؤیای نوکر مختص ارباب است، و آنچه زن ببیند به شوهرش می‌رسد، و رؤیای طفل را به کودک منتقل کن، اگر اینها (نوکر و زن و طفل) شایسته تعبیر آن رؤیا نباشند.

قاعده بیست و نهم: جزئیات رؤیا

همه اجزاء و قسمت‌های خواب در تعبیر دخیل هستند، از این رو معبر از «رنگ‌ها»، «عددها»، «چهره‌ها»، «اسامی»، «صنف»، «نوع اشیاء و حیوانات»، «طبع»، «ویژگی» و تک تک جزئیات نباید غفلت کند. همچنین خواب بیننده هم باید خواب را به صورت کامل و دقیق و با همه جزئیات مطرح کند و چیزی بر آن نیفزاید و چیزی از آن نکاهد، چنانچه روایت شده که شخصی پیش امام صادق (علیه السلام) آمد و (خوابش را ناقص تعریف کرده و) گفت: در خواب دیدم انگار در دستم گنجشکی آمد. حضرت (علیه السلام) فرمود: «تنال عشرة دنانیر» «ده دینار به دست می‌آوری». آن شخص رفت ولی نه دینار به دستش آمد، پیش امام صادق (علیه السلام) آمد و جریان را گفت، حضرت (علیه السلام) فرمود: «اقصص علیّ الرؤیا ثانیاً» «خوابت را بار دیگر برایم بگو»، شخص گفت: در خواب دیدم در دستم گنجشکی است که من آن را

ص: 125

می‌بوسم ولی دُم ندارد. حضرت (علیه السلام) فرمود: «لو كان له ذنب، لكانت الدنانير عشرة»⁽¹⁾ «اگر دم داشت دینارها ده تا می‌شد».

همچنین زنی به ابن سیرین گفت: در خواب مردی را دیدم که غل و زنجیر به پا و قیدی در گردن داشت، ابن سیرین گفت: چنین خوابی نمی‌شود، چون قید در گردن تعبیرش پایداری در دین و ایمان است و غل و زنجیر در پا تعبیرش کفر و نفاق است⁽²⁾، و مؤمن کافر نیست. آن زن گفت: به خدا چنین خوابی با حال خوبی دیدم، انگار به ساجوری⁽³⁾ که به گردشش بود، نگاه می‌کردم. ابن سیرین گفت: الا این فهمیدم، چون ساجور از چوب است، و چوب در خواب منافق است⁽⁴⁾.

بنابراین معبر باید به همه جزئیات دقت نظر داشته باشد و تمام قرائن را کنار هم مد نظر بگیرد و رؤیا را تجزیه نکند، بلکه متکامل تعبیر کند.

قاعده سیم: اعداد در رؤیا

تعبیر اعداد در خواب همان عدد است، چنانچه «ابو عماره طیار» گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم، در خواب دیدم مثل اینکه یک نیزه ای دارم.

ص: 126

-
- 1- . حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص: 166
 - 2- . عن رسول الله (صل الله عليه وآله وسلم): «أَحَبُّ الْقَيْدِ فِي النَّوْمِ وَ أَكْرَهُ الْغُلِّ، الْقَيْدُ ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ» (بحار الأنوار، ج 58، ص: 192، ح 67) یعنی: قید را در رؤیا دوست دارم و غل را در رؤیا ناپسند می‌دانم، قید پایداری در دین است.
 - 3- . ساجور: تکه چوبی که با ریسمان به گردن سنگ ببندند. فرهنگ فارسی عمید، واژه: ساجور
 - 4- . تفسیر الأحلام، ص 19 و 20

حضرت (علیه السلام) پرسید: «كَانَ فِيهَا زُجٌّ؟» (زُجٌّ 1) داشت؟» گفتم: نه. حضرت (علیه السلام) فرمود: «لَوْ رَأَيْتَ فِيهَا زُجًّا لَوُلِدَ لَكَ غُلَامٌ، وَلَكِنْ تَوَلَّدَ جَارِيَةٌ» (اگر در آن زج بود، پسری برای تو متولد می شد، ولی دختری زاده خواهد شد). بعد حضرت (علیه السلام) مقداری سکوت کرد و آنگاه فرمود: «كَمْ فِي الْقَنَآةِ مِنْ كَعْبٍ؟» (در نیزه چند بند وجود داشت؟) گفتم: دوازده بند. حضرت (علیه السلام) فرمود: «تَلِدُ الْجَارِيَةُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ بِنْتًا» (دخترت، دوازده دختر خواهد زایید). محمد بن یحیی می گوید: این داستان را به عباس بن ولید گفتم، او گفت: من پسری از آن دختران هستم و یازده خاله دارم و ابو عماره جد مادرم است. (2)

و چنانچه «یاسر خادم» گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: من در خواب دیدم قفسی را که گویا هفده شیشه در آن بود، و به ناگاه آن قفس افتاد و شیشه ها شکست، حضرت (علیه السلام) فرمود: «إِنْ صَدَقَتْ رُؤْيَاكَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلِكُ سَبْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا ثُمَّ يَمُوتُ» (اگر خواب تو درست باشد مردی از خاندان من خروج می کند که هفده روز سلطنت کرده و سپس می میرد)، راوی گوید: پس محمد بن ابراهیم به همراهی ابی السرایا در کوفه خروج کرد و هفده روز سلطنت کرده و سپس مرد. (3)

اما گاهی اعداد به صورت رمزی در خواب ارائه می شوند، مثلاً: شخصی

ص: 127

1- . زُجٌّ: [مقابل سنان] قطعه آهن نوک تیز که در انتهای نیزه نصب می کردند، پیکان، آهن بن نیزه. (فرهنگ فارسی عمید، واژه: زج؛ لغت نامه دهخدا، واژه: زج)

2- . الخرائج و الجرائح، ج 2، ص: 638 و 639، ح 43

3- . الکافی، ج 8، ص: 257، ح 370

به ابن سیرین گفت: در خواب دیدم که خروسی درب خانه شخصی صدا کرده و شعری می‌سرود: «قد کان من رب هذا البیت ما کانا * هیوا لصاحبه یا قوم أکفانا»، ابن سیرین (با توجه به معنای شعر) گفت: صاحب خانه بعد از سی و چهار روز خواهد مرد، و همین گونه شد. عدد سی و چهار عدد «دیک: خروس» بر حساب ابجد است، (د=4، ی=10، ک=20). (1)

همچنین زنی پیش ابن سیرین آمد و گفت: در خواب دیدم سنّوری (یعنی گربه‌ای) سرش را به شکم شوهرم برد و یک قسمت (از بدنش) را برداشت، ابن سیرین به آن زن گفت: از شوهرت سیصد و شانزده درهم دزدیده شده است، زن گفت: راست گفتی، از کجا (مبلغ مال مسروقه را) فهمیدی؟ ابن سیرین گفت: از حروف ابجد سنور، سین شصت، نون پنجاه، واو شش، راء دویست، و جمعاً می‌شود سیصد و شانزده. زن گفت: گربه سیاه بود، ابن سیرین گفت: دزد برده‌ای در همسایگی شما است. برده سیاهی در همسایگی خود بود زدند تا به دزدی آن مال اقرار کرد. (2)

همچنین شخصی به ابن سیرین گفت: در خواب دیدم که خروسی گفت: «اللّٰه اللّٰه اللّٰه»، ابن سیرین گفت: از عمرت سه روز مانده است، و همانگونه شد و شخص بعد از سه روز مُرد. (با توجه به تکرار سه باره واژه: الله). (3)

ص: 128

1- . حياة الحيوان الكبرى، ج 1، ص: 485

2- . البداية و النهاية، ج 9، ص: 275 (نکته: حروف مشدّد در حساب ابجد یک بار محاسبه می‌شوند نه دوبار).

3- . حياة الحيوان الكبرى، ج 1، ص: 485

انسان‌های پیرامون ما به دو شکل در رؤیای ما ظاهر می‌شوند:

1. به شکل انسانی خودشان بوده و قابل شناسایی هستند، معمولاً انسان‌های مرده به شکل خودشان به خواب ما می‌آیند، چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صِفَةِ الْأَجْسَادِ فِي شَجَرَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ»⁽¹⁾ «همانا روح‌های انسان‌های مرده به شکل بدنشان در درختی در بهشت هستند». همچنین افرادی که معاشرت فراوان با آنها داریم، معمولاً به شکل خودشان در رؤیای ما ظاهر می‌شوند⁽²⁾، البته ممکن است افرادی دیگری (غیر از مردگان و دوستان و خویشان نزدیک) هم به شکل خودشان در رؤیای ما ظاهر شوند. و از این نوع رؤیا بسیار است، چنانچه پدر شیخ بهایی (رحمه الله) یک روز صبح خدمت شهید ثانی (رحمه الله) می‌رسد و می‌بیند که شهید ثانی (رحمه الله) در فکر فرشته، از دلیل تفکر می‌پرسد، شهید ثانی (رحمه الله) می‌فرماید: ای برادر، گمان می‌کنم «ثاني الشهيدین» شوم، چرا که دیشب در رؤیا دیدم سید مرتضی (رحمه الله) ضیافتی بر پا کرده و همه علمای شیعه را در آن جمع کرده، وقتی من وارد جلسه شدم، سید مرتضی (رحمه الله) بلند شد و به من خوش

ص: 129

1- من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص: 193، ح 593

2- انسان‌ها با توجه به اهداف و رفتاری که نسبت به زندگی ما دارند، در رؤیا ظاهر می‌شوند، از آنجا که مردگان دستشان از دنیا کوتاه شده و رفتاری نسبت به زندگی ما ندارند به شکل خودشان ظاهر می‌شوند، و همچنین خدا از باب ستار العیوبی دوستان و خویشان نزدیک را به شکل مادی و انسانی خودشان نشان می‌دهد.

آمدگویی کرد، و به من گفت: کنار شیخ شهید (یعنی شهید اول) (رحمه الله) بنشین، من هم کنار وی نشستم، وقتی جلسه کامل شد از خواب بیدار شدم، و این رؤیای من دلیلی روشن بر این است که من دنباله روی شهید در شهادتم. (1)

2. به شکل موجودات دیگری (نظیر: حیوانات، اجرام) آمده و قابل شناسایی نیستند (2)،

و باید با تعبیر رؤیا فهمید که مثلاً منظور از گربه چه کسی و کدام شخص است. چنانچه «حجاج» در خواب دید که دو چشمش کنده شدند، (بعد از بیداری، دو همسرش) هند بنت مهلب و هند بنت اسماء بن خارجه را طلاق داد (به گمان اینکه تعبیر خوابش همین است)، ولی مدتی نگذشت مگر اینکه خبر مرگ برادرش محمد آمد در روزی که پسرش محمد مُرد، پس حجاج گفت: به خدا قسم این تعبیر رؤیای پیشین من است، انا لله و انا الیه راجعون، دو محمد در یک روز (مُردند). (3)

یک فرد ممکن است در چندین رؤیا با توجه به محتوای رؤیا و رفتاری که در رؤیا انجام می‌دهد، به چندین شکل تجسم پیدا کند، مثلاً ممکن

ص: 130

1- . سفینه البحار، ج 4، ص: 527

2- . دقت شود که انسان در رؤیا یا به شکل خودش و یا به شکل موجودی غیر از انسان مجسم می‌شود، اما در رؤیای «عینی غیر محض» شخصی بالاتر در رؤیا نشان داده می‌شود و در بیداری انسانی پایین‌تر آن را تعبیر می‌کند، نه اینکه انسان پایین‌تر به شکل انسان بالاتر تجسم پیدا کند، پس انسان به دو شکل (خود و غیر انسان) مجسم می‌شود نه به سه شکل (خود و انسان بالاتر و غیر انسان). (دقت شود).

3- . ربیع الأبرار و نصوص الأخیار، ج 5، ص: 141، ش 109

است شخصی یک بار به شکل سگ دیده شود چون هدف او دشمنی و آسیب رساندن است، و همان شخص بار دیگر درخت میوه‌دار دیده شود، چرا که دانشی به شما می‌آموزد، پس با توجه به محتوای رؤیا، افراد به اشکال مختلفی دیده می‌شوند، مثلاً: یوسف (علیه السلام) برادران خود را به صورت «ستاره» دید، «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا» (1) «زمانی را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را دیدم»، ولی یعقوب نبی (علیه السلام) برادران یوسف (علیه السلام) را به شکل «گرگ» دید، یعقوب نبی (علیه السلام) در رؤیا دید ده گرگ (منهای بنامین) یوسف (علیه السلام) را احاطه کرده بودند و می‌خواستند وی را بکشند و از این رو به فرزندانش گفت: «وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ» (2) «می‌ترسم گرگ او را بخورد». «بلنسی» بعد از نقل رؤیای یعقوب (علیه السلام) سوال و جوابی جالبی را مطرح می‌کند: چرا یوسف (علیه السلام) برادرانش را به شکل ستاره دیده ولی یعقوب (علیه السلام) آنها را به شکل گرگ دید؟ چون یوسف (علیه السلام) آنها را موقع توبه دید (یعنی تعبیر رؤیای یوسف (علیه السلام) مربوط به بعد از توبه آنها بود) ولی یعقوب (علیه السلام) آنها را موقع گناه دید (تعبیر رؤیای یعقوب (علیه السلام) مربوط به زمان گناه آنها بود) و این گویای این نکته است که انسان گنهکار با توجه به گناهش به شکل حیوان (نظیر: گرگ و سگ و ..) است، ولی وقتی با توبه پاک شد حقیقتش نورانی خواهد شد. (3)

ص: 131

1- . یوسف : 4

2- . یوسف: 13

3- . تفسیر مبهمات القرآن، ج 2، ص: 42

معبّر در تعبیر رؤیا می تواند از نکات جانبی (غیر از محتوای رؤیا) بهره بجوید، مثل: 1. اسم خواب بیننده، که اگر اسمش نیک باشد (مثل: احمد و علی و نعمت و صالح) تعبیر نیکی دارد و اگر اسمش بد باشد تعبیرش بد خواهد بود، 2. اتفاقات پیرامون موقع بازگو کردن رؤیا برای تعبیر، مثلاً وقتی شخصی تعبیر خواب پرسید معبّر همان لحظه الاغ یا قاطر یا اسب ببیند تعبیر خواب خیر است و چه بسا دلالت بر سفر می کند⁽¹⁾، 3. زمان بازگو کردن رؤیا، 4. چهره خواب بیننده موقع بازگویی رؤیا، و ... از همین باب است که گفته شده: اگر موقع بازگو کردن رؤیا توسط شخص، کلاغ یک یا سه یا چهار یا شش بار غار کند تعبیر رؤیا خیر است، ولی اگر دو بار غار کند تعبیرش بد است، چنانچه ابن عباس گوید: اگر کلاغ سه بار غار غار کند نیک و اگر دو بار غار کند بد است.⁽²⁾

از جابر روایت شده که: «مردی خوابی دیده بود، از عبد الله (بن) عباس تعبیر پرسید، و در آن وقت کلاغی پیامده و بر دیوار خانه آن مرد بنشست و دو بار بانک کرد و پرید (ورفت)، عبد الله (بن) عباس گفت که این خواب دلیل بر مضرت و اندوه است که به تو رسد، پس در آن هفته دزدی دیوار خانه او را سوراخ کرد و آنچه داشت، جمله را ببرد».⁽³⁾ همچنین گفته شده که

ص: 132

1- . کلیّات تعبیر خواب، ص 14

2- . تفسیر الأحلام، ص 30

3- . کلیّات تعبیر خواب، ص 14

وقتی تعبیر رؤیا بر معبر مشتبه شد به صاحب خواب بگوید که روز شنبه اول روز بیرون بیاید و نام اولین شخصی که با او دیدار کرد را به خاطر بسپارد و اگر نام آن شخص از اسامی انبیاء (علیهم السلام) باشد رؤیا حسنه و گرنه رؤیا تعبیر بدی دارد. (1) همچنین باید به کلماتی که (علاوه بر معنی) خواب بیننده با آنها رؤیایش را بیان می کند دقت کرد و از لابلاهای آنها نکاتی را استنباط کرد.

قاعده سی و سوم: یک رؤیا و چندین پیام

گاهی یک خواب بر چندین رویداد دلالت می کند، یعنی یک رؤیا پیام های متعددی داشته باشد، و گاه چندین رؤیا ممکن است گویای یک حقیقت باشند. (2)

اما معبر باید دقت کند وقتی یک رؤیا به چندین شکل دیده می شود، هر بار علاوه بر پیام مشترک ممکن است پیام متفاوتی هم در بر داشته باشد، به عنوان مثال عزیز مصر یک بار هفت گاو چاق و هفت گاو لاغر می بیند، و بار دیگر هفت سنبل سبز و هفت سنبل خشک می بیند، هر دو این خواب های گویای یک حقیقت مشترکند و آن قحطی هفت ساله مصر است: «يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سَوِيَّاتٍ يَأْكُلُهَا سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ» (3) «ای یوسف، ای مرد راستگوی، در باره [این خواب که] هفت گاو فربه، هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند، و هفت

ص: 133

1- . تعطير الأنام، ص 13

2- . قواعد تفسير الأحلام، ص 146؛ ضوابط الرؤيا، ص 235

3- . يوسف : 46

خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر؛ به ما نظر ده». اما علاوه بر نکته و پیام مشترک، هر خواب گویای یک حقیقت متفاوت نیز هست، رؤیای هفت سنبل خبر از قحطی در امور زراعی و کشاورزی دارد، یعنی مردم نمی‌توانند زراعت داشته باشند، و رؤیای هفت گاو خبر از قحطی در بین احشام و حیوانات دارد، چرا که ممکن است یک سال به خاطر جویا بارندگی خاصی کشاورزی مختل شود ولی وجود علوفه باعث پایداری حیوانات و احشام شود، چنانچه در برخی سال‌ها سرما محصولات کشاورزی را نابود می‌کند ولی علوفه برای احشام و حیوانات وجود دارد. پس اگر عزیز مصر فقط رؤیای هفت سنبل را می‌دید می‌شد تعبیر به آفت زراعت و سرمازدگی هفت ساله کرد، ولی ترکیب این دو رؤیا با هم گویای این است که قحطی مصر همه جانبه خواهد بود، نه از روی سرما زدگی و آفات احشام یا آفات زراعت.

قاعده سی و چهارم: علت کابوس‌ها

کابوس‌ها منشأهای مختلفی ممکن است داشته باشند، مثل: بیماری⁽¹⁾، پرخوری، ترس در بیداری، هیجانات شدید منفی در بیداری، تنها خوابیدن، القاءات شیطانی در خواب.

اما یکی از ریشه‌های کابوس «گناه» و جنایاتی است که شخص در زندگی خود انجام می‌دهد و این کابوس‌ها در واقع کفاره و مجازاتی برای

ص: 134

1- «همه محققان عقیده دارند که امراض قلبی ریوی شخص را گرفتار کابوس‌های گوناگون می‌کند» (تعبیر خواب (فروید)، ص 41)

گناهکار است که اگر شخص شایسته مغفرت باشد با کابوس ممکن است پاک شود، چنانچه امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «أَذْنَى مَا يُصَدِّعُ بَوْلِيْنَا أَنْ يَرِيَهُ اللَّهُ رُؤْيَا مَهُولَةً فَيَصْدَبِحَ حَزِينًا لِمَا رَأَاهُ فَيَكُونَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لَهُ» (1) «کمترین کاری که با دوست‌دار ما انجام می‌شود این است که خدا به او رؤیای وحشتناک نشان داده و شخص با به خاطر و یایی که یده با ناراحتی بیدار می‌شود، و این کفاره‌ای برای او خواهد بود».

همچنین کابوس‌ها زنگ هشدار برای نشان دادن انحرافات و گناهان شخص بوده و به منزله ترمزی برای جلوگیری از گناه هستند، چنانچه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «الرؤيا المكروهة زاجرة زجرک الله بها» (2)

«رؤیاهای ناخوشایند جلوگیری کننده هستند که خدا با آن تو را (از بدی و گناه) باز می‌دارد».

هر نوع کابوس نشانگر گناه خاصی است، چنانچه شخصی در خواب زنی را (به صورت وحشتناک و کابوس) در خواب می‌بیند، و از ترس خواب با فریاد از خواب بلند می‌شود، (برای حلّ مشککش) فردی را پیش امام صادق (علیه السلام) می‌فرستند، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اذْهَبْ فَقُلْ: إِنَّكَ لَا تُؤَدِّي الزَّكَاةَ» «برو و به او بگو: تو زکات را پرداخت نمی‌کنی»، نماینده آن شخص جواب داد: چرا، به خدا قسم پرداخت می‌کند، حضرت (علیه السلام) فرمودند: «قُلْ لَهُ: إِنْ كُنْتَ تُؤَدِّيَهَا لَا تُؤَدِّيَهَا إِلَى أَهْلِهَا» (3)

ص: 135

1- . بحار الأنوار، ج 27، ص: 137، ح 139

2- . دار السلام للنوری، ج: 4، ص: 163

3- . المحاسن، ج 1، ص: 87، ح 27

«به او بگو: اگر پرداخت می کند به اهلش پرداخت نمی کند».

قاعده سی و پنجم: دفع شر رؤیای مکروه

رؤیای مکروه دو معنی دارد:

1. رؤیایی که برگرفته از شیطان باشد.
2. رؤیایی که الهی بوده ولی خبر از واقعه ناگواری در آینده می دهد.

برای دفع رؤیای ناگوار ادعیه و راهکارهای نقل شده:

1. پهلوی به پهلوی شدن و آیه و دعا خواندن. چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِذَا رَأَى الرَّجُلُ مَا يَكْرَهُ فِي مَنَامِهِ فَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ شِقْمَةِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ نَائِمًا وَ لِيَقُلْ: (إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ) (1) ثُمَّ لِيَقُلْ: عُذْتُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (2) «وقتی کسی در رؤیا چیز ناخوشایندی ببیند از پهلویی که بر آن خوابیده به پهلوی دیگر بچرخد و بگوید: (إِنَّمَا النَّجْوَى ..) سپس بگوید: عُذْتُ ... الرَّجِيمِ».

ص: 136

1- المجادلة: 9

- 2- . الكافي، ج 8، ص: 142، ح 106؛ در (عدة الداعي، ص: 278) چنین آمده است: عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ع: «إِذَا رَأَى أَحَدُ الرُّؤْيَا الْمَكْرُوهَةَ فَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ شِقْمَةِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ وَ لِيَقُلْ: (إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ عَمَلِ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ بِمَا عَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ شَرِّ رُؤْيَايَ أَنْ تَضُرَّيَنِي فِي دِينِي أَوْ دُنْيَايَ وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)».

2. دعا و سه بار تف کردن. چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به فاطمه زهراء (علیه السلام) فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَقُولِي: أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ رُؤْيَايَ الَّتِي رَأَيْتُ أَنْ تَضُرَّنِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ، وَ أَتَقْلِبِي عَلَى يَسَارِكِ ثَلَاثًا» (1) «وقتی چیز از این (رؤیاهای شیطانی) دیدی، بگو: اَعُوذُ ... وَ دُنْيَايَ، و سه بار به طرف چپ تف کن».

3. دعا و صلوات. بلافاصله بعد از بیدار شدن به سجده رود و ثنای خدا گوید و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آلش صلوات بفرستد و به درگاه الهی زاری کرده و از خدا سلامت عاقبت بخواهد، به فضل و رحمت الهی ضرری نخواهد دید. (2)

4. دعا و قرآن و تف کردن. جبرئیل (علیه السلام) به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشت: «يَا مُحَمَّدُ إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ: أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ، وَ يَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ يَتَّقُلْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ تَفَلَّاتٍ، فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ مَا رَأَى» «ای محمد چون خواب بدی دیدی یا یکی از مؤمنان خواب بد دید، بگوید: (اَعُوذُ ... رُؤْيَايَ) و سوره حمد و

ص: 137

1- . فلاح السائل و نجاح المسائل، ص: 290؛ البته در (الكافي، ج 8، ص: 142 و 143، ح 107) چنین آمده است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِفَاطِمَةَ (عليه السلام) فِي رُؤْيَاهَا الَّتِي رَأَتْهَا: «قُولِي: (أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنْ يُصِيبَنِي مِنْهُ سُوءٌ أَوْ شَيْءٌ أَكْرَهُهُ) ثُمَّ انْقَلِبِي عَنْ يَسَارِكِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ».

2- . عدة الداعي، ص: 277

مَعْوَدَتَيْنِ (ناس و فلق) و قل هو الله أحد را بخواند و سه بار به سمت چپ تف بیندازد، چرا که (اگر چنین کند) آنچه در خواب دیده به او
زیانی نرساند». (1)

5. تف و تعویذ و نگفتن. از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى رُؤْيَا مَكْرُوهًا فَلْيَنْفُلْ عَنْ يَسَارِهِ وَ لِيَتَعَوَّذَ مِنَ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّهَا، وَ لَا يُحَدِّثُ بِهَا أَحَدًا فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ» (2). «خواب‌های نیک از جانب خداست، پس هر گاه کسی خواب محبوبی دید آن را بازگو نکند مگر برای انسان محبوبی و اگر خواب بدی دید از جانب چپش آب دهانی بیندازد و از شرّ شیطان و شرّ آن خواب، به خدا پناه ببرد و آن را برای کسی نقل نکند که ضرری به او نخواهد رساند».

6. کتمان و تف و استعاذه. ابوقیاده گوید: من رؤیا می‌دیدم و مرا مریض می‌کرد تا اینکه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم می‌... فرمود: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى مَا يَكْرَهُ فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ وَ لِيَنْفُلْ (لِيَتَفَلَّ) عَنْ يَسَارِهِ وَ لِيَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَى فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ» (3) «روایای شایسته از خدا است، پس وقتی یکی از شما چیزی ببیند که دوست دارد، جز به کسی

ص: 138

1- . تفسیر القمی، ج 2، ص: 356

2- . عدة الداعي، ص: 277 و 278

3- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 174

که دوستش دارد نگوید، و وقتی چیزی که ناپسند است ببیند به هیچ کس نگوید و به طرف چپ تف کرده و از شیطان و شر رؤیایی که دیده به خدا پناه برد که در این صورت برایش ضرری نخواهد داشت».

7. بلند شدن و نماز خواندن و پنهان کردن. از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «الرُّؤْيَا ثَلَاثَةٌ... فَإِنْ رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يَكْرَهُ فَلْيَقُمْ فَلْيُصَلِّ وَلَا يُحَدِّثْ بِهِ النَّاسَ» (1) «رؤیا بر سه قسم است ... پس اگر کسی از شما رؤیایی دید که بدش می آید باید بلند شده و نماز بخواند و آن را به مردم نگوید». همچنین برای اینکه انسان رؤیاهای شیطانی ندیده و در خواب محتمل نشود، نیکو است که به خدا پناه برده و قرآن و دعا بخواند، چنانچه از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «إِذَا خِفْتَ الْجَنَابَةَ فَقُلْ فِي فِرَاسِكَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ» (2) «اگر از جنب شدن ترسیدی در بستر خوابت بگو: اللَّهُمَّ ... الْمَنَامِ».

قاعده سی و ششم: آداب رؤیای حسنه

وقتی انسان رؤیای حسنه و نیکو دید، بهتر است: اولاً: حمد و ستایش خدا را بابت رؤیای نیک بگوید، ثانیاً: تعبیر کند تا تحقق پیدا کند، ثالثاً: به دوستان عالم و خالی از حسادت بگوید تا شاد شوند. چنانچه از پیامبر

ص: 139

1- . صحیح مسلم، کتاب الرویا، ب 1، ح 9 [5798]

2- . من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص: 471، ح 1358

اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلْيُحَدِّثْ بِهَا، وَ إِذَا رَأَى غَيْرَهُ مَا يَكْرَهُ فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا، وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّهَا لَا تَنْصُرُهُ» (1) «وقتی یکی از شما رؤیایی ببیند که دوستش دارد پس این رؤیا از خدا است، پس باید بابت آن رؤیا ستایش خدا کند و آن را بگوید، و اگر رؤیایی جز آن از رؤیاهایی ناخوشایند ببیند پس چنین رؤیایی از شیطان است، پس باید از شرش به خدا پناه ببرد و برای کسی آن را بازگو نکند که در این صورت ضرری نخواهد داشت».

همچنین از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةَ فَلْيُفَسِّرْهَا وَلْيُخْبِرْ بِهَا، وَإِذَا رَأَى الرُّؤْيَا الْقَبِيحَةَ فَلَا يُفَسِّرْهَا وَلَا يُخْبِرْ بِهَا» (2) «هر گاه یکی از شما خواب خوبی دید، آن را تعبیر کند و برای دیگران بازگو کند و اگر خواب بدی دید، آن را تعبیر نکند و به کسی هم نگوید».

قاعده سی و هفتم: کاهشی رؤیا با قوت علم و ایمان

هرچقدر انسان در ایمان و علم بیشتر قوت بگیرد و حقایق در بیداری برایش آشکار شود، کمتر نیاز به خواب دیدن داشته و کمتر رؤیا می بیند. شخصی به نام «ابا علی، حسن (یا حسین) بن عبدالله» که مسلمان و اهل

ص: 140

1- . الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ج 3، ص: 312

2- . کنز العمال: ج 15 ص 364 ح 41392

عبادت بوده ابتداء خواب‌های نیکو بسیار می‌دیده است، اما وقتی توسط امام کاظم (علیه السلام) به امامت شناسی و مذهب شیعه رهنمون و هدایت شد، رؤیاهایش کم شد، شبی در خواب امام صادق (علیه السلام) را دید و از اینکه دیگر خواب خوب نمی‌بیند، شکایت کرد، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لَا تَغْتَمَّ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا رَسَخَ فِي الْإِيمَانِ رُفِعَ عَنْهُ الرُّؤْيَا» (1) «اندوهگین نباش، چرا که مؤمن وقتی در ایمان استوار شود رؤیایش کم می‌شود».

چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «لَا يَحْزَنُ أَحَدُكُمْ أَنْ تُرْفَعَ عَنْهُ الرُّؤْيَا، فَإِنَّهُ إِذَا رَسَخَ فِي الْعِلْمِ رُفِعَتْ عَنْهُ الرُّؤْيَا» (2) «کسی از شما برای اینکه خواب دیدن از او برداشته شده است ناراحت نباشد، زیرا هر گاه در دانش رسوخ و نفوذ پیدا کرد خواب دیدن از او برداشته می‌شود» (3).

ص: 141

-
- 1- . بصائر الدرجات، ج 1، ص: 254 و 255، ح 6
 - 2- . تحف العقول، ص: 50
 - 3- . محسن عصفور در تفسیر این احادیث سه وجه مطرح می‌فرماید: 1. یعنی شخص مطلقاً خواب نمی‌بیند، اشکال این وجه این است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیه السلام) که راسخ‌ترین افراد در علم و ایمان بودند، خواب می‌دیدند. 2. منظور برداشتن رؤیاهای کاذبه است، یعنی شخص رؤیای کاذبه نمی‌بیند. 3. منظور رؤیایی است که موجب خروج منی می‌شود، یعنی احتلام. (بلغة الشيعة الكرام، ص 237). اما ظاهراً مراد این روایات یا کاهش خواب‌های حقه است، چرا که شخص در بیداری و با قدرت اندیشه به حقیقت رسیده است، و یا اینکه مراد افراد غیر معصوم (علیه السلام) است که وقتی ایمانشان و علمشان ضعیف بود محتاج خواب بودند، و با قوت ایمان و علم نیازمند خواب دیدنی که آنها را تقویت کند ندارد، اما خواب حضرات معصومین (علیه السلام) وحی الهی و الهامات ربّانی است و همیشه بوده و خواهد بود.

قاعده سی و هشتم: عدم تمثّل شیاطین به شکل انبیاء (علیهم السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام)

شیاطین و اجنه نمی توانند به شکل امام (علیه السلام) یا پیامبر (علیه السلام) در بیایند، بنابراین کسی که در خواب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ببیند واقعاً پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیده است، چنانچه در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى لَأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ فِي صُورَتِي وَلَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي وَلَا فِي صُورَةِ وَاحِدَةٍ مِنْ شِعَتِهِمْ، وَإِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ التُّبُّوَّةِ»⁽¹⁾ «کسی که مرا در خواب ببیند، به حقیقت مرا دیده است، زیرا شیطان به صورت من و به صورت یکی از اوصیاء من و به صورت یکی از شیعیان ایشان در نمی آید، و رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوت است».

اما نکته ای که وجود دارد این است که شیطانی می تواند (بدون اینکه بتواند به شکل معصوم (علیه السلام) در بیاید) به دروغ ادعای امامت یا نبوت کند، چنانچه در بیداری افرادی به دروغ ادعای امامت یا نبوت داشتند، از این رو افرادی که شمایل مبارک حضرات معصومین (علیهم السلام) را ندیده اند، باید مراقب باشند کسی در خواب به دروغ درباره خود یا دیگری ادعای نبوت یا امامت نکند، از این رو وقتی «کلیب» به ابن عباس گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب

ص: 142

1- من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص: 585، ح 3191؛ در (کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج 2، ص: 823) چنین آمده است: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَلَا يَقْظَةٍ وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

دیدم، ابن عباس گفت: توصیفش کن، کلب گفت: یاد حسن بن علی (علیه السلام) افتادم و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به ایشان تشبیه کردم، ابن عباس گفت: به تحقیق او را در خواب دیدی. (1)

علماء فرموده‌اند: رؤیایی که در کسی امام یا پیامبر (علیه السلام) معرفی می‌شود سه صورت دارد:

1. شخص معرفی شده به عنوان امام مشغول کار خیر یا ناهی از شر بوده که در این صورت این رؤیا صحیح است.
2. شخص معرفی شده به عنوان امام مشغول کار خاص دینی نیست که در این صورت این رؤیا ممکن است صحیح باشد و ممکن است باطل باشد.
3. شخص معرفی شده به عنوان امام مشغول کار شر یا ناهی از خیر بوده که در این صورت این رؤیا باطل است. (2)

قاعده سی و نهم: رؤیای انبیاء (علیهم السلام)

همه خواب‌های تمام انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) از نوع رؤیای الهی است، و از این رو در رؤیای آنها کذب و نفس و شیطان راه ندارد، و رؤیاهای آنها فقط و فقط الهامی از طرف خدا است، چنانچه حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «رُؤْيَا الْأَنْبِيَاءِ وَحْيٌ» (3) «خواب پیامبران (علیهم السلام) وحی است». و

ص: 143

1- . الرؤى والأحلام فى ضوء الكتاب والسنة، ص 64 و 65

2- . كنز الفوائد، ج 2، ص: 62 و 63

3- . الأُمالي للطوسي، ص: 338، مجلس 12، ح 29

اساساً یکی از راه‌های ارتباط خدا با انبیاء (علیهم السلام) از طریق رؤیا بوده است، چنانچه امام رضا (علیه السلام) در تفاوت بین رسول و امام و نبی (علیهم السلام) می‌فرماید: «النَّبِيُّ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَيْهِ جَبْرَيْلُ وَرُبَّمَا نُبِّيَ فِي مَنَامِهِ نَحْوُ رُؤْيَا إِبْرَاهِيمَ» (1) «پیامبر کسی است که جبرئیل بر او نازل می‌شود و چه بسا در خوابش مثل رؤیای ابراهیم (علیه السلام) به وی وحی شود».

بنابراین اگر رؤیا بیننده پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یا امام معصوم (علیه السلام) باشد چنین خوابی حجت است، و چه بسا خدا موضوع شرعی یا حکم شرعی شخصی (نه کلی) را در خواب به انبیاء (علیهم السلام) اعلام بدارد، از این رو حکم «وجوب ذبح فرزندان» در خواب به ابراهیم (علیه السلام) ارائه شده و ابراهیم (علیه السلام) ملزم به اجرای آن شد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (2) «و وقتی با او به جایگاه "سعی" رسید، گفت: ای پسرک من! من در خواب (چنین) می‌بینم که تو را سر می‌برم، پس بین چه به نظرت می‌آید؟ گفت: ای پدر من! آنچه را مأموری بکن. ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت. پس وقتی هر دو تن دردادند (و همدیگر را به درود گفتند) و (پسر) را به پیشانی بر خاک افکند، او را ندا دادیم که ای ابراهیم! رؤیا را حقیقت بخشیدی. ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم».

ص: 144

1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، ج 1، ص: 369، ح 4

2- . الصافات : 102 تا 105

از این رو انبیاء و ائمه (علیهم السلام) در خواب رؤیاهای شیطانی ندیده و همچنین محتمل و جنب نمی‌شوند، چرا که احتلام از شیطان است و شیطان به آنها راهی ندارد، چنانچه امام رضا (علیه السلام) در علائم امام معصوم فرمودند: «لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ ... وَلَا يَحْتَلِمُ ...» (1) «امام نشانه‌هایی دارد ... (یکی اینکه) محتمل نمی‌شود ...». اقرع گوید: به امام حسن عسکری (علیه السلام) نوشتیم: آیا امام محتمل می‌شود؟ و بعد از آنکه نامه از دستم خارج شد، با خود گفتم: احتلام امری شیطانی است و خدای تبارک و تعالی اولیاءش را از آن پناه داده است، پس جواب آمد: «حَالُ الْأُئِمَّةِ فِي الْمَنَامِ حَالُهُمْ فِي الْيَقَظَةِ، لَا يُغَيِّرُ النَّوْمُ مِنْهُمْ شَيْئاً، وَقَدْ أَعَاذَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ لَمَّةِ الشَّيْطَانِ، كَمَا حَدَّثَتْكَ نَفْسُكَ» (2) «حال امامان در خواب مانند حالشان در بیداری است، خواب چیزی از وضع آنها را تغییر نمی‌دهد، و محققاً خدا دوستان خود را از دستبرد شیطان پناه داده چنانچه با خود گفتی».

قاعده چهارم: حجیت یا عدم حجیت خواب

درباره حجیت و عدم حجیت رؤیای غیر انبیاء (علیهم السلام) و غیر ائمه معصومین (علیهم السلام) بین علمای اصول بحث‌های دامنه داری وجود دارد (3)، اما

ص: 145

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص: 418، ح 5914

2- . الكافي، ج 1، ص: 509، ح 12

3- . به عنوان نمونه در (الفوائد الحائرية، ص: 317 و 318) آمده است: و اعلم انه قد وقع الخلاف: في أن الحكم الذي حكم به المعصوم عليه السلام في الرؤيا هل هو حجة أم لا؟ قال بعضهم بالحجّة، لما ورد: «من أن من رآه فقد رآه، وأن الشيطان لا يتمثل به» وقال بعضهم بعدم الحجّة، لأنها فرع أن يعرف بصورته في اليقظة، حتى يعلم في المنام أنه هو، وصورة ما رآه صورته. و أجيب: بأنه ورد في زمان الأئمة عليهم السلام مثل الرضا عليه السلام أن الراوي قال: «رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في المنام؟ فقال: هو رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من رآه فقد رآه». و معلوم أنه ما كان رآه في ذلك الزمان، لكن ربما نرى أحدا منهم في المنام بصورة عالم أو صالح، فيظهر بعد اليقظة أنه كان ذلك العالم، أو الصالح، مثل الرؤيا التي رآها «المفيد» رحمه الله وغيره مما نرى كثيرا. إلا أن يقال: إن الصورة صورتهم، إلا أنهم عليهم السلام أظهروا كذلك إظهارا لجلالة ذلك العالم أو الصالح. مع أن كثيرا من المنامات يظهر منها المعجزة أو غيرها من القرائن التي يظهر منها أن الصورة صورتهم، والحكم حكمهم عليهم السلام. و شرط بعضهم: بأن لا يكون ذلك الحكم مخالفا للأحكام التي وصلت إلينا.

«لَبَّ» سخن این است که اگر رؤیا بیننده از انبیاء و ائمه (علیهم السلام) نباشد، چنین خوابی در تشخیص احکام شرعی حجّیت ندارد، چرا که اساساً خدا احکام را از طریق خواب مردم عادی بیان نمی‌کند، چنانچه وقتی شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض می‌کند که گروهی معتقدند که کیفیت اذان و رکوع و سجده را در آغاز تشریع «أَبِي بَن كَعْب» در خواب دیده، حضرت (علیه السلام) فرمودند: «كَذَّبُوا فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ»⁽¹⁾ «دروغ می‌گویند، چرا که دین الهی عزتمندتر از این است که در خواب (توسط افرادی عادی، مثل: ابی) دیده شود». اما چنین رؤیای در تشخیص موضوعات به شرط صادق بودن حجّیت دارد، و صادقانه بودن را می‌توان با قرائن موجب اطمینان فهمید.

قاعده چهل و یکم: فریب با رؤیا

گاهی ممکن است انسانی رؤیایی ببیند و به اشتباه به عظمت و معنویت خود تعبیر کند، و یا کسی به دروغ خوابی در عظمت وی تعریف

ص: 146

1- . الکافی، ج 3، ص: 482، ح 1

کند، از این رو رؤیا نباید مایه فریب و غرور انسان باشد، چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «لَا يَغْتَرَّنَ أَحَدُكُمْ بِالرُّؤْيَا يَرَاهَا أَوْ تُرَى لَهُ، وَلَكِنْ فَيَعْرِضُ نَفْسَهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا كَانَ عَامِلًا بِهِ فَلْيُفْرَحْ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهَا مِنَ الشَّيْطَانِ» (1) «هیچ یک از شما با رؤیایی که می بیند یا برای او دیده می شود، فریب نخورد، لکن هر کس خودش را به قرآن عرضه کند، پس اگر عمل کننده به قرآن باشد (با آن رؤیا) شاد شود، و اگر غیر از این باشد، باید بداند آن رؤیا از شیطان بوده است».

همچنین وقتی از معبر بزرگ «ابن سیرین» درباره تعبیر رؤیا می پرسیدند می گفت: «اتَّقِ اللَّهَ فِي الْيَقْظَةِ وَلَا يَغْرُكْ مَا رَأَيْتَ فِي الْمَنَامِ» (2) «در بیداری از خدا پرهیزکار باش و آنچه که در خواب دیدی تو را فریب ندهد».

قاعده چهل و دوم: فراموشی رؤیا

گاهی شخص پس از بیداری کل یا بخشی از رؤیای خود را فراموش می کند با اینکه می داند رؤیا دیده است، و گاهی اصلاً فراموش می کند که آیا رؤیا دیده است یا نه. برخی از علماء می گویند: رؤیایی که بعد از بیدار شدن فراموش شود و دیگر به یاد انسان نیاید خیری در آن نیست. (3) این در حالی که چنین نیست، چرا که گاهی خدا اراده می فرماید چیزی به ذهن انسان آورده و دوباره از ذهن انسان پاک کند، و چه بسا اصل نشان دادن

ص: 147

1- . الجعفریات، ص: 247

2- . البداية والنهاية، ج 9، ص: 275

3- . ينابيع الشذى فى الأحلام و الرؤيا، ص 41

رؤیا حکمتی دارد (مثل: ورود مطلب در ضمیر ناخودآگاه، ایجاد خوف و...) و چه بسا حکمت اقتضا می‌کند که رؤیا پس از بیداری فراموش شود، چنانچه شخص بنده چندین بار با ترس از خواب بیدار شدم و یقین داشتم که رؤیای صادقه‌ای دیده‌ام که موجب ترسم شده ولی هیچ چیز از جزئیات آن را به یاد نیاوردم.

قاعده چهل و سوم: دروغ‌گویی در خواب

دروغ گفتن در هر جایی حرام است (مگر در مواردی که مجوز شرعی وجود داشته باشد)، اما دروغ گفتن در برخی موارد گناه بیشتری دارد، مثل دروغ بستن بر خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم). یکی از مواردی که دروغ گفتن گناه زیادی دارد، دروغ گفتن در رؤیا است، یعنی خوابی از خود ساخته و بگوئیم فلان رؤیا را دیده‌ایم در حالی که چنین خوابی ندیده‌ایم، چنانچه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «مَنْ كَذَبَ فِي حُلْمِهِ عَذَّبَ وَ كُفِّ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِفَاعِلٍ» (1) «کسی که رؤیای دروغ بسازد، عذاب می‌شود و مکلف می‌گردد که میان دو دانه جو گره بزند و نمی‌تواند». و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده: «مَنْ أَفْرَى الْفَرَى أَنْ يُرَى عَيْنُهُ فِي الْمَنَامِ مَا لَمْ يَرِ» (2) «از دروغ‌ترین دروغ‌ها این است که کسی چیزی را چشمانش در رؤیا ندیده به چشمانش نسبت دهد».

ص: 148

1- . الخصال، ج 1، ص: 109، ح 77

2- . شعب الإيمان، ج: 4، ص: 191، ح 4771

از این رو اگر کسی بگوید: خدا را در خواب دیدم، دو حالت بیشتر ندارد:

1. یا دروغگو است و به دروغ می‌گوید چنین خوابی دیدم.

2. یا فردی است که به خدایی جسمانی اعتقاد دارد و چنین خدایی را در خواب دیده است، در حالی که خدای یگانه جسم نبوده و دیده نمی‌شود، چنانچه راوی از امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که خدا را در خواب دیده پرسید، حضرت (علیه السلام) فرمودند: «ذَلِكَ رَجُلٌ لَا دِينَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَرَى فِي الْيَقَظَةِ وَلَا فِي الْمَنَامِ وَلَا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ»⁽¹⁾ «او مردی است که دین ندارد، زیرا خدا نه در بیداری و نه در خواب و نه در دنیا و نه در آخرت دیده نمی‌شود».

قاعده چهل و چهارم: خواندن قصص معبرین

شخصی که می‌خواهد علم تعبیر رؤیا بیاموزد، علاوه بر اینکه باید قواعد کلیه تعبیر رؤیا را یاد بگیرد و قواعد جزئیّه را با رجوع به کتب تعبیر خواب بیاموزد، باید قصص معبرین را به دقت بخواند تا از لطایف و نکات آنها بهره‌مند شود، از این رو برخی از قصص تعبیر رؤیاها توسط انبیاء الهی (علیه السلام) و ائمه معصومین (علیه السلام) (علاوه بر موارد مطرح شده در ذیل قواعد) مطرح می‌شود تا درباره آنها تأمل شود:

ص: 149

1- . الأُمالي للصدوق، ص: 610، مجلس 89، ح 5

1. تعبیر معصومین (انبیاء و ائمه) (علیهم السلام)

1. یوسف نبی (علیه السلام) در رؤیا دید: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (1) «زمانی را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم [آنها] برای من سجده می کنند.» و تعبیرش این شد که «پدر» و «مادر یا خاله» و «یازده برادر» وی برای او تعظیم کرده و در پیشگاه او برای خدا سجده کردند: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا» (2) «و پدر و مادرش را به تخت برنشاند، و [همه آنان] پیش او به سجده درافتادند، و [یوسف] گفت: ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین، پروردگارم آن را راست گردانید».

2. یکی از هم زندانی های یوسف (علیه السلام) در خواب دید: «قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا... بَنَيْنَا بَنَاتًا لِأَبِينَا وَنَا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (3) «یکی از آن دو (هم زندانی یوسف ع) گفت: من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می فشارم، ... به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می بینیم.» حضرت یوسف (علیه السلام) در تعبیرش فرمود: «يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا... فُضِّي الْأَمْرُ الَّذِي

ص: 150

1- . یوسف : 4

2- . یوسف : 100

3- . یوسف : 36

فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ»⁽¹⁾ «ای دورفیق زندانیم، اما یکی از شما (آزاد شده و ساقی عزیز مصر شده و) به آقای خود باده می نوشاند، ... امری که شما دو تن از من جويا شدید تحقق یافت».

3. یکی دیگر از هم زندانی های یوسف (علیه السلام) در خواب دید: «قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْنَأُ بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»⁽²⁾ «هم زندانی دیگر گفت: من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند. به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می بینیم.» حضرت یوسف (علیه السلام) در تعبیرش فرمود: «أَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ»⁽³⁾ «اما دیگری به دار آویخته می شود و پرندگان از [مغز] سرش می خورند. امری که شما دو تن از من جويا شدید تحقق یافت.»

4. عزیز مصر در رؤیا دید: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ»⁽⁴⁾ «و پادشاه [مصر] گفت: «من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر (که خوشه های خشکیده به خوشه های سبز پیچیده و آنها را از بین بردند)، ای

ص: 151

1- . یوسف : 41

2- . یوسف : 36

3- . یوسف : 41

4- . یوسف : 43

سران قوم، اگر خواب تعبیر می کنید، در باره خواب من، به من نظر دهید.» یوسف (علیه السلام) چنین تعبیر کرد: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ» (1)» (یوسف) گفت: هفت سال پی در پی می کارید، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می خورید - در خوشه اش واگذارید. آنگاه پس از آن، هفت سال سخت می آید که آنچه را برای آن [سال ها] از پیش نهاده اید - جز اندکی را که ذخیره می کنید - همه را خواهند خورد. آنگاه پس از آن، سالی فرا می رسد که به مردم در آن [سال] باران می رسد و در آن آب میوه می گیرند.»

5. زمانی که حضرت دانیال (علیه السلام) و حضرت عَزِيز (علیه السلام) اسیر بختنصر بودند، بختنصر رؤیای بزرگی دید به گونه ای که بسیار ترسید، قومش را جمع کرد و گفت: خواب مرا تا سه روز تعبیر کنید و گرنه همه شما را به صلیب می کشم، دانیال که در زندان بود از قضیه با خبر شد، به زندانبان گفت: «إِنَّكَ أَحْسَنْتَ صَحْبَتِي، فَهَلْ لَكَ أَنْ تُخْبِرَ الْمَلِكَ أَنَّ عِدِّيَ عَلِمَ رُؤْيَاهُ وَتَأْوِيلَهُ؟» «تو همراه خوبی بودی، آیا می توانی به پادشاه بگویی که من علم تعبیر خوابش را می دانم؟» زندانبان به بختنصر خبر داد، بختنصر دانیال (علیه السلام) را فراخواند، و (طبق قانون بختنصر) هیچ کس پیش بختنصر قرار نمی گرفت مگر اینکه باید سجده می کرد، دانیال مدت زیادی پیش

ص: 152

بختنصر ایستاد ولی به او سجده نکرد، بختنصر به نگهبانان گفت: بیرون بروید، وقتی نگهبانان بیرون رفتند، بختنصر از دانیال (علیه السلام) پرسید: چرا برای من سجده نکردی؟ دانیال (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ لِي رَبًّا آتَانِي هَذَا الْعِلْمَ عَلَى أَنِّي لَا أَسْجُدُ لِغَيْرِهِ، فَلَوْ سَجَدْتُ لَكَ أَسْخَطْتُ عَنِّي الْعِلْمَ فَلَمْ يُنْتَفِعْ بِي، فَتَرَكْتُ السُّجُودَ نَظْرًا إِلَى ذَلِكَ» «من پروردگاری دارم که این علم (یعنی تعبیر رؤیا) را به من داده به شرطی که برای غیر او سجده نکنم، و اگر برای تو سجده می کردم این علم از من جدا می شود و دیگر (برای تعبیر رؤیا) سودی نداشتی، از این رو سجده برای تو را رها کردم» بختنصر گفت: برای خدایت پیمان داری کردی و از من (و عذاب من) ایمن شدی، آیا می دانی رؤیایم چیست؟ دانیال فرمود: «نَعَمْ، رَأَيْتَ صَدَنَّمَ عَظِيمًا رَجُلًا فِي الْأَرْضِ وَرَأْسُهُ فِي السَّمَاءِ، أَعْلَاهُ مِنْ ذَهَبٍ وَوَسَطُهُ مِنْ فِضَّةٍ وَأَسْفَلُهُ مِنْ نُحَاسٍ وَسَاقَاهُ مِنْ حَدِيدٍ وَرَجُلَاهُ مِنْ فَخَّارٍ، فَبَيْنَا أَنْتَ تَنْتَظِرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُ وَعَظَمُهُ وَإِحْكَامُ صَدَنِّهِ وَالْأَصَبَةُ الَّتِي رُكِبَتْ فِيهِ، إِذْ قَذَفَهُ [مَلَكٌ] بِحَجَرٍ مِنَ السَّمَاءِ فَوَقَعَ عَلَى رَأْسِهِ، فَدَقَّهَ حَتَّى طَحَنَهُ فَاخْتَلَطَ ذَهَبُهُ وَفِضَّتُهُ وَنُحَاسُهُ وَحَدِيدُهُ وَفَخَّارُهُ، حَتَّى خُيِّلَ لَكَ أَنَّهُ لَوْ اجْتَمَعَ الْجِنَّ وَالْإِنْسُ عَلَى أَنْ يُمَيِّزُوا بَعْضَهُ مِنْ بَعْضٍ لَمْ يَقْدِرُوا، وَحَتَّى خُيِّلَ لَكَ أَنَّهُ لَوْ هَبَّتْ أَدْنَى رِيحٍ لَذَرَّتْهُ لِشِدَّةِ مَا انْطَحَنَ، ثُمَّ نَظَرْتَ إِلَى الْحَجَرِ الَّذِي قُذِفَ بِهِ يَعْظُمُ فَيَنْتَثِرُ [فَيَنْتَشِرُ] حَتَّى مَلَأَ الْأَرْضَ كُلَّهَا فَصِرْتَ لَا تَرَى إِلَّا السَّمَاءَ وَالْحَجَرَ» «بله، بت بزرگی دیدی که پاهایش در زمین بود و سرش در آسمان بود، بلا تنه اش از طلا و وسطش از نقره و پایش از مس و ساق هایش از

آهن و پاهایش از سفال بود، در حالی که تو نگاه می کردی و زیبایی و بزرگی و استواری و ترکیبات مختلف آن تو را متعجب کرده بود، ناگاه فرشته ای با سنگ از آسمان آن را زد به گونه ای که بت با سر به زمین افتاد و آن را کوبید و پودرش کرد و طلا و نقره و مس و آهن و سفالش همگی با هم مخلوط شدند، به گونه ای که به گمانت رسید که اگر جن و انس جمع شوند تا اجزاء آن را از هم جدا سازند نمی توانند، و به خاطر زیادی پودر شدنش به گمانت رسید که اگر کوچک ترین باد بوزد آن را پخش خواهد کرد، سپس تو به سنگی که بت با آن شکسته شده بود نگاه کردی که بزرگ می شد و گسترده می شد تا اینکه کل زمین را فرا گرفت، پس تو جز آسمان و آن سنگ چیزی نمی دیدی». بختنصر گفت: راست گفتی، این همان خوابی است که دیدم، تعبیرش چیست؟ دانیال (علیه السلام) فرمود: «أَمَّا الصَّنَمُ الَّذِي رَأَيْتَ فَإِنَّهَا أُمَّمٌ تَكُونُ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَأَوَسَطِهِ وَآخِرِهِ، وَأَمَّا الذَّهَبُ فَهُوَ هَذَا الزَّمَانُ وَهَذِهِ الْأُمَّةُ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا وَأَنْتَ مَلِكُهَا، وَأَمَّا الْفِصَّةُ فَإِنَّهُ يَكُونُ ابْنُكَ يَلِيهَا مِنْ بَعْدِكَ، وَأَمَّا التُّحَاسُ فَأُمَّةُ الرُّومِ، وَأَمَّا الْحَدِيدُ فَأُمَّةُ فَارِسَ، وَأَمَّا الْفَخَّارُ فَأُمَّتَانِ تَمْلِكُهُمَا امْرَأَتَانِ إِحْدَاهُمَا فِي شَرْقِ الْيَمَنِ وَآخَرَى فِي غَرْبِ الشَّامِ، أَمَّا الْحَجَرُ الَّذِي قُذِفَ بِهِ الصَّنَمَ فَدِينٌ يُفْقَدُهُ [يعقده] اللَّهُ بِهِ هَذِهِ فِي الْأُمَّةِ آخِرَ الزَّمَانِ لِيُظْهِرَهُ عَلَيْهَا يَبْعَثُ اللَّهُ نَبِيًّا أُمِّيًّا مِنَ الْعَرَبِ فَيُذِلُّ اللَّهُ لَهُ الْأُمَمَ وَالْأَدْيَانَ كَمَا رَأَيْتَ الْحَجَرَ ظَهَرَ عَلَى الْأَرْضِ فَانْتَشَرَ فِيهَا» «اما بت که دیدی آن امت های اول و وسط و آخر زمان بودند، اما طلا این زمان و این امتی است که تو در آنی و پادشاه ایشانی، اما نقره پسر توست که بعد تو

می‌آید، اما مس امت روم است، اما آهن امت فارس است، اما سفال دو امتی هستند که دوزن پادشاه آنها می‌شود، یکی از آن دو در شرق یمن و در غرب شام، اما آن سنگی که بت با آن ضربه دید دینی است که خدا در امت آخر الزمان می‌آورد تا بر زمین آشکار کند، خدا پیامبری مکی از عرب مبعوث می‌کند، پس او همه امت‌ها و دین‌ها را رام می‌کند آن چنان که دیدی سنگ روی زمین آشکار شد و گسترده شد» (1).

6. بُخْتَنَصْر در رؤیا دید که سرش از آهن و پاهایش از مس و سینه‌اش از طلا شده است، منجمین و معبرین را فرا خواند و گفت: در خواب چه دیدم؟ آنها گفتند: تو رؤیایت را بازگو کن ما تعبیر کنیم، بختنصر گفت: من از فلان زمان به شما خرجی می‌دهم ولی شما نمی‌دانید من در خواب چه دیدم، دستور داد آنها را کشتند، شخصی به بختنصر گفت: اگر کسی چیزی بلد باشد دانیال است که در چاه محبوس است و شیرها به او آسیب نمی‌رسانند، شیرهای ماده خودشان گِل می‌خورند و او را شیر می‌دهند، بختنصر دانیال را احضار کرد و پرسید: در خواب چه دیده‌ام، دانیال (علیه السلام) فرمود: «رَأَيْتَ كَأَنَّ رَأْسَكَ مِنْ حَدِيدٍ وَرِجْلَيْكَ مِنْ نُحَاسٍ وَصَدْرُكَ مِنْ ذَهَبٍ» «در رؤیا دیدی که سرت از آهن و پاهایت از مس و سینه‌ات از طلا است»، بختنصر گفت: آری اینگونه دیدم، تعبیرش چیست؟ دانیال فرمود: «قَدْ ذَهَبَ مُلْكُكَ وَأَنْتَ مَقْتُولٌ إِلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يَقْتُلُكَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ فَارِسٍ» «حکومتت به پایان رسیده و تو سه روزه کشته می‌شوی و

ص: 155

مردی از اهل فارس تو را می‌کشد»، بختنصر گفت: من هفت شهر دارم و بر دروازه هر شهری نگهبانانی است، و من به این اکتفا نکرده بلکه مرغابی از جنس مس در دروازه هر شهری قرار دادم که هیچ غریبه‌ای وارد شهر نمی‌شود مگر اینکه فریاد می‌شود، و سربازان وی را می‌گیرند، دانیال (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ كَمَا قُلْتُ لَكَ» «مسأله همان گونه است که گفتم»، بختنصر سوارکاران را فرستاد و گفت: با هیچ فرد غریبه‌ای برخورد نکنید مگر اینکه او را بکشید، هر کس که باشد، بختنصر به دانیال گفت: این سه روز از من جدا نمی‌شوی، اگر سه روز گذشت و زنده ماندم تو را می‌کشم، چون عصر روز سوم شد، اندوه بختنصر را فرا گرفت، از قصر بیرون آمد، و با خادم پسرش که روبرو شد، خادم پسرش اهل فارس بود ولی بختنصر نمی‌دانست که اهل فارس است، شمشیرش را به غلام پسرش داد و گفت: ای غلام با هر کسی برخورد کردی بکش، حتی اگر مرا دیدی مرا بکش، غلام شمشیر را گرفت و با آن بختنصر را کشت. (1)

7. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بالای منبر رفت و بعد و حمد و ثنای الهی فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي رَأَيْتُ فِي مَنَامِي رُؤْيَا، رَأَيْتُ كَأَنِّي فِي دَرَعٍ حَصِينَةٍ، وَرَأَيْتُ كَأَنَّ سَيْفِي ذَا الْفَقَارِ انْقَصَمَ مِنْ عِنْدِ ظَبْتِهِ، وَرَأَيْتُ بَقْرًا تَذْبَحُ، وَرَأَيْتُ كَأَنِّي مُرْدَفٌ كَبِشًا» «ای مردم من خوابی دیده‌ام، در خواب دیدم که گویی در زره ای محکم هستم و شمشیرم ذو الفقار، از قبضه شکسته و شکاف برداشته است، دیدم گاو نری کشته می‌شود و من قوچی

ص: 156

را از پی خود می کشیدم». مردم گفتند: آن را چگونه تعبیر فرمودی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «أما الدرع الحصينة فالمدينة، فامكثوا فيها، وأما انقصام سيفي من عند ظبته فمصيبة في نفسي، وأما البقر المذبح فقتلى في أصحابي، وأما مردف كبشا، فكبش الكتيبة تقتله إن شاء الله» «آن زره محکم شهر مدینه است، پس در همانجا بمانید، اما شکستن شمشیرم، اندوه و مصیبتی است که به من می رسد، گاوی هم که کشته شد، کشته شدن برخی از اصحاب من است، قوچی که از پی خود می کشیدم، دشمن و لشکر است که به خواست خدا آن را خواهیم کشت». و ابن عباس گوید: از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: «و أما انقصام سيفي، فقتل رجل من أهل بيتي» (1) «شکاف برداشتن شمشیرم دلیل بر کشته شدن مردی از خانواده من است».

8. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ إِذْ أُتِيتُ بِقَدَحٍ مِنْ لَبَنٍ فَشَرِبْتُ مِنْهُ حَتَّى إِنِّي لَأَرَى الرَّيَّ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ أَظْفِيرِي» «در حالی که در خواب بودم برای من کاسه شیری آوردند و از آن خوردم تا اینکه تا ناخن هایم سیراب شدم (و شیر از ناخن هایم بیرون آمد) مردم گفتند: به چه چیزی تعبیر فرمودید؟ حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الْعِلْمُ» (2) «به دانش».

9. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: «رَأَيْتُ غَنَمًا كَثِيرَةً سُودًا دَخَلَ فِيهَا غَنَمٌ كَثِيرٌ بَيْضٌ» «(در خواب) گوسفندان سیاه زیادی دیدم که گوسفندان سفی زیادی واردشان شدند»، مردم گفتند: به چه

ص: 157

1- . المغازی، ج 1، ص: 209 (در جریانات جنگ احد)

2- . عوالي اللئالي، ج 1، ص: 149، ح 98

چیزی تعبیر فرمودید؟ پیامبر فرمودند: «الْعَجَمُ يُشَارِكُونَكُمْ فِي دِينِكُمْ وَأَنْسَابِكُمْ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعْلَقًا بِالشَّرْيَاءِ لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَجَمِ فَأَسْعَدُهُمْ بِهِ فَارِسٌ» (1) «عجم در دین و نسبتان با شما شراکت می کنند، قسم به خدایی که جانم به دست اوست، اگر ایمان در خوشه پروین (یکی از صور فلکی) آویخته باشد گروهی از مردان عجم به آن دسترسی پیدا می کنند، و خوشبخت ترین مردم به وسیله دین اهل فارس هستند».

10. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده: «بینا أنا نائم رأيت في يدي سوارين من ذهب، فكبر ذلك علي، فأوحى إلي أن انفخهما، فنفخهما فطارا، فأولت ذلك كذاب اليمامة، و كذاب صنعاء العنسي» (2) «در حالی که خواب بودم، دیدم در دستم دو دستبند از طلا دارم، بر من سنگین آمد (چرا که طلا برای مرد حرام است)، بر من وحی شد آن دو دستبند را فوت کنم، فوت کردم پس پرواز کردند، آن را به دروغگوی یمانه (یعنی مسیلمه) و دروغگوی صنعاء یعنی عنسی تعبیر کردم».

11. مسافری محضر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شد و عرض کرد: ای رسول خدا من در راه رؤیایی دیدم که مرا ترسانده، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «و ما هي؟» «خوابت چیست؟» شخص گفت: دیدم ماده الاغی در منزلم بر جا گذاشتم و آن ماده الاغ بزغاله ای سیاه کمرنگ زایید، و دیدم آتشی از زمین بیرون آمد که بین من و فرزندم فاصله انداخت، و آتش می گفت: دوزخ، بینا

ص: 158

1- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 230

2- . جامع البيان في تفسير القرآن، ج 7، ص: 182

و کور. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خَلَّفْتُ فِي أَهْلِكَ أُمَّةً مُسَرَّةً حَمَلًا؟» «در بین خانواده‌ات کنیزی داری که بارداریش را پنهان می‌کند؟» شخص گفت: آری. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فَإِنَّهَا قَدْ وَلَدَتْ غَلَامًا، وَ هُوَ ابْنُكَ» «او فرزندی زاینده که پسر توست» شخص گفت: پس سیاه کمرنگ معنایش چیست؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ادن منی، أَبُكَ بَرَصَ تَكْتَمُهُ؟» «نزدیک من بیا، تو بیماری لک و پیسی داری؟» شخص گفت: به خدایی که تو را به حقیقت به نبوت مبعوث کرده هیچ کس قبل از تو این را نمی‌دانست. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فَهُوَ ذَاكَ، وَ أَمَّا النَّارُ فَإِنَّهَا فَتَنَةٌ تَكُونُ بَعْدِي» (1) «آن سیاهی کمرنگ لک و پیسی تو است، و اما آتش فتنه‌ای است که بعد از من خواهد بود».

12. مطیع بن اسود در خواب دید که به او کیسه خرمایی هدیه شد، خوابش را برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگو کرد، پیامبر فرمودند: «هَلْ بِأَحَدٍ مِنْ فَتَيَاتِكَ حَمْلٌ؟» «آیا یکی از همسرانت باردار است؟» گفت: آری، زنی از بنی لیث (که ام عبد الله بود)، پیامبر فرمود: «إِنَّهَا سَتَلِدُ غَلَامًا» «او به زودی پسری به دنیا می‌آورد»، و آن زن پسرش را به دنیا آورد و کودک را پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردند و پیامبر کودک را عبد الله نام نهاد و با خرمایی کامش را برداشت و برای او دعای به برکت کرد. (2)

13. شخصی در خواب دید در بوستانی سرسبز و بزرگ است که در وسطش ستونی است که پایش از آهن بوده و در زمین قرار دارد و بالایش در آسمان است و بالای آن ریسمانی است و کسی به او گفت: بالا برو،

ص: 159

1- . الاستیعاب، ج 2، ص: 517 و 518

2- . دار السلام للنوری، ج: 4، ص: 340

شخص گفت: نمی‌توانم، و کسی آمد و او را کمک کرد تا به بالای ستون رفت و از ریسمان گرفت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تعبیرش فرمودند: «تلك الروضة الإسلام و ذلك العمود عمود الإسلام و تلك العروة الوثقى فأنت على الإسلام حتى تموت» (1) «آن بوستان اسلام و آن ستون، ستون اسلام است و آن ریسمان ریسمان محکم الهی است، و تو تا موقع مرگت بر دین اسلام خواهی بود».

14. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «رأيت امرأة سوداء ثائرة الرأس، خرجت من المدينة حتى نزلت مهيجة فأولتها أن وباء المدينة، نقل إلى مهيجة (وهي الجحفة)» (2) «در خواب دیدم که زنی سیاه پوست در حالی که موهای خود را آشفته بیرون ریخته بود از مدینه بیرون رفت و به جحفه سکونت گزید و آن را چنین تأویل کردم که ویای مدینه به جحفه منتقل گردیده است».

15. أم علاء أنصاريّة گوید: در رؤیا دیدم عثمان بن مظعون چشمه‌ای جاری دارد، خوابم را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعریف کردم، فرمود: «ذلك عمله» (3) «آن عمل وی است»

16. هند بن عتبة (همسر ابوسفیان) از عایشه خواست که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعبیر خوابش را بپرسد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عایشه فرمود: «قُولِي لَهَا فَلْتَقْصُصْ رُؤْيَاهَا» «به او بگو رؤیایش را بگوید»، هند گفت: خورشید را دیدم که از

ص: 160

1- . بحار الأنوار، ج 58، ص: 223

2- . دلائل النبوة، ج 2، ص: 568

3- . الإصابة، ج 8، ص: 439، ش 12178

بالای من طلوع کرد (و از آن خورشید خورشید دیگری بیرون آمد) و ماه از مخرج من (یعنی باسنم) بیرون آمد، و ستاره‌ای سیاه از آن ماه بیرون آمد و بر خورشیدی کوچکی که از آن خورشید بیرون آمده بود حمله کرد و او را بلعید و افق با بلعیده شدن خورشید، تار و سیاه شد، سپس ستارگانی در آسمان و ستارگانی سیاه در زمین پدیدار شدند و ستارگان سیاه افق زمین را از هر طرف احاطه کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (با شنیدن خواب) چشمانشان با اشکشان خیس شد، سپس فرمودند: «هِيَ هِنْدٌ، أَخْرَجِي يَا عَدُوَّةَ اللَّهِ، أَخْرَجِي يَا عَدُوَّةَ اللَّهِ، فَقَدْ جَدَدْتَ عَلَيَّ أَحْزَانِي، وَنَعَيْتِ إِلَيَّ أَحْبَابِي» «او (یعنی صاحب رؤیا) هند است، ای دشمن خدا بیرون شو، ای دشمن خدا بیرون شو، اندونم را تازه کردی و خبر مرگ دوستانم را به من دادی»، وقتی هند بیرون رفت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (به خدا) عرضه داشت: «اللَّهُمَّ الْعَنْهَا وَالْعَنْ نَسْلَهَا» «خدا یا، او و نسلش را لعنت کن»، پس از تعبیر خواب هند پرسیدند، حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أَمَّا الشَّمْسُ الَّتِي طَلَعَتْ عَلَيْهَا فَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع، وَالْكَوْكَبُ الَّذِي خَرَجَ كَالْقَمَرِ أَسْوَدَ فَهُوَ مُعَاوِيَةُ مَفْتُونٌ فَاسِقٌ جَا حِدٌ لِلَّهِ وَتِلْكَ الظُّلُمَةُ الَّتِي زَعَمْتَ، وَرَأَتْ كَوْكَبًا يَخْرُجُ مِنَ الْقَمَرِ أَسْوَدَ فَشَدَّ عَلَى شَمْسٍ خَرَجَتْ مِنَ الشَّمْسِ أَصَدُّ غَرَمَ الشَّمْسِ فَأَبْتَلَعَهَا فَاسْوَدَّتْ فَذَلِكَ ابْنِي الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقْتُلُهُ ابْنُ مُعَاوِيَةَ فَتَسْوَدُ الشَّمْسُ وَيُظْلِمُ الْأُفُقُ، وَأَمَّا الْكَوَاكِبُ السُّودُ فِي الْأَرْضِ أَحَاطَتْ بِالْأَرْضِ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَتِلْكَ بَنُو أُمَيَّةَ» (1) «اما خورشید

ص: 161

که بر او طلوع کرد علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، و ستاره‌ای که مانند ماه سیاه (از مخرج هند) بیرون آمده معاویه است که فریفته شده و فاسق و منکر خدا است، و آن همان تاریکی است او دیده، و این که دیده ستاره‌ای سیاهی که از ماه بیرون آمده و بر خورشید کوچکی که از خورشید بزرگ زاده شده حمله کرده، پسر من حسین (علیه السلام) است که پسر معاویه او را می‌کشد و خورشید سیاه شده و افق تاریک می‌شود، اما ستارگان سیاهی که از زمین بر آمده و زمین را از هر طرف احاطه کرده‌اند آنها بنی امیه هستند»

17. ابوبکر به جنگی رفت و اسماء بنت عمیس (زوجه ابوبکر) در خواب دید که گویی ابوبکر سر و ریش را به حناء خضاب کرده است و جامه‌ای سفید بر تن دارد. اسماء نزد عایشه آمد و عایشه را از خوابش آگاه کرد، عایشه گفت: اگر خوابت راست باشد تعبیرش این است که ابوبکر کشته شده و آن خضاب خون است و آن جامه سفید کفن اوست. سپس عایشه گریست. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش عایشه آمد و او را گریان دید. پرسید: «ما أبکاها؟» «چه چیز سبب گریه او شده؟» گفتند: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، کسی او را نیاز زده ولی اسماء خوابی را که دیده بود برایش نقل کرده و آن خواب برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حکایت کردند، حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «لیس کما عبّرت عائشة، و لکن یرجع أبو بکر صالحا فیلقى أسماء فتحمل منه أسماء بغلام تسمّیه محمّدا، یرفعه الله غیظا علی الکافرین و المنافقین» «تعبیر آن گونه نیست که عایشه بیان کرده، اما تعبیرش این است که ابوبکر تندرست بازمی‌گردد و با اسماء دیدار می‌کند و اسماء از او باردار می‌شود، پسری می‌آورد که او را محمّد می‌نامد، خدا آن پسر را

خشمناک بر کافران و منافقان قرار می‌دهد». آن پسر زاده شد و او همان محمد بن ابی بکر بود که چنان شد که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر داده بود. (1)

18. عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گوید: در خواب دیدم که گویا زمین با طناب‌های محکمی (بسته شده و) به طرف آسمان برده می‌شود، رؤیای خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم، فرمودند: «ذاك وفاة ابن أخيك» (2) «(تعبیر) این رؤیا وفات برادر زاده‌ات (یعنی خود پیامبر اکرم ص) است».

زینب کبری پیش پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای جد من، دیشب خوابی دیدم، باد تندى وزید و دنیا و آنچه در آن بود را تاریک و سیاه کرد، مرا از یک طرف به طرف دیگر بُرد، پس درخت بزرگی دیدم و به خاطر شدت باد به آن چسبیدم، ناگاه باد آن درخت را کند و بر زمین انداخت، سپس بر شاخه نیرومندی از شاخه‌های چسبیدم، باد آن شاخه را نیز شکاند، به شاخه دیگری چسبیدم باد آن را نیز شکاند، پس به یکی از دو شاخه دیگر از شاخه‌های آن چسبیدم باد آن را نیز شکاند، آنگاه از خواب بیدار شدم. پیامبر گریه کرده و فرمودند: «الشجرة جدك، و الفرع الأول أمك فاطمة، و الثاني أبوك علي عليه السلام، و الفرعان الآخران هما أخواك الحسنان، تسود الدنيا لفقدهم، تلبس لباس الحداد في رزيتهم» (3) «درخت جد تو (یعنی من)، و شاخه اول مادرت فاطمه، و شاخه دوم پدرت علی، دو شاخه دیگر برادرانت حسن و حسین هستند، که دنیا به خاطر از دست رفتنشان سیاه شده و تو در سوگ آنها جامه عزاء می‌پوشی».

19. جابر بن عبدالله انصاری پیش حضرت علی (علیه السلام) آمد و گفت: پدر و مادرم به فدایت، دیشب خوابی دیدم که مرا ترسانده است. حضرت (علیه السلام) فرمود: «ما الذي رأيت يا جابر؟» «جابر چه دیدی؟» جابر گفت: گاوهای نر و چاقی دیدم که از شیرهای گوساله‌های لاغر می‌نوشیدند، و جنبدگان چاقی دیدم که هر کدام دو سر داشتند که با هر دو سرشان غذا می‌خوردند ولی مدفوع نداشتند، و حوض‌های خشکی دیدم که در آن چوب‌های سبزی روییده بودند، و مریض‌هایی را دیدم که به عیادت انسان‌های سالم می‌روند، و لباس سفیدی را دیدم که بین زمین و آسمان آویخته بود و مردم آن را قطعه قطعه می‌بردند، و دو پرنده را در خانه‌ای تاریک دیدم که با زبان فصیح صحبت می‌کردند، و دو تشت دیدم که یکی از طلا و دیگری از سرب بود و مردی بین آن دو قرار داشت و دائماً قطعه‌ای از سرب می‌کند و داخل تشت طلا می‌ریخت ولی نه از سرب چیزی کم می‌شد و نه تشت طلا پر می‌شد. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «يا جابر رؤياك هذه تدل على

ص: 163

1- . الغارات، ج 1، ص: 288

2- . سبل الهدى، ج 12، ص: 233

3- . الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج 5، ص: 379؛ به نقل از: «زینب الکبری» للنقدی، ص 18-19

آخر الزمان، اما الشيران السمان الذين يشربون ألبان العجايل الهزال، فانهم سلاطينهم يأخذون أموال الفقراء والمساكين ليستغنوا فلا يستغنون أبدا؛ و اما الدواب التي لكل واحدة رأسان يأكلون بهما و لا يروثون، فانهم أغنياء آخر الزمان يجمعون المال من حلال و حرام و لا يخرجون الزكاة، و اما الأحواض اليابسة فهم العلماء و الأخشبة الخضر فهي علومهم التي لا يعملون بها و لا يستعملون بها، و اما المرضى الذين يعودون الأصحاء فانهم فقراء آخر الزمان يذهبون إلى الأغنياء يسألونهم فلا يعطونهم شيئا و لا يقضون حوائجهم و ذلك أكبر المرض، بل هو قتل بلا سيف، و اما الثوب المعلق من السماء إلى الأرض فهو دين الإسلام طاهر مطهر بين فإذا كان آخر الزمان وقعت الأهواء و البدع بين الناس فترى مع كل واحد منهم شيئا من الإسلام يستتر به، و اما الطائران اللذان رأيتهما في بيت مظلم يتكلمان بكلام فصيح أحدهما الوفاء و الآخر الأمانة، فإذا كان آخر الزمان قل الوفاء و قلت الأمانة حتى لا تبين و يكون مثل بيت المظلم فلا وفاء (ح) و لا أمانة، و اما الطاستان التي احدهما ذهب و الأخرى رصاص فالرصاص الدنيا و الذهب الآخرة، و الرجل الواقف بينهما ملك الموت يحمل من الدنيا إلى الآخرة بقبض الأرواح فلا الدنيا تقنى و لا الآخرة تمتلىء إلى الوقت المعلوم، و هو القيامة» (1) «أى جابر رؤى تو دلالت بر آخر الزمان

ص: 164

می‌کند، اما گاوهای نر و چاقی که شیر گوساله‌های لاغر را می‌خوردند آنها پادشان آخر الزمان هستند که اموال فقراء و مساکین را می‌گیرند تا بی‌نیاز شوند ولی هرگز بی‌نیاز نمی‌شوند، اما جنبندگان که هر کدام دو سر داشتند و با آن دو سر غذا می‌خوردند ولی مدفوع نمی‌کردند آنها سرمایه‌دارهای آخر الزمان هستند که اموال را از (دوراه) حلال و حرام جمع می‌کنند و زکاتش را پرداخت نمی‌کنند، اما حوض‌های خشک دانشمندان آخر الزمان هستند و چوب‌های سبز دانش آنهاست که به آن عمل نکرده و از آن استفاده نمی‌کنند، و اما بیمارانی که به عیادت سالم‌ها می‌روند آنها فقرای آخر الزمان هستند که به پیش اغنیاء رفته و از آنها گدایی می‌کنند و اغنیاء به آنها چیزی نداده و نیاز آنها را برآورده نمی‌کنند و این بزرگ‌تر از بیماری است، بلکه این کشته شدن بدون شمشیر است، اما لباس‌آویخته بین آسمان و زمین دین اسلام است که پاکیزه بوده و پاکیزه کننده‌ای آشکار است ولی وقتی آخر الزمان بشود هواهای نفسانی و بدعت‌ها بین مردم رواج می‌یابد (و دین اسلام را تکه تکه می‌کند) و هر کس با بخشی از آن خود (و گناهان خود) را می‌پوشاند (و توجیه می‌کند)، اما دو پرنده‌ای که در خانه تاریک بوده و با زبان فصیح صحبت می‌کردند یکی از آنها وفاء و دیگری امانت است، وقتی آخر الزمان شود وفاء و امانت کم می‌شود به گونه‌ای که دیده نمی‌شوند و در مثل خانه‌ای تاریک خواهند بود و دیگر وفاء و امانت نخواهد بود، اما دو تشتی که یکی از طلا و دیگری از سرب بود، تشتی سربی دنیا و تشتی طلا آخرت است و مردی که بین آنها ایستاده بود فرشته مرگ است که با قبض روح‌ها مردم را از دنیا به آخرت می‌برد و

تا زمان مشخص یعنی قیامت، نه دنیا تمام می‌شود و نه آخرت پُر می‌شود».

20. شخصی محضر حضرت علی (علیه السلام) آمد و عرض کرد: ای امیر المؤمنین (علیه السلام) در خواب دیدم خشتی بر نیم خشتی سجده کرده بود، و جنبه‌ای دو دهان و یک سر داشت که با هر دو دهانش غذا می‌خورد، و گاوی از شیر گوساله خود می‌نوشید، و چهار نفر زیبا چهره بودند که سه نفرشان پنهان شدند و یکی از آنها باقی ماند. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «أما اللبنة الساجدة لنصف لبنة فإنه يأتي على الأمة زمان تذلل فيه الأخيار للأشرار، وأما الدابة التي لها فمان في رأس واحد تأكل بهما... فإنه يأتي على الأمة زمان تأكل النساء من فروج بناتهن، وأما الأربعة نفر حسان الوجوه فهنّ الأمانة والزكاة وصلة الرحم والصلوة، فإنه يأتي على الأمة زمان يرفع فيه الأمانة والزكاة وتنقطع فيه صلة الرحم وتبقى الصلوة تصلّى سمعة ورياء فإذا كان كذلك سلّط الله عليهم شرارهم فیدعو خيارهم فلا يستجاب لهم، ولا يسمع منهم»⁽¹⁾ «اما خشت کاملی که به نیم خشت سجده کرده بود معنایش این است که بر امت زمانی فرار می‌رسد که نیکان در مقابل بدان خوار می‌شوند، و اما جنبه‌ای که دو دهان و یک سر داشت (دنیاپرستانی هستند که از حلال و حرام ارتزاق می‌کنند، و اما گاوی از شیر گوساله خود می‌نوشید) پس زمانی بر امت اسلامی می‌رسد که زن‌ها از فرج دخترانشان

ص: 166

می‌خورند (و کسب در آمد می‌کنند)، اما چهار نفر زیبا رو آنها امانت و زکات و صله رحم و نماز هستند، زمانی بر امت اسلامی می‌رسد که امانت و زکات برداشته شده و قطع رحم می‌شود، و (از بین این چهار مورد) فقط نماز می‌ماند که آن هم از روی ریا و سمعه⁽¹⁾

خوانده می‌شود، وقتی اینگونه شد خدا افراد شرورشان را بر آنها مسلط می‌فرماید و نیکانشان مطالبه می‌کنند ولی اجابت نمی‌شوند و از آنها سخنانشان شنیده نمی‌شود».

21. حضرت علی (علیه السلام) (شب نوزدهم بعد از اندکی خواب) به امام حسن (علیه السلام) فرمودند: «يَا بُنَيَّ رَأَيْتُ كَأَنَّ جِبْرِيلَ (علیه السلام) قَدْ نَزَلَ عَنِ السَّمَاءِ عَلَى جَبَلٍ أَبِي قُبَيْسٍ، فَتَنَاوَلَ مِنْهُ حَجَرَيْنِ وَ مَضَى بِهِمَا إِلَى الْكُعْبَةِ وَ تَرَكَهُمَا عَلَى ظَهْرِهَا، وَ ضَرَبَ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخَرِ فَصَارَتْ كَالرَّمِيمِ ثُمَّ ذَرَّهُمَا فِي الرِّيحِ، فَمَا بَقِيَ بِمَكَّةَ وَ لَا بِالْمَدِينَةِ بَيْتٌ إِلَّا وَ دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ الرَّمَادِ» «ای پسرکم، در خواب دیدم که انگار جبرئیل (علیه السلام) از آسمان بر کوه ابوقبیس فرود آمد و از آن دو سنگ برداشت و به کعبه آورد و روی بام کعبه گذاشت، و یکی را بر دیگری زد و مثل خاکستر شدند سپس آنها را در باد پراکند، در مکه و مدینه خانه‌ای نماند جز اینکه از آن خاکستر وارد آن خانه شد» امام حسن (علیه السلام) عرض کرد: ای پدر، تعبیرش چیست؟ امام علی (علیه السلام) فرمودند: «يَا بُنَيَّ إِنْ صَدَقْتُ رُؤْيَايَ فَإِنَّ أَبَاكَ مَقْتُولٌ وَ لَا يَبْقَى بِمَكَّةَ حَيْنَنْدٍ وَ لَا بِالْمَدِينَةِ بَيْتٌ إِلَّا وَ يَدْخُلُهُ مِنْ ذَلِكَ غَمٌّ وَ مُصِيبَةٌ»

ص: 167

1- . ریا حین عمل را ریا گویند، از رؤیت و دیدن است، یعنی شخص عملش را به دیگران نشان می‌دهد. اما ریا عمل را سمعه گویند، از سمع و شنیدن است، یعنی شخص بعد از انجام عمل آن را به گوش دیگران رسانده و بازگو می‌کند.

مِنْ أَجْلِي» (1) «ای پسر، اگر خوابم صادق باشد، پس پدرت کشته می شود و در مکه و مدینه خانه ای نمی ماند مگر اینکه مصیبت و اندوه من وارد آن می شود».

22. موقع سحر شب عاشوراء امام حسین (علیه السلام) لحظه ای خوابشان گرفت، بعد بلند شدند و فرمودند: آیا می دانید در خوابم چه دیدم؟ اصحاب عرض کردند: ای پسر رسول خدا، چه دیدی؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند: «رَأَيْتُ كَأَنَّ كِلَابًا قَدْ شَدَّتْ عَلَيَّ لِتَنْهَسَنِي، وَ فِيهَا كَلْبٌ أَبْقَعَ رَأْيُهُ أَشَدَّهَا عَلَيَّ، وَأُظُنُّ أَنَّ الَّذِي يَتَوَلَّى قَتْلِي رَجُلٌ أَبْرَصٌ مِنْ بَيْنِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ» (2) «سگانی دیدم که بر حمله کرده بودند تا مرا گاز بگیرند، و در بین آنها سگی سیاه و سفید بود که خیلی بر من حمله می کرد، و گمان می کنم آن کس که از بین اینان عهده دار قتل من باشد مردی لک و پیس دار باشد».

23. مردی به نزد امام صادق (علیه السلام) آمده و به حضرت عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، من در خواب دیدم گویا در بیرون شهر کوفه هستم در جایی که می دانم کجاست، و گویا شبی از چوب یا مردی تراشیده شده از چوب را دیدم که بر اسبی چوبین سوار بود و با شمشیر اشاره می کرد و من در حالی که ترسان و هراسان بودم به او نگاه می کردم. حضرت (علیه السلام) به او فرمود: «أَنْتَ رَجُلٌ تُرِيدُ اغْتِيَالَ رَجُلٍ فِي مَعِيشَتِهِ، فَاتَّقِ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكَ ثُمَّ يُمِيتُكَ» «تو مردی هستی که قصد داری زندگی مردی را تباه

ص: 168

1- . بحار الأنوار، ج 42، ص: 278 و 279

2- . بحار الأنوار، ج 45، ص: 3

سازی، پس بترس از آن خدائی که تو را آفریده و سپس تو را می‌میراند»، آن مرد (که این سخن را شنید) گفت: گواهی دهم که علمی نصیب تو گشته و آن را از معدنش دریافت کرده‌ای، اکنون ای فرزند رسول خدا آنچه را برایم تفسیر و تعبیر کردی به تو خبر می‌دهم، همانا مردی از همسایگان من پیش من آمد و زمیانش را برای فروش به من عرضه کرد، و من تصمیم گرفته‌ام آن را به بهای بسیار کمی بخرم چون می‌دانستم که جز من مشتری ندارد، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وَصَاحِبُكَ يَتَوَلَّانَا وَ يَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّنَا؟» «و این شخص (که می‌گوئی) کسی است که ما را دوست دارد و از دشمنان ما بیزاری می‌جوید؟» عرض کرد: آری ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی است با بصیرت و در دینش محکم است، و من به درگاه خدای عز و جل و به پیشگاه شما از این تصمیمی که گرفته بودم و قصدی که داشتم توبه می‌کنم، اکنون ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بفرمائید اگر این شخص ناصبی (و دشمن شما خاندان) بود برای من فریب او جایز بود؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: «أَدَّ الْأَمَانَةَ لِمَنْ ائْتَمَرَكَ وَ أَرَادَ مِنْكَ النَّصِيحَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ ع» (1) «نه، چرا که تو را امین شمرده است) امانت را برگردان به کسی که تو را امین شمرده و از تو خیرجویی کرده، گرچه کشنده حسین (علیه السلام) باشد».

24. اما رضا (علیه السلام) در صبحی فرمودند: «رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ يَقُطِينٍ وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ غُرَّةٌ بَيْضَاءُ فَتَأَوَّلْتُ ذَلِكَ عَلَى الدِّينِ» (2) «دیشب

ص: 169

1- . الکافی، ج 8، ص: 293، ح 448

2- . رجال الکشی، ص: 491، ح 939

نوکر علی بن یقطین را دیدم که بین دو چشمش سفیدی درخشانی بود، و آن را بر دین تعبیر کردم».

25. شخصی به نام «مسافر» گوید: به حضرت رضا (علیه السلام) عرض کردم: در خواب قفسی را دیدم که روزی زمین گذاشته شد و در آن چهل جوجه بود. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «إِنْ كَانَتْ صَادِقَةً خَرَجَ مِنْهَا رَجُلٌ فَعَاشَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (1) «اگر رؤیای صادق باشد، مردی از میان ما قیام می کند و چهل روز زندگی می کند».

2. تعبیر غیر معصومین

چند نمونه از تعبیر خواب توسط معبرین ارائه می شود و نیازی به ترجمه متون عربی نیست:

1/2. تعبیر رؤیا توسط «ابن سیرین»

1. أخرج عن ابن عون قال: رأيت في المنام كأني مع محمد بن سيرين في بستان، فجعل يمشي فيه، فيمر على الجدول فيثبه، وأنا خلفه أفعل ذلك، قال: فأتيته فقصصتها عليه، فرأيت أنه عرفها، فقال: ما شاء الله، ما شاء الله، هذا رجل يتبع رجلا يتعلم منه الخير.

2. وأخرج عن ابن عوف قال: رأيت في المنام كأني كنت جالسا في المسجد فبدرت حصاة، فوقع في أذني فقلت برأسي،

ص: 170

1- . الخرائج و الجرائح، ج 1، ص: 363، ح 18

فسقطت، فسألت عنها ابن سيرين فقال: هذا رجل سمع كلمة تسوؤه، فلم يكن لها في قلبه قرار. (1)

3. سمعت محمد بن سيرين وسئل عن رجل رأى في المنام كأن معه سيفاً مخترباً، فقال: ولد ذكر، قال: اندق السيف، قال: يموت. (2)

4. وقال آخر لابن سيرين: رأيت كأنني أختق ديكاً، فقال ابن سيرين؟ هذا رجل ينكح يده. (3)

5. من الرؤيا المعبرة أن رجلاً أتى ابن سيرين، فقال له: رأيت كأنني آخذ العصفير فأدق أجنتها وأجعلها في حجري فقال ابن سيرين: أتعلم كتاب الله أنت؟ قال: نعم. فقال: اتق الله في أولاد المسلمين.

6. أتاه رجل فقال: رأيت كأن في يدي عصفوراً وقد هممت بذبحه. فقال: لا يحل لك أن تأكلني! فقال له ابن سيرين: أنت رجل تتناول الصدقة ولست مستحقها، فقال له الرجل: تقول لي ذلك؟ فقال: نعم، ولو شئت قلت لك كم هي درهم. فقال: كم هي؟ فقال ابن سيرين: ستة دراهم. فقال الرجل: ها هي في كفي، وأنا تأب لا أعود إلى تناول الصدقة. فقيل له: من أين أخذت ذلك؟ فقال: العصفور ينطق في الرؤيا بالحق، وهو ستة أعضاء، فبقوله: لا يحل لك أن تأكلني، علمت بذلك أنه يتناول ما لا يستحق. (4)

ص: 171

1- . المحاضرات و المحاورات، ص: 90 (قصه اول و دوم)

2- . المحاضرات و المحاورات، ص: 120 (قصه سوم)

3- . حياة الحيوان الكبرى، ج 1، ص: 485 (قصه چهارم)

4- . حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص: 166 (قصه پنجم و ششم)

7. من الرؤيا المعبرة أن رجلاً أتى ابن سيرين رحمه الله تعالى عليه، فقال: رأيت كأنني راكب على فرس قوائمه من حديد، فقال له ابن سيرين رحمه الله: توقع الموت والله تعالى أعلم. (1)

8. من الرؤيا المعبرة أن ابن سيرين رحمه الله، أراه رجل فقال له: رأيت رجلاً يحلب من النوق البخت لبناً، ثم حلبها دماً. فقال ابن سيرين: هذا رجل يتولى على الأعاجم و يجيبهم الزكاة وهي اللبن، ثم يظلمهم و يأخذ أموالهم غصباً، و هو الدم، فكان كذلك. (2)

9. قال له رجل: رأيت كأنني أصب الزيت في الزيتون، فقال: فتش على امرأتك فإنها أمك، ففتش فإذا هي أمه. و ذلك أن الرجل أخذ من بلاده صغيراً سبياً ثم مكث في بلاد الإسلام إلى أن كبر، ثم سببت أمه فاشتراها جاهلاً أنها أمه.

10. و قال له آخر: رأيت كأنني دست - أو قال وطئت - ثمرة فخرجت منها فأرة. فقال له: تتزوج امرأة - أو قال: تطأ امرأة - صالحة تلد بنتاً فاسقة، فكان كما قال.

11. و قال له آخر: رأيت كأنني أستاذك و الدم يسيل. فقال له: أنت رجل تقع في أعراض الناس و تأكل لحومهم و تخرج في بابه و تأتيه.

12. و قال له آخر: رأيت كأنني أرى اللؤلؤ في الحمامة، فقال له: أنت رجل تضع القرآن و العلم عند غير أهله و من لا ينتفع به.

13. و قال له رجل: رأيت لحيتي قد طالت و أنا انظر إليها. فقال

ص: 172

1- . حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص: 300 (قصه هفتم)

2- . حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص: 460 (قصه هشتم)

له أ مؤذن أنت؟ قال: نعم! قال له: اتق الله ولا تنظر إلى دور الجيران.

14. وقال له آخر: رأيت كأن لحيتي قد طالت حتى جززتها ونسجتها كساء وبعته في السوق. فقال له: اتق الله فإنك شاهد زور.

15. وقال له آخر: رأيت كأنى أكل أصابعي، فقال له تأكل من عمل يدك. (1)

16. سمعت أبا حنيفة يقول: رأيت رؤيا أفزعنتي حتى رأيت كأنى أنبش قبر النبي (صل الله عليه وآله وسلم) فأتيت البصرة فأمرت رجلا يسأل محمد بن سيرين. فسأله فقال: هذا رجل ينش أخبار النبي ص. (2)

17. قد أتى رجل إلى ابن سيرين فقال: إني رأيت البارحة كان بيدي خاتم وانا أختم به أفواه الناس وفروجهم فقال: انه ينبغي ان تكون مؤذنا وهذا شهر رمضان فاذا اذنت في الليل حرمت الاكل والجماع. (3)

18. كان ابن سيرين يعبر الأذان في النوم عملا صالحا فيه شهرة.

19. قال ابن سيرين في جنازة يتبعها الناس: هذا قائد له أتباع.

20. أتى رجل إلى ابن سيرين فقال: رأيت البارحة امرأة من جيرانى كأنها ذبحت في بيت من دارها. فقال: هذه امرأة نكحت

ص: 173

1- . البداية و النهاية، ج 9، ص: 275 (قصه نهم تا پانزدهم)

2- . تاريخ بغداد، ج 13، ص: 335 (قصه شانزدهم). در (آيات بينات، ص 94) در ذيل توضيح اين حكايت آمده: «مراد ابن سيرين من نبشة أخبار النبي (صل الله عليه وآله وسلم) إبطاله لها، كما أن نبش القبر إبطاله، وإبطال أبي حنيفة لأخبار النبي (صل الله عليه وآله وسلم) معلوم بالعيان».

3- . لنالي الأخبار، ج: 5، ص: 379 (قصه هفدهم)

الليلة في ذلك البيت. فعزّ على السائل ما ذكره؛ لأنّ زوج المرأة كان غائبا عنها، فلما انصرف قال له أهله: رأيت فلانا؟ - يعنون الغائب جاره - فقال: وهل أتى؟ قالوا: نعم. وفي داره بات البارحة. فقصدته وسأله، فكان كما قال ابن سيرين.

21. قال رجل لابن سيرين: رأيت في المنام كأنّ قردا يأكل معي على مائدة. فقال: هذا غلام أمرد اتخذ بعض نساءك.

22. قال رجل لابن سيرين: رأيت في المنام كأنّ في حجرى صبيّا يصيح. فقال له ابن سيرين: اتق الله ولا تضرب العود.

23. قال رجل لابن سيرين: رأيت في المنام كأنّي أطير بين السماء والأرض. فقال: أراك تكثر الأمانى.

24. سئل ابن سيرين عن الفيل في النوم، فقال: أمر جسيم قليل المنفعة.

25. قال رجل لابن سيرين: ما تقول يا أبا بكر في امرأة كانت ترى في المنام كأنها تأكل رأس جزور؟ فقال: تتقى الله ولا تبغض العرب.

26. كان ابن سيرين يستحبّ الزيت في النوم، ويقول: هو بركة كلّ، إن أكلته أو أدخلته بيتك أو شربته أو أدهنت به أو تلطّخت، لأنه من شجرة مباركة.

27. كان ابن سيرين يقول: الماء في النوم فتنة، وبلاء في الدين، وأمر شديد؛ لأن الله تعالى يقول: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ» (1) وقال:

ص: 174

«ماءٌ غَدَقًا، لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ»⁽¹⁾. قال ابن سيرين: و من عبر نهرا، قطع بلاء و فتنة و مشقة، و نجا من ذلك.

28. أتى رجل ابن سيرين، فقال له: خطبت امرأة فرأيتها في المنام. فقال له ابن سيرين: كيف رأيتها؟ قال: رأيتها سوداء قصيرة مكسورة الفم. فقال ابن سيرين: أمّا الذى رأيت من سوادها فإنها امرأة لها مال، و أمّا ما رأيت من كسر فمها فإنها امرأة فظيعة اللسان، و أمّا ما رأيت من قصرها، فإنها امرأة قصيرة العمر، و توشك أن تموت عاجلا، فذهب فتزوجها.⁽²⁾

29. عن هشام بن حسان قال: كنت مع ابن سيرين في السوق فجاءه رجل فقال: إني رأيت في المنام كأن عنقي ضربت فقال: أنت عبد تعتق. قال: ثم أعدته قال: يموت مولاك. قال: فبلغ ذلك مولاه، فقال: يا عجباً لابن سيرين هذا يتكلف علم الغيب قال: فلم يلبث أن عتق العبد و مات المولى.

30. و جاءه رجل فقال: إني رأيت في المنام كأن على رأسي تاجا من الذهب. فقال: أبوك في أرض غربة قد ذهب بصره. قال: فما افترقنا حتى أخرج كتابا من أبيه أنه قد ذهب بصره.⁽³⁾

31. جاءه (أى ابن سيرين) رجل و قال: رأيت كأنى و جارية

ص: 175

1- . الجن: 16 و 17

2- . بهجة المَجالس و أنس المُجالس، ج: 2، ص: 146 الى 148 (از شماره هجده تا بیست و هشت)

3- . شعب الإيمان، ج: 4، ص: 194، ش 4779 (قصه بیست و نهم و سیم)

سوداء نأكل فى قصعة سمكة، فقال: أتهىء طعاماً و تدعوننى؟ قال: نعم، ففعل، فلما وضعت المائدة إذا جارية سوداء، فقال ابن سيرين: هل أصبت هذه؟ قال: لا، قال: فادخل بها المخدع، فدخل وصاح: يا أبابكر، رجل والله، فقال ابن سيرين: هذا الذى شاركك فى أهلك.

32. جاء رجل إلى ابن سيرين غير متهم فى دينه قلماً، فقال: إني رأيت البارحة أنى قد وضعت رجلى على وجه رسول الله (صل الله عليه و آله و سلم)، فقال له: هل بتّ البارحة مع خُفتيك؟ قال: نعم، قال: فاخلعهما، فخلعهما فكان تحت إحدى رجليه درهم عليه: محمد رسول الله (صل الله عليه و آله و سلم). (1)

33. قيل لابن سيرين: رجل روى على حمار، ولا يزال يلقيه فى ماء و طين؛ ثم روى كأنه اردف جارية، قال: ما إسمها؟ قال: عتبة، قال: اعتب الرجل.

34. سئل ابن سيرين عن رجل رأى كأن فمه سقط كله، قال: هذا رجل قطع قرابته.

35. قال له آخر: رأيت كائى أشرب من قُلة ضيقة الرأس، قال: انت تراود جارية عن نفسها.

36. سأل رجل ابن سيرين عن رجل رأى أن له نعامة تطحن، فقال: هذا رجل اشترى جارية فخبأها فى بنى حنيفة، و كذلك كان.

37. رأت امرأة كأنها تمصّ تمرّة، و تعطّيها جاراً فيمصّها، فكأنّا

ص: 176

1- . المدخل لعلم تعبیر الرؤيا، ص 205 و 208 (قصه سى و يكى و سى و دوم)

كرهنا ذلك، فقصّت على ابن سيرين، فقال: يؤسا لها، تشاركه في معروف يسير، قال: فإذا هي تغسل له ثوبه و تعاطيه الشيء.

38. جاءت امرأة إلى ابن سيرين، فقالت له: يا أبا بكر، إنّ امرأة رأت في المنام في بيتها حجرين، يخرج منهما حيّتان، فيقوم اليهما رجلان، فيحتلبان من رؤوسهما لبنًا، فقال ابن سيرين: إنّ الحيّة لاتحلب اللبن، إنّما تحلب السم، فهذه امرأة يدخل إليها رجلان من رؤوس الخوارج يخبرانها أنّ السنة و الفطرة فيما يدعوانها إليه، و إنّما يدعوانها إلى السم، فقالت المرأة: صدقت.

39. جاء رجل إلى ابن سيرين، فقال: إنّى رأيت امرأة تغزل بقطران، فعجبت منها، فقالت المرأة: ما يعجبك من ذا؟ فإنّ نقصه أهون من برمه، فقال: هذه امرأة كان لها حقّ، فتركته في حياته لصاحبه ثم رجعت فيه، فقبل للمرأة، فقالت: صدق، قد كان لى على زوجى صداق، فتركته في حياته، فلمّا أن مات اخذت به من الميراث.

40. جاءت امرأة إلى ابن سيرين، فقالت: إنّى رأيت في حِجرى لؤلؤتين، إحداهما أعظم من الأخرى، فسألتنى امرأة إحدى اللؤلؤتين، فأعطيتها الصغرى. قال: هذه امرأة تعلّمت سورتين، أحدهما أطول من الأخرى، و علّمت امرأة الصغرى، فقالت المرأة: صدقت، قد تعلّمت البقرة و آل عمران، فسألتنى أختى تعليمها فعلمتها آل عمران.

41. قال رجل لابن سيرين: إنّى رأيتنى أصلى خُفّى في النار،

فوقع أحدهما فى النار فاحترق، وأصابته الآخر من النار سَمْعٌ. فقال ابن سيرين: هذا رجل له ماشية بأرض فارس، قد أغير عليها فذهب بنصفها، وأصيب من النصف الآخر شيء قليل، فخرج الرجل ذلى كرماني - وله بها ماشية - فوجد عاملاً من عمال السند قد مرّ بها فأخذ نصفها، وتناول أصحابه من النصف الآخر شيئاً.

42. جاءت امرأة إلى ابن سيرين وهو يتغذى، فقالت: يا أبابكر رأيت رؤيا، فقال: تقصّين أو تتركينى حتى آكل؟ قالت: أتركك، فأكل، ثم قال: قصّى، قالت: رأيت القمر قد دخل فى الثريا، فنادى منادٍ من خلفى: انتى ابن سيرين فقصّى عليه. فقلصت يده عن الطعام، وقال: ويلك، كيف رأيت؟ فأعادت عليه، فتغيّر لونه وقام وهو أخذ ببطنه، فقالت أخته: ما لك؟ فقال: زعمت هذه المرأة أنّي ميّت إلى سبعة أيام، قال الأشعث: فعددتنا سبعة أيّام، فدقّناه فى اليوم السابع.

43. سأله رجل رأى كأنّ على رأس مملوكه قطع، فقال: هذا يفارق مولاه، إمّا يموت مولاه وإمّا يموت العبد، قال: فما لبثنا خمسا أو ستّا حتى مات الرجل. 44. بشر قال: سألت محمداً عن رجل رأى أنّ يده قطعت، فقال: هذا رجل كان يعمل عملاً، فتحوّل منه إلى غيره. فقال محمد للرجل: أنت نجار؟ قال: نعم، تحوّل من عملى إلى عمل آخر.

45. أتى رجل ابن سيرين فقال: رأيت امرأة من اهلنا كأنّ بين يديها إناء فيه لبن، كلّما رفعته لتشربه أعجلها البول فوضعتة، فقال:

هذه امرأة سالحة تشتهي الرجال، فزوّجوها.

46. قال رجل لابن سيرين: رأيت في النوم رجلاً أسود ميّتا ورجلاً قائماً عليه يغسله، قال: أمّا موته فكفره، و أمّا سواده فماله، و أمّا هذا القائم عليه يغسله فيخادعه عن ماله، ألك عليه شيء؟ فأظنه، قال: نعم، قال: اذهب فخذ.

47. سئل محمد عن رجل رأى كأنه أخذ جرة فأوثق فيها حبلاً فأدلى الحبل في الركبة فلما إمتلأت الجرة انحل الجبل و سقطت الجرة، فقال: الحبل الميثاق، و الجرة امرأة، و الماء الفتنة، و الركبة مكر، هذا رجل بعث صاحباً يخطب عليه امرأة فمكر بالرجل و تزوّجها.

48. أنّ محمدا سئل عن امرأة روى لها كأنها مطلية بالقطران و بين ثديها لمعة بيضاء، فقال: هذه امرأة لطخت بمال و أمر عظيم، لانعلمها إلا بريئة.

49. أتت امرأة ابن سيرين فقالت: امرأة روى لها في المنام أنها تستقي الماء، فقال: لتتق الله هذه المرأة و لا تمش بين الناس بالكذب.

50. سئل محمد [بن سيرين] عن رجل، رأى كأن ابنه قام إليه، فكتفه بحبل أسود، ثم قدمه ليذبحه، فقال: هذا رجل برّ بأبيه، و على أيه دين يقضيه. قال: فكان يجعل كل سواد مالا.

51. أفتى محمد بن سيرين امرأة أخته، فقالت: رأيت كأن سدره في دارى سقطت، فالتقطت من نبقها دوختين، فقال: ألك زوج

غائب؟ قالت: نعم، قال: فإنه قد مات و ترثينه ألقين. (1)

52. خالد بن دينار قال: كنت عند ابن سيرين فأتاه رجل فقال: يا أبا بكر رأيت في المنام كأني أشرب من بلبلة لها ثقبات، فوجدت أحدهما عذبا و الآخر ملحا. قال: اتق الله لك امرأة و أنت تخالف (و الصحيح: تختلف) إلى أختها.

53. و من طريق أبي قلابة أن رجلا قال لأبي بكر (اي ابن سيرين): رأيت كأني أبول دما. قال: تأتي امرأتك و هي حائض؟ قال: نعم. قال: اتق الله و لا تعد.

54. و من طريق حبيب المعلم أن امرأة رأت في المنام أنها تجلب حية فقصت على ابن سيرين فقال: اللبن فطرة و الحية عدو، و ليست من الفطرة في شيء هذه امرأة تدخل عليها أهل الأهواء.

55. و من طريق الحرث بن ثقيف قال: قال رجل لابن سيرين: إني رأيت كأني ألعق عسلا من جام من جوهر فقال: اتق الله و عاود القرآن فقد كنت تحفظه ثم نسيت.

56. من طريق مبارك بن يزيد البصري قال: قلت لابن سيرين رأيت في المنام كأني أغسل ثوبي و هو لا ينقي. قال: أنت رجل مصارع لأخيك. (2)

57. حكى أن امرأة أتت ابن سيرين فقالت: رأيت في المنام

ص: 180

1- . كتاب تعبير الرؤيا، ص 33 و 34 و 78 و 79 و 80 و 81 و 82 و 90 و 92 و 93 و 94 و 121 و 141 (از قصه سی و سوم تا پنجاه و

یکم)

2- . إتحاف السادة المتقين، ج: 10، ص: 646 و 647 (از قصه پنجاه و دوم تا پنجاه و ششم)

أسكفة بابى العليا وقعت على السفلى ورأيت المصراعين قد سقطا فوق أحدهما خارج البيت و الآخر داخل البيت، فقال لها: ألك زوج و ولدان غائبان؟ قالت: نعم، فقال: أمّا سقوط الأسفكة العليا فقدوم زوجك سريعاً، و أمّا وقوع المصراع خارجاً فإنّ ابنك يتزوَّج امرأة غريبة، فلم يلبث إلا قليلاً حتّى قدم زوجها و ابنها مع ابنة غريبة.

58. حكى أنّ رجلاً أتى ابن سيرين فذكر له أنه ينكح أمّه فلما فرغ منها نكح أخته و كان يمينه قطعت، فكتب ابن سيرين جوابه فى رقعة حياة من أن يكلم الرجل بذلك، فقال: هذا عاق قاطع للرحم بخيل بالمعروف مسيء إلى والدته و أخته.

59. سئل ابن سيرين عن رجل رأى كأنّ عليه رداء جديداً من برد يمان قد تخرقت حواشيه، فقال: هذا رجل قد تعلّم شيئاً من القرآن ثم نسيه.

60. حكى أنّ رجلاً أتى ابن سيرين فقال: رأيت فخذى حمراء و عليها شعر نابت و أمرت رجلاً فقصّ ذلك الشعر، فقال: أنت رجل عليك دين يؤديه رجل من قرابتك.

61. حكى أنّ رجلاً أتى ابن سيرين فقال: رأيت حيّة تسعى و أنا أتبعها فدخلت حجراً و فى يدي مسحاة فوضعتها على الحجر، فقال: أ تخطب امرأة؟ قال: نعم، فقال: إنّك ستزوَّجها و ترثها، فتزوَّجها فماتت عن سبعة آلاف درهم.

62. حكى أنّ رجلاً أتى ابن سيرين فقال: رأيت كائى على فيل،

فقال: الفيل ليس من مراكب المسلمين، أخاف أنك على غير الإسلام.

63. أتت امرأة ابن سيرين، فقالت: رأيت كأنني قتلت زوجي مع قوم، فقال لها: إنك حملت زوجك على إثم فأتق الله عز وجل، قالت: صدقت. (1)

64. عن عبد الله بن مسلم وهو رجل من أهل مرو، قال: كنت أجالس ابن سيرين، فتركت مجالسته وجالست قوما من الإباضية، فرأيت فيما يرى النائم كأنني مع قوم يحملون جنازة النبي (صل الله عليه وآله وسلم)، فأتيت ابن سيرين فذكرت له ذلك فقال: ما لك جالست أقواما يريدون أن يدفنوا ما جاء به محمد (صل الله عليه وآله وسلم). (2)

65. ان امرأة قالت لابن سيرين: رأيت أنني قد بضت بيضتين، فخرج منهما فروجتين وبيدي مصحف، والفروجين تلتقط من المصحف سطرًا سطرًا، فقال: تضعين بنتين وتعلمان القرآن.

66. جاء رجل إلى ابن سيرين فقال: رأيت كأنني أبلع اللؤلؤ وأرميه، فقال ابن سيرين له: كلما حفظت شيئاً من القرآن نسيت.

67. وأتاه رجل فقال: رأيت شخصاً يبلع اللؤلؤ صغاراً ويخرجه من فمه كباراً، فقال ابن سيرين: هذا رجل يحفظ الأحاديث عن النبي (صل الله عليه وآله وسلم) فإذا حدث بها زادها. (3)

ص: 182

-
- 1- . تعجيل السقيا، ص 83 إلى 86 (از قصه پنجاه و هفتم تا قصه شصت و سوم)
 - 2- . تاريخ مدينة دمشق، ج 53، ص: 232 (قصه شصت و چهارم)
 - 3- . ضوابط الرؤيا، ص 88 و 182 (قصه شصت و پنجم تا قصه شصت و هفتم)

68. روى الحسن بن علي بن المعتز الكوفي عن أبيه عن السيد قال: رأيت النبي (صل الله عليه وآله وسلم) في النوم وكأنه في حديقة سبخة فيها نخل طوال وإلى جانبها أرض كأنها الكافور ليس فيها شيء؛ فقال: أتدري لمن هذا النخل؟ قلت: لا يا رسول الله؛ قال: لا مرئ القيس بن حجر، فاقلعها و اعرسها في هذه الأرض ففعلت. وأتيت ابن سيرين فقصصت رؤيائي عليه؛ فقال: أ تقول الشعر؟ قلت: لا؛ قال: أما إنك ستقول شعرا مثل شعر امرئ القيس إلا أنك تقوله في قوم بررة أطهار. قال: فما انصرفت إلا وأنا أقول الشعر. (1)

2/2. تعبير رؤيا توسط «سعيد بن مسيب»

1. جاء إلى ابن المسيب رجل قال: و كان من أعبر الناس يعني ابن المسيب قال: رأيت كأن في يدي قطرة من دم فكلما غسلتها ازدادت إشراقا، فقال له ابن المسيب: أنت رجل تنتقي من ولدك فاتق الله واستلحقه. (2)

2. عن عمر بن حبيب بن قريع قال: كنت جالسا عند سعيد بن المسيب يوما فجاء رجل فقال: يا أبا محمد إني رأيت رؤيا، قال: ما هي؟ قال: رأيت كأنني أخذت عبد الملك بن مروان فأضجعتة إلى الأرض، ثم بطحته، فأوتدت في ظهره أربعة أوتاد، قال: ما أنت رأيته؟ قال: بلى، أنا رأيته، قال: لا أخبرك أو تخبرني، قال: ابن

ص: 183

1- . الأغاني، ج: 7، ص: 173 (قصه شصت و هشتم)

2- . شعب الإيمان، ج: 4، ص: 193، ش 4776 (قصه اول)

الزبير رآها و هو بعثني إليك، قال: لئن صدقت رؤياه قتله عبد الملك بن مروان، و خرج من صلب عبد الملك أربعة كلهم يكون خليفة.

3. قال رجل: رأيت كأنّ عبد الملك بن مروان يبول في قبلة مسجد النبي (صل الله عليه وآله وسلم) أربع مرار، فذكرت ذلك لسعيد بن المسيب فقال: إن صدقت رؤياك قام فيه من صلبه أربعة خلفاء.

4. عن شريك بن أبي نمر قال: قلت لابن المسيب: رأيت في النوم كأنّ أسناني سقطت في يدي ثم دفنتها، فقال: إن صدقت رؤياك دفنت أسنانك من أهل بيتك.

5. و أخرج عن مسلم الخياط قال، قال رجل لابن المسيب: إني أراني أبول في يدي، فقال: اتق الله، فان تحتك ذات محرم، فنظر فاذا امرأة بينه وبينها رضاع.

6. و جاءه آخر فقال: يا أبا محمد، إني أراني كأني أبول في أصل زيتونة، قال: انظر تحتك، تحتك ذات محرم، فنظر فاذا امرأة لا يحل له نكاحها.

7. و قال له آخر: إني رأيت حمامة وقعت على منارة المسجد، فقال: تزوج الحجاج ابنة عبد الله بن جعفر بن أبي طالب.

8. و قال له آخر: إني أرى تيسا أقبل يشتر من الثنية فقال: اذبح اذبح، قال: ذبحت، قتال: مات ابن أم صلاء، فما برح حتى جاء الخبر أنه قد مات، و كان ابن أم صلاء رجلا من موالي أهل المدينة يسعى بالناس.

9. وقال له آخر: إني رأيت كأنني جالس في الظل، فقممت إلى الشمس، فقال: و الله لئن صدقت رؤياك لتخرجن من الإسلام، قال: يا أبا محمد، الكفر؟ فأسر فأكره على الكفر.

10. قال رجل لابن المسيب: إنه يري في النوم كأنه يخوض النار، فقال: إن صدقت رؤياك لا تموت حتى تركب البحر، و تموت قتلا، قال: فركب البحر فأشفي على الهلكة، و قتل يوم قديد بالسيف.

11. عن الحصين بن عبيد الله بن نوفل، قال: طلبت الولد فلم يولد لي، فقلت لابن المسيب: إني أرى أنه طرح في حجري بيض، فقال ابن المسيب: الدجاج عجمي، فاطلب سببا إلى العجم، ففسريت، فولد لي.

12. عن ابن المسيب قال: الكبل في النوم ثبات في الدين، و التمر في النوم رزق على كل حال، و الرطب في زمانه رزق. [\(1\)](#)

ص: 185

1- . المحاضرات و المحاورات، ص: 81 و 82 (قصه دوم تا دوازدهم)؛ به عنوان قصه پایانی: زنی صالحه در خواب دید که در یکی از مساجد جامع بر چهار صف نمازگزار مرد جلو افتاده است و امامت می کند، معبر اولین چنین تعبیر کرد: شما الگوی انسانها (یعنی همان افراد چهار صف) می شوید، معبر دوم گفت: بعد از چهار روز بر شما نماز میّت می خوانند. آن زن بعد از چهار روز فوت کرد. (قواعد ناب در تعبیر خواب، ص 80)

1. آیات بینات فی حقیقة بعض المنامات، محمد تقی تستری، قم، انتشارات محییین، 1428ق، چ: اول.
2. إتحاف السّادة المتّقین بشرح إحياء علوم الدّین، محمد بن محمد (مرتضی زبیدی)، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، 1426ق.
3. احسن التّویم، سید عبداللہ شبّر، قم، نشر باقیات، 1426 ق، چ: اول.
4. الإختصاص، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)؛ انتشارات جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم؛ 1413ق، چ: اول.
5. أخطاء الأنام حول الرؤى و الأحلام، احمد بن عبداللہ بن فريح الناصر، دار اطلس الخضراء.
6. ادب الطف أو شعراء الحسين عليه السلام، جواد شبّر، بیروت، دار المرتضی، 1409 ق، چ: اوّل.
7. الإرشاد في معرفة حجج الله (عليه السلام) على العباد، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413ق، چ: اول.
8. الاستيعاب فی معرفة الأصحاب، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، بیروت، دار الجیل، 1412ق، چ: اول.

9. الإصابة في تمييز الصحابة، احمد بن على بن حجر عسقلاني، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415ق، چ: اول.
10. إعلام الوری بأعلام الهدی؛ فضل بن حسن طبرسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیة/ تهران؛ 1390 ق، چ: سوم.
11. الأغاني، ابو الفرج على بن حسين اصفهاني، بيروت - لبنان، دار إحياء التراث العربي، 1415 ق.
12. الألفيّة الوردیّة فی تعبير الرؤيا، ابی حفص عمر بن مظفر بن وردی، قاهره، دار الآثار للنشر و التوزيع، 1430 ق، چ: اول.
13. الأمالي (للصدوق)، محمد بن على ابن بابويه (شيخ صدوق)، انتشارات کتابخانه اسلامیه، 1362 ش، چ: چهارم.
14. الأمالي (للطوسي)، محمد بن حسن طوسي (شيخ طوسي)، قم، انتشارات دارالثقافة، 1414 ق، چ: اول.
15. إمتاع الأسماع بما للنبي ص من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع؛ تقی الدين مقریزی؛ دار الكتب العلمية/ بيروت؛ 1420 ق، چ: اول.
16. أنوار التنزيل و أسرار التأويل [تفسير البيضاوی]؛ عبدالله بن عمر بیضاوی؛ دار احیاء التراث العربی/ بيروت؛ 1418 ق، چ: اول.
17. بانک جامع تعبير خواب، واحد تحقیقات مرکز یارانه ای قائمیة اصفهان، اصفهان، 1390 ش.
18. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليه السلام)، محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، بيروت - لبنان، مؤسسة الوفاء، 1404 ق، چ: دوم.

19. بحوث في الرؤيا والأحلام، محمد جواد طبسي، قم، دار الهدى، 1385ش، ج: اول.
20. البداية والنهاية؛ أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي؛ دار الفكر/ بيروت؛ 1407ق.
21. البرهان في تفسير القرآن؛ سيد هاشم بحراني؛ بنیاد بعثت/ تهران؛ 1416ق، ج: اول.
22. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ محمد بن حسن صفار؛ مكتبة آية الله المرعشي النجفي/ قم؛ 1404ق، ج: دوم.
23. بلغة الشيعة الكرام في تعبير الرؤيا والمنام، ميرزا محسن عصفور، كويت، مكتبة الفقيه، 1406ق، ج: اول.
24. بهجة المجالس وأنس المجالس، يوسف بن عبد الله (ابن عبد البر)، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية، 1421ق.
25. تاج العروس من جواهر القاموس؛ محب الدين سيد محمد مرتضى حسيني واسطى زبيدي؛ دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع/ بيروت - لبنان؛ 1414ق، ج: اول.
26. تاريخ بغداد، ابوبكر احمد بن علي (خطيب بغدادی)، بيروت، دار الكتب العلمية، 1417ق، ج: اول.
27. تاريخ مدينة دمشق؛ ابو القاسم علي ابن عساكر شافعي دمشقي؛ دار الفكر/ بيروت؛ 1415ق.
28. التبيان في تفسير القرآن؛ محمد بن حسن طوسي (شيخ طوسي)؛ دار احیاء التراث العربی/ بيروت.

29. تحف العقول عن آل الرسول (عليه السلام)؛ ابو محمد حسن بن على حرانى؛ مؤسسه انتشارات اسلامى / قم؛ 1404 ق، چ: دوم.
30. تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دفتر تبلیغات، 1366 ش، چ: اول.
31. تعبیر خواب و بیماری های روانی، زیگموند فروید، ترجمه: ایرج پورباقر، تهران، مؤسسه انتشارات آسیا، چ: دوم.
32. تعجیل السقیا فی تعبیر الرؤیا، احمد فرید، جده، مكتبة الصحابه، 1412 ق، چ: اول.
33. تعطير الأنام فی تعبیر المنام، عبد الغنى نابلسی، بیروت - لبنان، دار الكتب العربی، 1426 ق.
34. تفسير الأحلام، منسوب به محمد بن سیرین، دار مصر للطباعة.
35. تفسير العیاشی، محمد بن مسعود عیاش سلمی سمرقندی، چاپخانه علمیه تهران، 1380 ق، چ: اول.
36. التفسیر الکبیر [تفسیر القرآن العظیم]، سلیمان بن احمد طبرانی، اردن - اربد، دار الكتاب الثقافی، 2008 م، چ: اول.
37. تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبد الرزاق، عبد الرزاق بن همام صنعانی، لبنان - بیروت، دار المعرفة، 1411 ق، چ: اول.
38. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)؛ اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی؛ دار الكتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون/ بیروت؛ 1419 ق، چ: اول.
39. تفسیر القمی؛ علی بن ابراهیم قمی؛ مؤسسه دار الكتاب/ قم؛ 1404 ق؛ چ: سوم.

40. تفسير مبهمات القرآن الموسوم بصلة الجمع وعائد التذييل لموصول كتابي الاعلام والتكميل، محمد بن علي بلنسي، لبنان- بيروت، دار الغرب الإسلامي، 1411 ق، ج: اول.

41. توحيد المفصل؛ مفضل بن عمر جعفي كوفي؛ انتشارات مكتبة الداوري/ قم؛ 1969 م؛ ج: سوم (با تصحيح).

42. جامع الأخبار؛ تاج الدين محمد شعيري؛ انتشارات رضى/ قم؛ 1363 ش، ج: دوم.

43. جامع البيان في تفسير القرآن [تفسير الطبري]؛ ابو جعفر محمد بن جرير طبري؛ دار المعرفة/ بيروت؛ 1412 ق، ج: اول.

44. الجامع لأحكام القرآن [تفسير قرطبي]؛ محمد بن احمد قرطبي؛ انتشارات ناصر خسرو/ تهران؛ 1364 ش، ج: اول.

45. الجعفریات [الأشعثيات]؛ محمد بن محمد بن اشعث؛ مكتبة نينوى الحديثة/ تهران؛ ج: اول.

46. المجلس الصالح الكافي والأنيس الناصح الشافي، معافى بن زكريا جريري نهرواني، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية، 1426 ق.

47. حياة الحيوان الكبرى؛ كمال الدين دميري؛ دار الكتب العلمية/ بيروت؛ 1424 ق، ج: دوم.

48. الحيوان؛ جاحظ؛ دار الكتب العلمية/ بيروت؛ 1424 ق، ج: دوم.

49. الخرائج و الجرائح، قطب الدين سعيد بن هبة الله راوندی، قم، مؤسسه امام مهدي (عج)، 1409 ق، ج: اول.

50. الخصال [كتاب الخصال]؛ محمد بن علي بابويه «شيخ صدوق»؛ انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم؛ 1403 ق، چ: دوم.
51. دار السلام في ما يتعلق بالرؤيا والمنام، حسين بن محمد تقى نوري، بيروت - لبنان، دار البلاغة، 1427 ق.
52. الدر المنثور في تفسير المأثور، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر سيوطى، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى/ قم، 1404 ق.
53. الدروع الواقية، على بن موسى ابن طاووس، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1415 ق، چ: اول.
54. الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، محمد بن مكى (شهيد اول)، قم، انتشارات زائر، 1379 ش، چ: اول.
55. الدعوات (للراوندى) [سَلْمَةُ الحزين]؛ سعيد ابن هبة الله قطب الدين راوندى؛ انتشارات مدرسه امام مهدي عج / قم؛ 1407 ق، چ: اول.
56. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة؛ ابو بكر بيهقى؛ دار الكتب العلمية/ بيروت؛ 1405 ق، چ: اول.
57. رؤيا از نظر دين و روانشناسى، محمد رضا رضوان طلب، قم، انتشارات شفق، 1379 ش، چ: دوم.
58. الرؤى والأحلام، عبد العزيز بن مرزوق طريفى (فاقد مشخصات ديگر).
59. الرؤى والأحلام فى ضوء الكتاب و السنّة، حافظ بن حجر عسقلانى، قاهره، مكتبة التراث الإسلامى.
60. الرؤى والأحلام فى سنة هادى الأنام، أحمد بن سليمان عرينى، رياض، دار الوطن، 1417 ق، چ: اول.

61. ربيع الأبرار و نصوص الأخيار؛ محمود بن عمر جار الله زمخشري؛ مؤسسه اعلمى/ بيروت؛ 1412ق، چ: اول.
62. رجال الكشي؛ محمد بن عمر كشي؛ انتشارات دانشگاه مشهد؛ 1348 هـ-
63. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين؛ مؤلف: محمد بن حسن فتال نيشابوري؛ انتشارات رضى/ قم؛ 1375ش، چ: اول.
64. زاد المسير فى علم التفسير؛ مؤلف: ابوالفرج عبدالرحمن بن على ابن جوزى؛ دار الكتاب العربى/ بيروت؛ 1422ق، چ: اول.
65. سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، محمد بن يوسف صالحى شامى، بيروت، دار الكتب العلمية، 1414ق، چ: اول.
66. سفينه البحار و مدينة الحكم و الآثار؛ شيخ عباس قمى؛ قم، اسوه، 1414ق، چ: اول.
67. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد بن ماجه قزوینى، رياض، دار الحضارة للنشر و التوزيع، 1436ق، چ: دوم.
68. سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، رياض، دار الحضارة للنشر و التوزيع، 1436ق، چ: دوم.
69. شرح نهج البلاغه (لإبن ابى الحديد)؛ ابن ابى الحديد معتزلى؛ انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى/ قم؛ 1404ق، چ: اول.
70. شعب الإيمان، احمد بن حسين بيهقى، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية، 1421ق.
71. صحيح مسلم؛ مسلم نيشابوري؛ ناشر: دار الفكر/بيروت - لبنان.

72. ضوابط الرؤيا، محمد بن فهد بن ابراهيم ودعان، عربستان سعودی، دار كنوز إشبیلیا للنشر و التوزيع، 1428 ق، چ: اول.
73. عدة الداعي و نجاح الساعي؛ جمال الدين احمد ابن فهد حلی؛ انتشارات دار الكتاب الإسلامی؛ 1407 ق، چ: اول.
74. العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، رضی الدین علی بن یوسف حلی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، 1408 ق، چ: اول.
75. علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، قم، انتشارات کتاب فروشی داروری، 1385 ش، چ: اول.
76. عوالي اللآلی العزیزية فی الأحادیث الدینیة [غوالي اللآلی]؛ ابو جعفر، محمد بن علی بن ابراهیم (ابن ابی جمهور احسائی)؛ انتشارات سید الشهداء (علیه السلام) / قم؛ 1405 ق، چ: اول.
77. عیون أخبار الرضا (علیه السلام)؛ محمد بن علی بابویه، «شیخ صدوق»؛ انتشارات جهان/ تهران؛ 1378 ق، چ: اول.
- عیون الحکم و المواعظ؛ علی بن محمد لیثی واسطی؛ دار الحدیث/ قم؛ 1376 ش، چ: اول.
78. الغارات، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، تهران، انجمن آثار ملی، 1353 ش.
79. الفائق فی غریب الحدیث؛ ابو القاسم محمود بن عمر زمخشری؛ دار الکتب العلمیة/ بیروت- لبنان؛ 1417 ق، چ: اول.
80. فرهنگ جامع تعبیر خواب، هانس کورت، ترجمه: سید محمد علی شجاعی، تهران، انتشارات تهران، 1381 ش، چ: سوم.

81. فرهنگ (فارسی) عمید؛ (در قطع جیبی) حسن عمید؛ مؤسسه انتشارات امیر کبیر/ تهران؛ چاپ: چاپخانه سپهر تهران؛ 1378ش، چ: چهاردهم.
82. فلاح السائل و نجاح المسائل؛ سید بن طاووس؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ 1406ق، چ: اول.
83. الفوائد الحائرية، محمد باقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی)، قم، مجمع الفکر الاسلامی، 1415 ق، چ: اول.
84. القانون في الطب؛ (دوره 4 جلدی) ابوعلی سینا؛ دار احیاء التراث العربی/ بیروت - لبنان؛ 2055 م.
85. قرب الإسناد؛ عبد الله بن جعفر حمیری؛ انتشارات کتابخانه نینوی/ تهران.
86. قصص الأنبياء (عليه السلام) (للراوندي)؛ سعيد بن هبة الله قطب الدين راوندي؛ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی/ مشهد؛ 1409 ق، چ: اول.
87. قضاء أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام، علامه محمد تقی شوشتری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1421ق، چ: دوم.
88. قواعد تفسير الأحلام المسمّى «البدر المنير في علم التعبير» و شرحه، احمد بن عبدالرحمن (شهاب عابر)، بیروت - لبنان، مؤسسه الریان للطباعة و النشر و التوزيع، 1421ق، چ: اول.
89. قواعد ناب در تعبیر خواب (ترجمه: القواعد الحسنی فی تأویل

الرؤى)، عبد الله بن محمد سدحان، ترجمه: اسحاق بن عبد الله ديبري عوضى، 1427ق (فاقد مشخصات ديگر).

90. الكافي؛ (شامل اصول و فروع و روضه)، ثقة الإسلام محمد بن يعقوب كلينى؛ دار الكتب الإسلامية/ تهران؛ 1365ش، چ: چهارم.

91. كتاب تعبير الرؤيا، ابن قتيبه دينورى، دمشق، دار البشائر للطباعة و النشر و التوزيع، 1422ق، چ: اول.

92. كتاب سليم بن قيس الهلالي، سليم بن قيس هلالى، قم، الهادى، 1405ق، چ: اول.

93. كتاب العين؛ خليل بن احمد فراهىدى؛ نشر هجرت/ قم؛ 1410ق، چ: دوم.

94. كتاب الماء، عبدالله بن محمد أزدى، تهران، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكي، طب اسلامي و مكمل - دانشگاه علوم پزشكي ايران، 1387ش، چ: اول.

95. الكشف و البيان عن تفسير القرآن [تفسير الثعلبى]؛ احمد بن ابراهيم ثعلبى نيشابورى؛ دار إحياء التراث العربى/ بيروت؛ 1422ق، چ: اول.

96. كشف الغمة في معرفة الأئمة ع، على بن عيسى اربلى، تبريز، انتشارات مكتبة بنى هاشمى، 1381ق، چ: اول.

97. كليات تعبير خواب، حبیب بن ابراهيم تفلسى، تهران، انتشارات بدرقه جاويدان، 1381ش، چ: اول.

98. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال؛ على بن حسام الدين متقى هندي؛ مؤسسة الرسالة/ بيروت - لبنان؛ 1409ق.

99. كنز الفوائد؛ شيخ ابو الفتح كراجكى؛ انتشارات دار الذخائر/قم؛ 1410 ق، چ: اول

100. لئالي الأخبار، محمد نبى بن احمد تويسركانى، قم، انتشارات علامه، 1413 ق.

101. لسان العرب؛ ابو الفضل محمد بن مكرم (ابن منظور مصرى)؛ دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر/ بيروت - لبنان؛ 1414 ق، چ: سوم.

102. اللطائف و الظرائف، عبدالملك بن محمد ثعالبي، بيروت - لبنان، دار المناهل، 1417 ق.

103. لغت نامه (دهخدا)؛ على اكبر دهخدا؛ بنياد دانشگاه تهران، دانشكده ادبيات/ تهران؛ تاريخ نشر مجلدات: مختلف.

104. اللهوف على قتلى الطفوف، سيد ابن طاوس، تهران، جهان، 1348 ش، چ: اول.

105. المؤمن، حسين بن سعيدكوفى اهوازى، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، 1404 ق.

106. مجمع البحرين؛ فخر الدين طريحي؛ كتابفروشى مرتضوى/ تهران؛ 1416 ق، چ: سوم.

107. مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ فضل بن حسن طبرسى؛ انتشارات ناصر خسرو/ تهران؛ 1372 ش، چ: سوم.

108. المحاسن؛ احمد بن ابى عبد الله برقى؛ دار الكتب الإسلامية/قم؛ 1371 ق، چ: دوم.

109. محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء؛ حسين بن محمد راغب اصفهانی؛ شرکت دار ارقم بن ابی ارقم/ بیروت؛ 1420 ق، چ: اول.

110. المحاضرات و المحاورات؛ جلال الدين سيوطي؛ دار الغرب الإسلامي/ بيروت؛ 1424 ق، چ: اول.

111. المدخل لعلم تعبير الرؤيا، فهد بن جبير سفياني، عربستان، دار ابن الجوزي للنشر و التوزيع، 1431 ق، چ: اول.

112. معاني الأخبار، محمد بن علي ابن بابويه (شيخ صدوق)، مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، 1361 ش، چ: اول.

113. معجم الأدباء؛ ياقوت حموي؛ دار الغرب الإسلامي/ بيروت؛ 1414 ق، چ: اول.

114. معجم مقائيس اللغة؛ ابو الحسين احمد بن فارس بن زكريا؛ انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم؛ 1404 ق، چ: اول.

115. المغازي [كتاب المغازي]، محمد بن عمر الواقدي، بيروت، مؤسسة الأعلمي، 1409 ق، چ: دوم.

116. مناقب آل أبي طالب (عليه السلام)، رشيد الدين محمد بن شهر آشوب مازندراني، قم، مؤسسه انتشارات علامه، 1379 ش، چ: اول.

117. من لا يحضره الفقيه [الفقيه]؛ محمد بن بن بابويه قمي (شيخ صدوق)؛ مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم؛ 1413 ق، چ: سوم.

118. نفحات الرحمن فى تفسير القرآن، محمد نهاوندى، قم، مؤسسة البعثة، 1386ش، چ: اول.

119. النهاية في غريب الحديث و الأثر؛ مبارك بن محمد، ابن اثير جزرى ؛ مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان/قم؛ چ: اول.

120. الهداية إلى بلوغ النهاية، مكى بن حموش، امارات- شارجه، جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمى، 1429 ق، چ: اول.

121. ينابيع الشذى فى الأحلام و الرؤيا، ناصر بن سعيد بن سيف السيف (فاقد مشخصات ديگر).

ص: 199

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

